

# وظایف شیعیان در زمان غیبت

پیرامون مظلومیت و معرفت امام زمان (عج)

علی رضاپور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## وظایف شیعیان در زمان غیبت

تألیف:

علی رضاپور

رضاپور قهرمانلو، علی، ۱۳۵۶

وظایف شیعیان در زمان غیبت / مؤلف علی رضاپور. - کاشان: یاران مهدی (عج)، ۱۳۸۲.  
۱۶۰ ص.

ISBN 964-94919-2-9: ۸۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت -- انتظار. ۲. امام دوازدهم (عج) ۲۵۵ ق. ۳. فتن و ملاحم. عنوان.

الف. عنوان. BP ۲۲۴/۵۵۵۶ ۲۹۷/۴۶۲

کتابخانه ملی ایران ۸۲.۱۵۰۶ م

## وظایف شیعیان در زمان غیبت

تألیف: علی رضاپور

ناشر: نشر یاران مهدی (عج)

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: مهر ۱۳۸۲

تعداد صفحات: ۱۶۰ صفحه رقی

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: اسوه

شابک ۹۶۴-۹۴۹۱۹-۲-۹ ISBN 964-94919-2-9

مرکز پخش: کاشان و آران و بیدگل - انتشارات یاران مهدی (عج)

۰۳۶۲ ۲۷۲۴۰۵۶-۰۹۱۳۳۶۲۰۴۳۲

E-mail :Ostadaghaee yahoo.com

۸۰۰ تومان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا صَالِحٍ الْمَهْدِيِّ أَدْرِكُنِي

تقديم به پیشگاه یگانه منجی عالم هستی، آخرین خورشید  
فروزان هدایت، حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج)، او  
که با ظهور بابرکتش سرور و شادی را بر پیکره جامعه بشری  
به ارمغان خواهد آورد.

## فهرست عناوین

سخن مؤلف..... ۷

### «بخش ۱»

- ۹..... غربت و مظلومیّت امام زمان (عج)
- ۱۳..... محبّت واقعی و مظلومیّت امام زمان (عج)
- ۱۷..... پاداش رسالت و مظلومیّت امام زمان (عج)
- ۲۱..... مأموریّت و مظلومیّت امام زمان (عج)
- ۲۵..... مصائب وارده بر شیعیان و مظلومیّت امام زمان (عج)
- ۲۸..... مصائب وارده بر اهل بیت علیهم السلام و مظلومیّت امام زمان (عج)
- ۳۱..... مظلومیّت امام زمان (عج) از ناحیه دوستان
- ۳۲..... ۱- لزوم دعا برای فرج امام زمان (عج)
- ۳۶..... ۲- سعادت بشری
- ۳۷..... ۳- اعمال ناشایسته دوستان

### «بخش ۲»

- ۴۱..... دوران پس از ظهور
- ۴۳..... ظهور امام زمان (عج) و تکامل عقل‌ها
- ۴۳..... قیام امام زمان (عج) و مرگ شیطان
- ۴۴..... وفور نعمات الهی در زمان ظهور
- ۴۶..... ایجاد حکومت واحد اسلامی

- صلح و امنیت در عصر ظهور..... ۴۷
- شفای امراض جسمی..... ۴۸

### «بخش ۳»

- وظایف شیعیان در زمان غیبت..... ۵۰
- تکالیف دوران غیبت..... ۵۱
- شناخت امام زمان (عج)..... ۵۱
- شناخت چگونگی آفرینش و حقیقت امام زمان (عج)..... ۵۵
- شناخت صفات و ویژگی‌های امام زمان (عج)..... ۶۰
- ۱- اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و اسوهٔ بشریت می‌باشند... ۶۰
- ۲- اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام حقیقت علم می‌باشند..... ۶۵
- شناخت امام زمان (عج) با نام نسب..... ۶۹
- تهذیب نفس و خودسازی..... ۷۰
- انتظار فرج..... ۷۵
- واجب بودن انتظار..... ۸۰
- حرمت ناامیدی از ظهور..... ۸۱
- شناخت علائم ظهور..... ۸۲
- علائم ظهور..... ۸۳
- خروج یمانی..... ۸۷
- خروج سفیانی..... ۸۸
- صیحهٔ آسمانی..... ۹۰
- خسف سرزمین بیدا..... ۹۱
- قتل نفس زکیه..... ۹۲

- اهتمام ورزیدن جهت خدمت به امام زمان (عج)..... ۱۰۱
- ۱- دعوت مردم به آن حضرت..... ۱۰۲
- ۲- ایجاد محبت آن حضرت در بین مردم..... ۱۰۴
- ۳- تسلیم بودن، تعجیل نکردن در امر فرج و تکذیب وقت گزاران .. ۱۰۷
- ۴- مقدم داشتن خواسته آن بزرگوار بر خود و صدقه دادن به نیابت از آن حضرت..... ۱۰۸
- ۵- پیوسته به یاد آن حضرت بودن..... ۱۱۱
- ۶- احترام کردن به نزدیکان و منسوبین آن حضرت..... ۱۱۳
- دعا برای فرج..... ۱۱۸
- آداب دعا کردن..... ۱۲۶
- اوقات و حالات تأکید شده بر دعا..... ۱۳۴
- مکان‌های تأکید شده بر دعا..... ۱۳۵
- ادعیه وارده در زمینه تعجیل در فرج..... ۱۳۶
- توسل به امام زمان (عج)..... ۱۴۴
- توسل به امام زمان (عج) در مشکلات..... ۱۴۸
- توسلی دیگر به حضرت بقیة الله (عج)..... ۱۴۹
- عریضه به امام عصر (عج)..... ۱۵۳
- عریضه میرزا ابراهیم شیرازی حائری..... ۱۵۳
- عریضه شخصی دیگر خدمت امام زمان (عج)..... ۱۵۵
- چگونگی نوشتن عریضه خدمت امام عصر (عج)..... ۱۵۶

## سخن مؤلف

حمد و سپاس بی منتها، شایسته پروردگاریست که احسن الخالقین است. خداوندی که هدف خلقتش را محبت ذات اقدس خود قرار داده و بر پایه این محبت بهترین مخلوقاتش را وسیله‌ای برای هدایت انسان‌ها قرار داد، تا با درک محبت حضرت حق بتوانند از مقربین درگاهش شوند.

عجب از محبت و صبر بی منتهاش!!!

چرا که عزیزترین مخلوقاتش را با چه هدف بزرگی به این کره آخاکی فرستاد، ولی انسان‌های غافل آن انوار و حقایق ملکوتی را در پس پرده مظلومیت و غربت نگه داشته و الطاف خداوند را نادیده گرفتند و در فکر فتنه‌ای شدند تا دیدگان مردم، هرگز قادر به دیدن انوار الهی نباشد و آتش این فتنه که با سوختن در خانه ولایت و شکستن پهلوی محبوبه خدا شعله گرفته بود، تا آنجا زبانه کشید که یوسف زهرا علیها السلام را در پس پرده غیبت و مظلومیت نشانند و بشریت را از رسیدن به حقیقت کمال بازداشت.

حال ای شیعیان! آیا صدای مظلوم‌ترین فرد عالم را نمی‌شنوید؟

ای عاشقان حسین فاطمه علیها السلام! آیا اهل کوفه را در اثر بی وفایی به

مولایتان سرزنش نمی‌کنید؟

آیا آرزو نمی‌کنید که، ای کاش در آن دوران بودید تا مولایتان

حسین علیه السلام بی یاور نمی‌ماند؟

ای دل سوختگان حسینی! پس چرا ندای هل من ناصر ینصرنی را

نمی‌شنوید؟



اینک این مهدی فاطمه علیها السلام است که تکیه بر نیزه غریبی زده، یاور می‌طلبد.

حال اگر مهدی علیه السلام را امام خود می‌دانی! اگر به آن یگانه هستی عشق می‌ورزی!

آیا تکلیفت، گفتن لبیک نیست؟

آیا می‌خواهی مکانی را برگزینی که ندای مظلومیّت امامت را به گوش نشنوی؟

اما آگاه باش که مظلومیّت اهل بیت علیهم السلام به نهایت خود رسیده و ندای غربتشان در سراسر گیتی پیچیده است.

پس ای عزیزان! بیایید به ندای مظلومیّت امام زمان لبیک گفته و به یاری مولای مهربانمان بشتابیم و جزء دوستان و مقربین آن حضرت قرار گیریم.

بدین جهت به یاری مولایم حضرت بقیّة الله - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - به تألیف این کتاب که شامل مسائلی که منجر به مظلومیّت آن حضرت می‌شود و دوران ظهور آن آفتاب جهان تاب و در نهایت وظایف شیعیان در دوران غیبت آن حضرت و چگونگی رهایی از تاریکی آخر الزمان است، پرداختم و در تأیید مطالب آن از آیات قرآن کریم و سخنان گهربار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بهره گرفتم. به این امید که انشاء الله این کتاب وسیله‌ای برای بیداری بشریّت و یاری امام زمان (عج) قرار گرفته و اندکی از مظلومیّت آن بزرگوار کاسته و زمینه ساز ظهور با برکت آن حضرت باشد.

علی رضاپور - ۲۸ صفر ۱۴۲۴ قمری

## بخش ۱

### غربت و مظلومیت امام زمان (عج)

محبت واقعی و مظلومیت امام زمان (عج)

پاداش رسالت و مظلومیت امام زمان (عج)

مأموریت و مظلومیت امام زمان (عج)

مصائب وارده بر شیعیان و مظلومیت امام زمان (عج)

مصائب وارده بر اهل بیت علیهم السلام و مظلومیت امام زمان (عج)

مظلومیت امام زمان (عج) از ناحیه دوستان

### غربت و مظلومیت امام زمان (عج)

امروزه واژه مظلومیت دائماً در مجامع مختلف بشری مطرح می‌شود و در گوشه و کنار کره خاکی شاهد مظلومیت افرادی هستیم که صدای استغاثه آنها بلند است؛ لذا وقتی کلماتی همچون مظلوم و غریب، شنیده می‌شود تصویری از ظلم ظالمان، درماندگی بی‌پناهان و بی‌جواب ماندن استغاثه مظلومان در ذهنمان تداعی می‌شود.

اما نکته مهم این است که این کلمات و واژه‌های دردناک شامل چه کسانی است؟

اگر بگوییم افراد یک خانواده، یک فامیل، یک روستا، یک شهر، یک کشور یا قاره‌ای را شامل می‌شود، مطلب غیرعادی که جامعه بشری از آن غافلند، نگفته‌ایم، چرا که مصادیق بسیاری از ظلم و ستم ظالمان به هموعان خود را شنیده یا دیده‌ایم.

ولی در اینجا صحبت از شخص بزرگ و محترمی می‌باشد که بهترین مخلوق و خلیفه خدا در روی زمین بوده و در عین حال که در این کره خاکی به سر می‌برد، در اوج غربت و تنهایی می‌باشد.

او کسی است که جدّ بزرگوارش در معرفی اوج غربت و مظلومیت او می‌فرماید:

«صاحب هذا الامر الشرید الطرید الفرید الوحید»<sup>(۱)</sup>

بدین معنی که امام زمان (عج) شرید (راننده شده)، طرید (آواره

شده) فرید (یگانه و بی نظیر)، وحید (تک و تنها) می باشد.  
 آری او همان تنها و رانده شده و آواره‌ای است که در اوج غربت و  
 مظلومیت به سر می برد.

او همان کسی است که بقیّة اللّٰه، حجت اللّٰه، ید اللّٰه، وجه اللّٰه و  
 مشیت اللّٰه،... است.

او تنها خورشید عالم ملکوت و مظهر الهی بر روی کره خاکی  
 است.

او همان یوسف زهراست که چشم‌ها در هجرانش گریان و جگرها  
 در فراقش سوزان است.

گویا کسی این تاریکی محض را باور ندارد تا به پیشواز یگانه  
 خورشید عالم ملک و ملکوت برود.

او همان کسی است که با وجود چنین مقام و منزلتی، مظلومان  
 عالم نیز به او ظلم می کنند و این چنین مصداق واقعی مظلوم‌ترین فرد  
 عالم می گردد.

حجة الاسلام و المسلمین مرحوم آقای حاج سید اسماعیل  
 شرفی نقل نمودند:

به عتبات مقدّسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت  
 سیدالشهداء علیه السلام مشغول زیارت بودم، چون دعای زائرین در قسمت  
 بالاسر حرم مطهر امام حسین علیه السلام مستجاب است در آنجا از خداوند  
 خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی ارواحنا فداه  
 مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی مثال آن بزرگوار روشن نماید.  
 مشغول زیارت بودم که ناگهان خورشید جهان تاب جمالش ظاهر  
 شد، گرچه در آن هنگام حضرتش را نشناختم ولی شدیداً مجذوب آن

بزرگوار شدم، پس از عرض سلام از ایشان پرسیدم آقا شما کیستید؟  
فرمودند: من مظلوم‌ترین فرد عالم هستم.

من متوجه نشدم و با خود گفتم، شاید ایشان از علماء بزرگ نجف هستند و چون مردم نسبت به ایشان گرایش پیدا نکرده‌اند خود را مظلوم‌ترین فرد عالم می‌دانند، در این هنگام ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست. این جا بود که فهمیدم مظلوم‌ترین فرد عالم کسی جز امام زمان ارواحنا فداء نیست و نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم.<sup>(۱)</sup>

از این رو بر تمام اهل دنیا و عاشقان و دلسوختگان مهدی فاطمه (عج) واجب است که در جهت رهایی ایشان از غربت و مظلومیت، نهایت سعی و تلاش خود را نموده و از هرگونه ایثار و جانفشانی نسبت به مولای مهربان خود کوتاهی نکنند.

لذا، برای رسیدن به این هدف والا، در این بخش چند نمونه از عواملی را که منجر به غربت و مظلومیت ولی و صاحبمان شده، بیان خواهم نمود تا به لطف خداوند و امام زمان - روحی و ارواح العالمین له الفداء - تمام عاشقان و محبان آن یگانه هستی و تمامی کسانی که آرزویشان رضایت مولا و تحقق یافتن هدف خداوند از خلقت است، بتوانند به مرحله‌ای از کمال برسند که عامل غربت و مظلومیت صاحبمان نبوده و با پاک‌سازی جامعه از غبار ظلم و ستم، اسباب رضایت و خرسندی و ظهور آن امام رئوف و مهربان را فراهم آورند.

### محبت واقعی و مظلومیت امام زمان (عج)

مطالب بسیار زیادی در رابطه با مهر پدر و مادر مطرح شده که همه آنها حاکی از عشق و علاقه وافر والدین نسبت به فرزند می باشد، زیرا آنها با کمال عشق و محبت، فرزند خود را بزرگ نموده و برای حفظ سلامتی و موفقیت فرزندشان تمام هستی خود را فدا می کنند. حال، با وجود چنین محبتی آیا پدر و مادر می توانند بدون کوچکترین غم و اندوهی، شاهد ناراحتی و آوارگی و حتی شاهد سوختن فرزندشان در آتش، یا غرق شدن او در باتلاق و منجلابی که تمام هستی او را به تباهی می کشد باشند.

هر انسان عاقلی به این حقیقت معترف است که نمی تواند ناظر چنین صحنه های جانسوزی باشد و پرپر شدن گل زندگی و پاره تنش را نظاره گر شود.

از سوی دیگر روایات وارده، شاهد بر این مطلب است که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پدر و مادر واقعی بشریت می باشند، به گونه ای که حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«أَنَا وَ عَلِيٌّ ابْوَاهُ هَذِهِ الْأُمَّةِ»<sup>(۱)</sup>

من و علی پدران این امت می باشیم.

خداوند متعال نیز در کتاب خود اشاره به محبت پدری اهل بیت علیهم السلام نموده و می فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ»<sup>(۱)</sup>

همانا رسولی از وجود و نفس و جنس (گویا روح و جان خود شما) شما نوع بشر برای هدایت خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری (همانند پدر و مادر ولی مهربان‌تر از آنان) واقعاً بر او بسیار سخت می‌گذرد که می‌نگرد شما در فقر ایمان و پریشانی و جهل و ضلالت به سر می‌برید و در حقیقت بر آسایش و نجات شما (از هر نوع بدبختی و ضلالت) بسیار حریص بوده و به مؤمنان رثوف و مهربان است.

حضرت علی علیه السلام نیز در رابطه با آیه «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>(۲)</sup> می‌فرماید:

«انَّ الْاِئِمَّةَ عليهم السلام واحد بعد واحد يرون اعمال الاولياء و الاعداء».

مقصود از مؤمنان امامان هستند که هر یکی پس از دیگری اعمال دوستان و دشمنانشان را می‌بینند.

حال، مولا و امامی که از پدر و مادر به ما مهربان‌تر و باوفاتر است، زمانی که می‌بیند شیعیان و دوستانش در منجلاب فساد فرو می‌روند و خود را در گرداب هوا و هوس و لذت‌های دنیوی غرق می‌کنند و هر روز بیش از پیش از پیش از معنویات و سعادت ابدی دور می‌شوند، چگونه می‌تواند شاهد چنین فجایع بزرگی باشد و قلب نازنیش محزون نشود؟

۱ - سوره توبه: آیه ۱۲۸.

۲ - سوره توبه: آیه ۱۰۵.

از این روست که می‌بینیم امام زمان مهربانمان در نهایت حزن و اندوه، برای رفع بیچارگی و رهایی شیعیان از گرداب‌های نابودی و نیستی دست به دعا بلند کرده و از خداوند متعال فرج و گشایش شیعیان را خواستار می‌شود.

حال، چه خوب است که به دعای مولای مهربانمان گوش جان بسپاریم و با تمام وجود شرمنده رأفت و رحمتش شده و از اعمال ناشایست خود دست برداریم.

سید بن طاووس رحمته الله می‌فرماید:

سحرگاهی در سرداب مطهر، از حضرت - صاحب الامر ارواحنا فداء - این مناجات را شنیدم که می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ انْ شِيعَتْنَا خَلَقْتَ مِنْ شِعَاعِ اَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اَتَكَالاً عَلَيَّ حِينَا وَ وَايْتِنَا فَانْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَاصِلٌ وَ قَاصٍ بِنَا عَنْ خَمْسِنَا وَ ادْخَلْهُمْ الْجَنَّةَ وَ ذَخِرْهُمْ عَنِ النَّارِ وَ لَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ اَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ».<sup>(۱)</sup>

خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده‌ای، آنها گناهان زیادی به اتکاب بر محبت به ما و ولایت ما کرده‌اند، اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با توست از آنها بگذر، که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آنها در ارتباط با خودشان هست خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آنها بده تا راضی شوند و آنها را از



آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در سخط خود  
جمع نفرما.

مطالب فوق اندکی از عشق و محبت امام زمان (عج) را نسبت به ما  
می‌رساند و درد و رنج و مظلومیت ایشان را که در اثر گمراهی و  
بیچارگی ماست، نشان می‌دهد و ما را متوجه می‌کند که تنها غم خوار  
و دلسوز واقعی ما ایشان می‌باشند. زمانی که انسان به این موضوع  
معرفت پیدا می‌کند، متوجه می‌شود که چه پدر مهربان و رئوفی دارد،  
اما از او غافل بوده و با غفلت خود باعث غربت و مظلومیت او شده  
است.

در چند جای قرآن نیز این آیه آمده که می‌فرماید:

﴿وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا﴾<sup>(۱)</sup>

به پدر و مادر خود نیکی کنید.

هر چند در این جا، ظاهر آیه پدر و مادر ظاهری را می‌رساند ولی  
در واقع در ذیل آیه، در تفاسیر متعددی که ذکر شده منظور از معنی  
باطنی آیه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام معرفی شده است که به  
طور مفصل در قسمت فوق به آن اشاره شده است.

بنابراین باید به گونه‌ای عمل نماییم که نسبت به پدر و مادر معنوی  
خود - امام زمان (عج) - عاق والدین نشویم و اسباب ناراحتی و حزن  
امام زمان (عج) و عقب افتادگی فرج آن بزرگوار را فراهم ننماییم.

و اما وظیفه ما چیست؟

چگونه باید عمل کنیم؟

چه راه و روشی را در زندگی انتخاب کنیم تا به کمال حقیقی رسیده و موجب رضایت خداوند متعال و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بشویم؟

انشاءالله در بخش وظایف شیعیان در قبال امام زمان (عج) به طور خلاصه به این سوالات پاسخ داده خواهد شد. امید است که خداوند متعال ما را از فتنه آخرالزمان حفظ نماید و تحت سایه لطف و کرم ولایت امام زمان (عج) به کمال و حقیقت واقعی رسانده و به راه راست رهنمون سازد.

### پاداش رسالت و مظلومیت امام زمان (عج)

اگر به تاریخ صدر اسلام مراجعه کنیم و خود را در کنار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده و مصایب و مشکلات طاقت فرسایی را که بر آن حضرت وارد می شد و سختی هایی را که تحمل می نمود، نظاره کنیم، متوجه می شویم که پیامبر عظیم الشان ما برای ابلاغ رسالت خود چه مشکلات و مصائبی را از جانب خویشاوندان و اطرافیان خود متحمل شده اند ولی با این وجود، در برابر آن همه آزار و اذیت اعراب، در نهایت صبر و شکیبایی به تبلیغ خود ادامه می دادند.

اکنون سؤالی که در ذهن انسان مطرح می شود این است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در قبال این همه مشکلات و مصائبی که، جهت هدایت آن امت جاهل از عصر جاهلیت به دوران شکوفایی علم و تمدن و کمال معنوی بشریت دیدند چه چیزی را از آنان طلب نموده و پاداش رسالت و دسترنج خود را در چه چیزی قرار دادند؟

پاسخ سؤال را در آیه ای از قرآن کریم می توان یافت که می فرماید:

﴿لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (۱)

من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید. (یعنی از هیچ نوع مودت و محبتی نسبت به اهل بیت علیهم السلام فروگذاری نکنیم.)

با توجه به آیه فوق باید محبت و مودت خود را بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نثار اهل بیت علیهم السلام نموده و از هر گونه ایثار و جان فشانی در جهت خدمت به آن بزرگواران فروگذاری ننماییم.

با وجود این، بعد از شهادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشاهده می‌کنیم که اکثر مردم، به جای محبت، مودت و ولایت، نسبت به اهل بیت آن حضرت، به ظلم و ستم و غصب حقوق آن بزرگواران پرداخته و در جهت مظلومیت آن مصادیق حق و حقیقت به هر ظلم و جنایتی دست زدند و انوار الهی را که خداوند برای روشنایی راه و فروغ دیدگانمان فرستاده بود، با نهایت بی‌رحمی و ناجوانمردی، یکی پس از دیگری به شهادت رساندند.

آیا جنایتی بزرگ‌تر و زشت‌تر از عملی که آن شقاوتمندان مرتکب شدند وجود دارد؟

از این رو خداوند متعال آخرین خورشید ولایت و امامت خود را در پس پرده غیبت قرار داد تا وجود نازنینش از مکر و حیلۀ تمامی تاریک اندیشان محفوظ بماند.

اینجاست که مظلومیت حضرت رسول و تمامی اهل بیت علیهم السلام، مخصوصاً امام زمان (عج) به وضوح احساس می‌شود. زیرا حقی که

حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - برگردن ما دارند همان دوستی، یاری و مودت ایشان می باشد ولی ما چه کرده ایم و چه می کنیم؟  
 آیا محبت و عشق خود را نثار آن بزرگوار نموده ایم؟  
 آیا در جهت رضایت و مودت یگانه خورشید ولایت در جهان هستی قدمی برداشته ایم؟

آیا توانسته ایم ذره ای پا بر روی نفس خود بگذاریم و از گناهای همچون بی حجابی، غیبت، تهمت، اذیت و آزار دیگران و... دست برداریم.

آیا در جهت همدردی با مولایمان سعی در یاری فقرا و نیازمندان نموده ایم یا تنها به فکر رفاه و آسایش خود بوده ایم؟  
 با اندکی تأمل در پرونده اعمال خود، غفلت ها و گناهای را می بینیم که همچون تیری بر بدن مبارک آن حضرت فرود آورده و ایشان را در اوج تنهایی و مظلومیت نگه داشته ایم، به گونه ای که صدای مظلومیت و غربت آن حضرت از طریق دوستانش به گوش می رسد.

حاج محمد علی می گوید:

در مسجد مقدس جمکران، اعمالم را به جا آورده و با همسرم می آمدیم، آقای نورانی را دیدم که وارد صحن شده و قصد دارند به طرف مسجد بروند. با خود گفتم این سید در این هوای گرم تابستان از راه رسیده و تشنه است، ظرف آبی به دست او دادم تا بنوشد، پس از آنکه ظرف آب را پس داد، گفتم: آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان (عج) را از خدا بخواهید تا امر فرج نزدیک گردد.

فرمود: شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی خواهند، اگر

بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد. این را فرمود و تا نگاه کردم آقا را ندیدم، فهمیدم وجود مقدس امام زمان - ارواحنا فداء - را زیارت کرده‌ام و حضرتش امر به دعا، برای فرج نموده است.<sup>(۱)</sup>

وقتی چنین مطالبی را بررسی می‌کنیم درمی‌یابیم که کسی حق امام زمان (عج) را که همان مودت و یاری آن حضرت می‌باشد واقعاً به جا نیاورده و با اعمال خویش آن مظهر عشق، محبت و تمامی صفات پسندیده را در اوج غربت و مظلومیت نگه داشته‌ایم.

حال، شیعیانند که باید با یاد آن حضرت در تمامی حالات و تزکیه نفس و آماده شدن برای ظهور، نشان دهند که همچون اهل کوفه امام زمان را تنها نگذاشته و لحظه‌ای از فکر او غافل نیستند. پس بیایید با اظهار محبت و ارادت خود از آن حضرت درخواست یاری و استمداد نماییم و بگوییم:

ای امام زمان عزیز:

ما در برابر هوای نفس، دنیای دون و صفات رذیله به تنهایی توان مقاومت نداریم و امیدمان فقط به لطف و کرم شماست تا به فضل و کرم خود ما را یاری نموده و از منجلاب فساد و نابودی برهانید و به سرمنزل کمال، معرفت و وصال حقیقی برسانید.

خوب است نکته‌ای را در این جا یادآور شوم که امام زمان (عج) وجودش صفات مطلق الهی در خلقت و آفرینش می‌باشد و لطف و کرم و بخشندگی، جزء صفات آن حضرت می‌باشد لذا اگر کسی مخلصانه، حاجتی را از ایشان بخواهد، امکان ندارد که دست تهی

برگردد و اگر حاجتی داشته‌ایم که برآورده نشده، مشکل اصلی در خودمان بوده، پس باید با سعی و استمرار و یقین کامل، در طلب حاجت خود قدم برداریم و بدانیم که اگر آن حاجت به صلاح ما باشد، انشاءالله برآورده می‌شود، چرا که امام زمان - ارواحنا فداه - همان کریمی است که لطف و رحمت و کرمش شامل همه موجودات، مخصوصاً انسان‌ها می‌شود. زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

و ای رسول ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی.

پس امام زمان (عج) رحمة للعالمین است و رحمتش شامل حال هر دین و مسلک و مذهبی می‌شود، چه رسد به شیعه‌ای که تنها امیدش به اوست و ولی نعمت خود را امام زمان (عج) می‌داند.

### مأموریت و مظلومیت امام زمان (عج)

خداوند تبارک و تعالی جهان هستی را به طور هدف‌دار خلق کرده و سیر و حرکت همه موجودات را در جهت رسیدن به آن اهداف قرار داده است. اگر قرآن کریم را تلاوت کرده و در مفاهیم آن دقت کنیم، متوجه آیاتی می‌شویم که اهداف خلقت را متذکر شده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>(۲)</sup>

من در زمین خلیفه خواهم گماشت.

۲- سوره بقره: آیه ۳۰.

۱- سوره الانبیاء: آیه ۱۰۷.

﴿مَا خَلَقْتَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

خلق نکردم جن و انس را مگر برای عبادت کردن.

می‌توان گفت، این دو آیه هدف زندگی انسان و مسیر حرکت او را در این دنیا مشخص می‌نماید.

اما در این جا سؤالی مطرح می‌شود که منظور از «الّا ليعبدون» و «خليفة» چیست؟ و چگونه می‌توان به چنین درجاتی رسید؟ و چه ارتباطی با مظلومیت امام زمان (عج) دارند؟

خداوند متعال در رابطه با مقام انسان در حدیث قدسی می‌فرماید:

«عبد أظعني أجعلك مثلي، أنا حيّ لا أموت، أجعلك حيّاً لا تموت، أنا غنيّ لا أفقر، أجعلك غنياً لا تفتقر، أنا مهما أشاء يكون، أجعلك مهما تشاء يكون».<sup>(۲)</sup>

بنده من، مرا اطاعت کن تا تو را مثل و مانند خود قرار دهم، من زنده و جاوید هستم و نمی‌میرم، تو را هم زنده و جاوید قرار می‌دهم که نمیری، من بی‌نیاز هستم و هیچ‌گاه نیازمند نمی‌شوم، تو را بی‌نیاز قرار می‌دهم که نیازمند نشوی، من هر آنچه را که بخواهم و اراده نمایم صورت می‌گیرد، تو را آن‌گونه قرار می‌دهم که هر چه بخواهی و اراده نمایی صورت گیرد.

این حدیث قدسی ما را متوجه می‌کند که انسان می‌تواند به جایی برسد که همانطور که خداوند می‌گوید کن فیکون او هم به اذن

۱- سوره ذاریات: آیه ۵۶.

۲- الجواهر السنبة في الأحاديث القدسية: ص ۳۶۱.

خداوند، با گفتن «کُنْ» اراده‌اش را عملی نماید و مصداق بارز این آیه از قرآن شود که می‌فرماید:

«وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»<sup>(۱)</sup>

و (ای رسول) چون تو تیر می‌افکنی این تو نیستی در واقع خداوند تیر می‌افکند.

خداوند متعال برای رسیدن بشر به چنین مقامی ۱۲۴ هزار پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام را فرستاده تا مردم را به این هدف رهنمون سازند ولی با توجه به شرایط و موانع به وجود آمده هیچ یک از ائمه معصومین علیهم‌السلام و پیامبران نتوانسته‌اند هدف نهایی خلقت را عملی نموده و حکومت عدل الهی را اجرا نمایند. و تنها کاری که تا امروز عملی شده زمینه سازی این امر بوده است تا انشاءالله امام زمان (عج) با ظهور خویش جامعه بشری را به این هدف بزرگ و ارزشمند رسانده و از پرتگاه نابودی رهایی بخشند. ولی همانگونه که دشمنان اسلام بعد از شهادت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باعث خانه‌نشینی حضرت علی علیه‌السلام شدند، ما نیز در این دوران با اعمال و رفتار خود باعث عقب افتادگی فرج مولایمان و بیابان نشینی آن بزرگوار و عقب افتادگی اهداف خداوند از خلقت و فقر معنوی و تاریکی روح بشریت شده‌ایم و ناخواسته خود را در تاریکی و زندانی که همچون رحم مادر در مقابل دنیای نامحدود بیرون است نگه داشته و از عالم ملکوت و حقایق عالم که فقط انسان‌هایی که چشم حقیقت بینشان باز است از آن آگاهند، خود را محروم نموده‌ایم، از این رو هر انسانی که ضمیری



آگاه داشته باشد، با اندکی فکر و تأمل در آثار عملکرد خویش، به عمق مظلومیت مولای خود پی برده و نسبت به رفتارش در قبال آن حضرت متأثر می‌شود و از عمق وجودش، تصمیم به رهایی خود از بندهای نفس و دنیا می‌گیرد تا بدین وسیله کمی از اعمال گذشته‌اش را جبران نماید.

پس ای دوستان بیایید تا بیداری خود را از خواب غفلت به خداوند متعال اعلام نماییم و درخواست استغاثه خود را از کمبودهایی که مانع از رسیدنمان به حقایق معنوی است اعلام نموده و برای تعجیل در فرج آن بزرگوار، خطاب به خداوند عرض نماییم:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ وَ تَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قَلَّةَ عِدِّدِنَا، فَافْرِجْ ذَلِكَ يَا رَبِّ عَنَّا بِفَتْحِ مَنْكَ تَعَجَّلْهُ وَ نَصْرِ مَنْكَ تَعَزَّهِ وَ إِمَامِ عَدْلٍ تَظْهَرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ»<sup>(۱)</sup>.

خدایا ما به تو شکایت می‌کنیم از فقدان پیامبرمان، از غیبت ولی امرمان، از سختگیری روزگار، از وقوع فتنه‌ها، از همدستی دشمنان، از فزونی دشمنان و کمی یاران، بار پروردگارا گشایشی فراهم ساز، با یک پیروزی نزدیک، نصرت شکوهمند و پیشوای عادل‌ی که برای ما ظاهر فرمایی، ای خدا مستجاب فرما.

و در پی آن از اهل بیت علیهم‌السلام طلب یاری و استمداد می‌کنیم تا با عنایت آن بزرگواران، به هدف از خلقت خود و کمالات معنوی

رسیده و بدین وسیله ذره‌ای از مظلومیت امام زمان عزیزمان را بکاهیم و در جهت رضایت آن عزیز قدمی برداریم.

### مصائب وارده بر شیعیان و مظلومیت امام زمان (عج)

امروزه در گوشه و کنار این کره خاکی، شاهد آزار و اذیت مسلمانانی هستیم که هر لحظه بر فشار و سختی شان افزوده می‌شود. از فلسطین اشغالی گرفته که مردمانش در بند صهیونیسم غاصب گرفتارند و پیوسته متحمل آماج حملات و بمباران‌های رژیم پست و منفور اسرائیل قرار دارند، تا خود ایران که تهاجم فرهنگی بیگانگان بسیاری از جوانان و خانواده‌ها را به ورطه فساد و نابودی کشانده و دین و هویت اسلامی را که حقیقت و افتخار هر شیعه می‌باشد به خطر انداخته است.

چه بسا مجامع و گروه‌های مسلمانی که در کشورهای مختلف جهان فقط به جرم مسلمان بودن، آزار و اذیت می‌شوند و امنیت و استقلالشان گرفته می‌شود. نمونه بارز آن را می‌توان قضایای بوسنی و فلسطین و... را نام برد.

علاوه بر مسائل فوق می‌توان به هزاران ظلم و بی‌عدالتی که در اکثر نقاط جهان متوجه شیعیان و مسلمانان است اشاره کرد، که هیچ کس جز امام زمان (عج) را یارای مقاومت و نابودی این ظالمان نمی‌باشد.

«أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِلِّ الْأَعْدَاءِ»<sup>(۱)</sup>.

۱- فرازی از دعای ندبه، مفاتیح الجنان.

کجاست عزت دهنده دوستان و خوار کننده دشمنان.

از سوی دیگر باید بدانیم که امام زمان (عج) ارتباط بسیار نزدیکی با شیعیان خود دارند و هرگونه ناراحتی و خوشحالی شیعیان اثرات خود را در وجود مبارک آن بزرگوار می‌گذارد، بگونه‌ای که می‌فرمایند: ما از ناراحتی شما ناراحت و از خوشحالی شما خوشحال می‌شویم. حضرت رسول ﷺ در مورد ارتباط اهل بیت علیهم‌السلام با شیعیان می‌فرمایند:

«ان الله خلق الانبياء من اشجار شتى و انا و على من شجرة واحدة فانا اصلها و على فرعها و فاطمة لقاحها، الحسن و الحسين ثمارها و شيعتنا اوراقنا»<sup>(۱)</sup>

همانا خداوند انبیا را از درختان مختلفی آفرید ولی من و علی را از درخت واحدی خلق کرد، بطوری که من ریشه و اصل آن درخت محسوب می‌شوم و علی به منزله تنه آن درخت و فاطمه موجب باروری آن است، حسن و حسین میوه‌های آن درخت هستند و شیعیان ما برگ‌های آن می‌باشند.

حضرت علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه در تأیید این مطلب خطاب به رمیله می‌فرمایند: «يا رميلة، لیس من مؤمن یمرض إلا مرضنا بمرضیه و لا یحزن إلا حزنا بحزنیه و لا یدعو إلا أمنا لدعائه و لا یسکت إلا دعونا له».

ای رمیله، هیچ مؤمنی بیمار (امراض روحی و جسمی) نمی‌شود مگر اینکه ما هم به خاطر بیماری او بیمار می‌شویم و غمگین

۱ - اسرار آفرینش اهل بیت علیهم‌السلام : ص ۱۶۴.

نمی‌شود مگر آنکه ما هم در غم او غمگین می‌شویم و هیچ  
دعایی نمی‌کند مگر آنکه به دعای او آمین می‌گوییم و سکوت  
نمی‌کند مگر آنکه ما برایش دعا می‌کنیم.

بنی آدم اعضای یکدیگرند      که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی ببرد آورد روزگار      دگر عضوها را نماند قرار

با تأمل در روایات فوق، به این حقیقت پی می‌بریم که  
اهلبیت علیهم‌السلام نسبت به شیعیان بسیار مهربان و دلسوزند و با گرفتاری و  
اندوه شیعیان، قلب نازنین آنها نیز متأثر و غمگین می‌شود و آن  
بزرگواران از همه کس به ما شیعیان مهربان‌تر می‌باشند.

بنابراین یکی از ابعاد مظلومیت امام زمان (عج) از این جهت است  
که ایشان شاهد این همه ظلم و فساد، نسبت به شیعیان و مسلمانان  
می‌باشند و چون در غیبت کبری به سر می‌برند به طور کامل  
نمی‌توانند شیعیان را یاری کرده و آنها را نجات دهند.

از این رو ما نیز باید با توجه به ارتباط حقیقی که با مولای خود  
داریم، همدردی خود را به امام خویش اعلام نموده و با ایجاد آمادگی  
روحی و جسمی، جهت یاری آن امام رئوف تلاش کنیم تا انشاءالله با  
روحی مهدی پسند و قلبی مملو از نور معرفت و شناخت خدا و  
اهلبیت علیهم‌السلام باعث تعجیل در فرج صاحبمان گردیم تا بدین وسیله  
تمام اسباب ظلم و تعدی از جهان هستی محو شده و تمامی شیعیان  
در صلح و آرامش زندگی کنند.

«أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ»<sup>(۱)</sup>

کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه و سرکشان و ظالمان.

«أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدْلِّ الْأَعْدَاءِ»<sup>(۱)</sup>

کجاست عزت دهنده دوستان و خوار کننده دشمنان.

### مصائب وارده بر اهل بیت علیهم السلام و مظلومیت امام زمان (عج)

با اندکی تأمل در تاریخ زندگانی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، ظلم‌ها، بی‌وفایی و بی‌عدالتی‌هایی را می‌بینیم که در حق آن بزرگواران روا داشته‌اند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام، امام حسن و امام حسین علیهم السلام و... همگی شاهد مصائب زیادی در طول عمر بابرکت خویش بوده و تحت سخت‌ترین شرایط به تبلیغ اسلام و هدایت مردم مشغول بودند.

حال امام زمان (عج)، در حالی که هر صبح و شام، شاهد ظلم‌هایی است که به اجداد بزرگوارش روا داشته‌اند، چگونه می‌تواند غم و اندوهی در دل نداشته باشد و در مصائب اجداد بزرگوارش ناله سر ندهد.

روزی یکی از غلامان امام زین‌العابدین علیه السلام به حضرتش عرض کرد:

مولای من هر کس عزیزتی را از دست بدهد بعد از مدتی آرام می‌گیرد و آن مصیبت را به فراموشی می‌سپارد، شما کی این مصیبت را فراموش خواهید کرد؟

در این هنگام بود که حضرت فرمودند:

وای بر تو، حضرت یعقوب، ۱۲ فرزند داشت ولی وقتی یوسف را از دست داد، با اینکه می دانست او زنده است، چهل سال گریه کرد تا اینکه چشمان خود را از دست داد، حال چگونه می خواهی من که، پدرم را که حجّت خدا و سید شباب اهل جنّت بود و هفده تن از اهل بیت را در مقابل چشمانم پرپر کرده اند، این مصیبت عظمی را به فراموشی بسپارم.

امام زمان (عج) نیز در مصیبت وارده بر جدّ بزرگوارش امام حسین علیه السلام می فرمایند:

«فَلَيْتَ أَخَّرْتَنِي الدُّهُورُ وَ غَاقَنِي عَن نَّصْرِكَ الْمَقْدُورُ وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِباً وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِباً، فَلَا تُدْبِنَكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا بُكَيْنَ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا عَلَيَّ مَا دَهَاكَ وَ تَلَهُفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ وَ غُصَّةِ الْأَكْتِيَابِ»<sup>(۱)</sup>.

پس اگر روزگاران را به تأخیر انداختند و تقدیر الهی مرا از یاری تو بازداشت، و نبودم تا با آنان که با تو جنگیدند، بجنگم و با آنان که به دشمنی تو برخاستند به دشمنی برخیزم؛ (در عوض) هر صبح و شام بر تو ندبه و زاری می کنم و بر تو به جای اشک خون گریه می نمایم، از روی حسرت بر تو و از سر سوز و تأسف بر مصیبت هایی که بر تو وارد گشت؛ تا آن زمان که در اثر سوز جانفرسای مصیبت و غصّه جانکاه و اندوه فراوان، جان سپارم.

۱- فرازی از زیارت ناحیه مقدسه.

با توجه در مطالب فوق به عمق حزن و اندوه و مصیبت وارده بر امام زمان (عج) پی می‌بریم و در شگفت می‌شویم که چگونه آن امام بزرگوار با داشتن چنین حزن و اندوه بزرگی، صبر و تحمل کرده و حتی نسبت به کسانی که با عمل و کردار خود باعث عقب افتادگی فرجش می‌شوند مهر و عطوفت نشان می‌دهد.

واقعاً چه امام رئوف و مهربانی داریم!

چه امام غریب و تنهایی داریم که در بین ماست اما از او غافلیم! اینجاست که باید چشم‌ها بر مظلومیت و غربت امام زمان (عج) خون‌گریه کنند و دست‌ها، جهت طلب فرج آن بزرگوار بر آسمان بلند شود و عاجزانه از خدا، خواستار رهایی آن بزرگوار از غم و اندوه بیکران مصائب اجداد بزرگوارش، باشد.

به راستی با این اوضاع چگونه شیعه می‌تواند اظهار راحتی و خوشحالی نماید و مشغول لذات و هوس‌های دنیوی باشد، در حالی که امام زمانش در پشت پرده غیبت و در اوج اندوه به سر می‌برد.

آری برادران و خواهران، باید بیدار شویم و روح و تن را از این خواب غفلت زدوده و عاشقانه خود را غم‌خوار و همراه امام زمان (عج) قرار داده و مولای خود را، در وسع خود از تنهایی و مظلومیت برهانیم و با جان و دل از خداوند بخواهیم که قلب مهدی زهرا (عج) را با نوید ظهورش شاد نماید تا انشاءالله آن حضرت با دست الهی خویش، از غاصبان و قاتلان اجداد بزرگوارش انتقام گرفته و دل شیعیان و دوستانش را با شادی دل نازینش مسرور گرداند.

«أَيْنَ الظَّالِمِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَا»<sup>(۱)</sup>.

کجاست آن جوینده خون شهید کربلا.

### مظلومیت امام زمان (عج) از ناحیه دوستانش

و اما مخاطبان این قسمت، کسانی هستند که جزء محبان و دوستان آن حضرت به شمار رفته و در بین مردم به افرادی که به ایشان منصوبند شناخته می‌شوند. لازم به ذکر است که تذکر این مطلب از این جهت است که اثری که عملکرد دوستان اهل بیت علیهم‌السلام بر جامعه می‌گذارد با افراد دیگر متفاوت است و آثار مخرب آن بیشتر خودنمایی می‌کند، از سوی دیگر بی‌وفایی و بی‌احترامی از جانب دشمنان به اندازه بی‌وفایی دوستان ناراحت‌کننده و دردناک نیست. چرا که بی‌وفایی و بی‌احترامی از سوی دشمنان امری طبیعی به شمار می‌رود ولی بی‌وفایی و نامهربانی از جانب دوستان همچون خنجری است که از پشت سر قلب انسان را می‌شکافد.

شاعر توانمند چه زیبا زبان حال امام زمان (عج) را در رابطه با بعضی از اعمال دوستانش توصیف کرده:

هر کس به طریقی دل ما می‌شکند

بیگانه جدا، دوست جدا می‌شکند

گر دشمن دل ما می‌شکند، عیبی نیست

از دوست بپرسید، چرا می‌شکند



بدین جهت، بر خود لازم دیدم که مطالبی را در این مورد متذکر شوم تا انشاءالله بتوانم ذرّه‌ای پرده از مظلومیت آن حضرت بردارم.

### ۱- لزوم دعا برای فرج امام زمان (عج)

گاهی اوقات که به صحبت بعضی از دوستان مدّاح و سخنران، توجه می‌کنیم، می‌بینیم که در طول سخنرانی و حتی بعد از پایان صحبت‌ها، علاوه بر اینکه از امام زمان (عج) صحبتی به میان نیامد، بلکه حتی در آخر جلسه نیز جهت سلامتی و تعجیل در فرج آن حضرت دعایی گفته نشد و متأسفانه اگر دعایی هم بشود بعد از همه حوائجشان به یاد آن حضرت می‌افتدند. در این جا باید به دوستان آن بزرگوار متذکر شویم که، چرا بای توّجّهی نسبت به صاحبان، ایشان را در غربت نگه داشته‌اید و با بیان فضایل و مناقب آن بزرگوار، باعث بیداری روح و جان مردم نمی‌شوید؟

چرا وقتی صحبت از مشکلات و تجاوزها به میان می‌آورید، تنها ناجی و رهایی بخش هستی را معرفی نمی‌کنید؟

چرا اجازه می‌دهید دشمنان دانا و دوستان نادان به دروغ، آنچه تهمت دارند به شخص نازنین آن بزرگوار روا دارند؟

چرا زمانی که صحبت از دین و ایمان به میان می‌آورید، آن کسی را که خود واسطه فیض الهی و متصل کننده انسان‌ها به معارف و حقایق معنوی است، معرفی نمی‌کنید؟

«أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»<sup>(۱)</sup>.

۱- فرازی از دعای ندبه.

کجاست آن وسیله پیوند میان زمین (روح انسان‌ها) و آسمان  
(حقایق و معنویات).

چرا وقتی از عشق و محبت صحبت می‌کنید، عشق حقیقی که  
محبت به آن امام مظلوم است، متذکر نمی‌شوید؟  
چرا که تنها عشق و محبتی که پایدار مانده و لذت آن از هر لذت  
مادی بیشتر می‌باشد را به مردم معرفی نمی‌کنید؟  
هر کس که تو را شناخت جان را چه کند

فرزند و عیال و خانمان را چه کند  
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

دیوانه تو هر دو جهان را چه کند  
چرا وقتی آزادی مسلمانان، شفای مریضان، اطعام فقیران و... را  
می‌خواهید، کسی را که وقتی بیاید دیگر مریض، فقیر، اسیر و...  
نمی‌ماند، به مردم معرفی نمی‌کنید تا این مردم و جوانان تشنه معرفت  
و عشق حقیقی به هدف اصلی و مطلوب خود رهنمون شوند.

چرا به امام زمان (عج) تهمت ناروا بسته و آن امام رئوف را که رحمة  
للعالمین است، به عنوان یک شخص خون‌ریز معرفی می‌کنید؟  
چرا این همه نسبت به مولای خود نامهربانی می‌کنید؟ در صورتی  
که آن بزرگوار با ظهور بابرکتشان تمام جهان را مملو از صلح و آرامش  
می‌نمایند.

مولای مهربانان خطاب به شیعیان خود چنین می‌فرمایند:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ  
فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ الَّذِي عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ  
لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا

مِنْهُمْ فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نُكْرِهُهُ» (۱)

اگر چنانکه شیعیان ما - که خداوند ایشان را در انجام طاعات خود موفق فرماید - در راه انجام و ایفای پیمانی که بر دوش دارند (ولایت اهل بیت علیهم السلام و انتظار فرج) هم دل و پایدار می شدند میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما با شناخت کامل و راستین به آنان زودتر دست می داد، پس ما را از ایشان دور نمی دارد مگر آن رفتارهایی که برای ما ناپسند و ناخوشایند است.

مشهدی حسن عمادی یزدی نقل می کند:

تقریباً در سنه ۱۳۵۰ شمسی یک روز، صبح زود به کوه خلیج رفتم و در آنجا مشغول زیارت خواندن و توسل به امام زمان - ارواحنا فداء - شدم، حال خوبی داشتم و دائماً با حضرتش مناجات می کردم و می گفتم: ای کاش ظهور می کردید و من ظهور شما را درک می کردم، آن روز، روز تعطیلی بود، پس از توسل، از کوه خلیج به منزل رفتم و قدری استراحت کردم. در عالم رویا (یا خواب و بیداری) دیدم در همان مکان روی کوه خلیج هستم و آقا و مولایم، صاحب الزمان - روحی نه الفداء - هم تشریف دارند. آقا در حالی که دست هایش را بر پشت گذاشته بودند به طرف شهر مشهد نگاه می کردند.

گفتم: آقا تشریف بیاورید داخل شهر (منظورم ظهور آن حضرت بود).

فرمودند: من در این شهر غریبم. گفتم آقا اگر کاری دارید بفرمایید

تا برایتان انجام دهم؟

فرمودند: ما کارگران زیادی داریم ولی آنها حق ما را می خورند و اکثراً یک قدم برای من بر نمی دارند و به یاد من نیستند.

در این هنگام از خواب بیدار شدم و در فراغ آن حضرت و برای غربت آن حضرت بسیار اشک ریختم.<sup>(۱)</sup>

هم اکنون که به یمن برکت وجود مقدس امام زمان (عج) زندگی می کنیم و به دست ایشان رزق و روزی داده می شویم و قوام هستی ما و عالم به وجود مبارک آن حضرت است، آیا صحیح است که برای رضایش یک قدم بر نذاریم؟

آیا صحیح است که به یاد حضرتش نباشیم و ایشان را به فراموشی سپرده باشیم؟

آیا صحیح است که برای وجود مقدّسش دعا نکنیم و در مقام تبلیغ و معرفی حضرتش به جهانیان بر نیاییم؟

البته لازم به ذکر است که هم اکنون در مجالس، بیشتر از سال های گذشته نام مبارک آن حضرت برده و در مورد ایشان صحبت می شود و برای ظهور آن حضرت نیز تا حدّی دعا می کنند. انشاءالله خداوند توفیق دعا و تبلیغ آن حضرت را به ما عنایت فرماید و ظهور ایشان را نزدیک فرماید تا با قدوم مبارکشان فضای تاریک هستی را روشن نموده و خیر و برکت معنوی و مادی را برای جهانیان به ارمغان آورده و مظلومان را از بند اسارت و بردگی برهانند تا گشایشی برای دوستان آن حضرت و هر آرزومند آزادی و رهایی حاصل گردد.

۱ - ملاقات با امام زمان علیه السلام: ج ۳، ص ۱۰۲.

آری! اکنون که جهان در حال آمادگی پذیرش امام زمان (عج) است و وظیفهٔ دوستان آن حضرت است که تلاش خود را در جهت تبلیغ ایشان مضاعف نموده و از هرگونه تلاش چه با عمل، قلم و بیان، در جهت بیداری اذهان، از خواب غفلت کوتاهی ننمایند.

## ۲- سعادت بشری

وقتی در روایات و کتب مهم شیعه همچون بحار الانوار (مهدی موعود)، اصول کافی، مکیال المکارم، روزگار رهای (یوم الخلاص) و... تأمل کنیم، می بینیم که روایات متعددی شاهد بر این مطلب دیده می شود که وقتی امام زمان (عج) تشریف می آوردند، انسان ها به سعادت واقعی دست می یابند و نعمات الهی به حدی زیاد می شود که مردم، اصلاً فقیری را نمی یابند که وجوه شرعیّه خود را به او پردازند. البته روایات زیادی در این مورد نقل شده که ما در بخش زندگی پس از ظهور، به بیان تعدادی از آنها، که همگی نشانگر آسایش و آرامش کامل و زندگی مطلوب در دوران ظهور می باشند، خواهیم پرداخت.

متأسفانه با وجود اینکه ظهور امام زمان (عج) سعادت اخروی و دنیوی را با خود به ارمغان می آورد، بعضی از اشخاص را می بینیم که مردم را از ظهور آن بزرگوار می ترسانند و امام زمان رثوف و مهربانمان را فردی خونریز معرفی می کنند که آسایش و آرامش زندگی آنها را از بین می برد و اولین کسی را که مجازات می کند ما می باشیم. چنین کسانی هستند که دشمن دانا از این دوستان نادان بهتر می باشد.

اما حقیقت مطلب آن است که وقتی امام زمان (عج) تشریف

می آورند، امنیت و آسایش را به جامعه بشری که اکنون در نهایت آشفتگی قرار دارد به ارمغان می آورند و هرگونه فقر و فساد و بیچارگی را ریشه کن می سازند.

پس افرادی که ادعای دوستی و محبت می نمایند، ولی در اصل با چنین عقاید باطل و انحرافی به امام زمانشان ضربه می زنند، باید عقاید خود را اصلاح نموده و در شناساندن امام زمان (عج) به صورتی که در روایات آمده، اقدام نمایند تا انشاءالله بتوانند گذشته خود را جبران نموده و بر زخم های امام زمان (عج) که خود باعث آنها بوده اند مرهمی بگذارند.

### ۳- اعمال ناشایسته دوستان

از جمله نکات مهمی که حائز اهمیت می باشد، اعمال دوستان امام زمان (عج) می باشد. چرا که وقتی، شخصی که به عنوان فردی که دوست دار امام زمان (عج) است در بین مردم شناخته شد و به عنوان الگو و اسوه قرار گرفت، دیگر عمل و آبروی او تنها به خودش تعلق ندارد بلکه هم به دین و هم به امام زمان (عج) نیز تعلق دارد.

بنابراین دگان داران، همانند اقطاب صوفیه و دراویش یا بعضی از کسانی که با نام امام زمان (عج) دگان باز می کنند و بعد اموال کلانی را به دست آورده و برای خود و اطرافیانشان دلایلی تراشیده و می گویند که خداوند انسان هایی را که از اولیاء خدا شوند دنیای آباد نصیبشان می کند، جزء دوستان آن حضرت نمی باشند و در جواب چنین اشخاصی باید گفت:

آیا می دانید اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چگونه زندگی

کرده‌اند؟

آیا می‌دانید امام زمان (عج) خطاب به اصحابش نسبت به زندگی بعد از ظهور آنها چه می‌فرماید؟

آیا می‌دانید در زمان غیبت باید کلام ائمه معصومین علیهم‌السلام و وجود مقدّس حضرت ولی عصر (عج) را سرمشق زندگی خود قرار دهیم؟ پس باید بدانیم افرادی که کلام امام زمان (عج) را به زبان جاری می‌کنند، اگر همانند وجود مقدّس آن بزرگوار نباشند، علاوه بر این که از زمره دوستان آن حضرت خارجند بلکه مغضوب آن حضرت نیز قرار خواهند گرفت.

زیرا زمانی که چنین شخصی عمل اشتباهی انجام می‌دهد، بعضی از افراد کوتاه‌نگر آن را به دین و امام او ارجاع داده و همه معنویات را زیر سؤال می‌برند در حالی که آن عمل اشتباه، با دین و عمل امام او مغایرت داشته و از سوی دیگر کسی که واقعاً جزء دوستان امام زمان (عج) باشد حتماً در مسیر امام خود تلاش و حرکت می‌کند و تا حد وّسع و توان خود کاری انجام می‌دهد که مورد رضایت خداوند و وجود مقدّس حضرت بقیه الله (عج) باشد.

از این روست که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌فرمایند:

«کُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا».

برای ما زینت باشید و باعث زشتی ما نباشید.

پس باید نهایت تلاش خود را بنماییم که اعمال و کردار ما به گونه‌ای باشد که اگر واقعاً می‌خواهیم شیعه امام زمان (عج) شویم، همچون برگ درخت، باعث زیبایی اهل بیت علیهم‌السلام در بین مردم شویم و بدین وسیله مبلغ دین و مولای خود گردیم، نه اینکه باعث آبروریزی

و پراکندگی افراد از اطراف اهل بیت علیهم السلام و معنویات باشیم.  
از سوی دیگر اشتباهات و گناہانی که محبّان و دوستان امام زمان  
(عج) انجام می دهند، همانند تیری است که بر بدن مبارک آن حضرت  
می نشیند و باعث ناراحتی ایشان می شود.

روزی مرحوم حاج شیخ حبیب الله گلپایگانی رحمته الله در خواب  
می بیند: به حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام مشرف شده اند و بدن مطهر  
آن حضرت روی زمین قرار گرفته و پارچه ای سفید روی آن کشیده  
شده. ناگهان بادی وزیده و پارچه را کنار می زند و ایشان می بینند که  
بدن آن حضرت سوراخ سوراخ شده است.

به حضرت عرض می کنند: آقا شما را که به سم شهید کردند، چرا  
بدنتان سوراخ سوراخ است؟

حضرت می فرمایند: کسانی که دور قبر من می آیند و فلان گناه  
(غیبت، تهمت، دروغ، بدحجابی و...) را انجام می دهند، مثل تیری  
است که به بدن من می نشیند.<sup>(۱)</sup>

اینجاست که متوجه می شویم امام زمانمان واقعاً مظلوم است و  
همانطور که خودشان فرمودند، مظلوم ترین فرد عالم می باشند. چرا  
که تمام گناہانی که شیعیان و دوستان آن بزرگوار انجام می دهند،  
همانند تیری است که بر بدن مبارک ایشان وارد می شود.

پس ای کسانی که امام زمانتان را دوست دارید، بدانید، همانگونه  
که خداوند می فرماید:

﴿قُلْ أَعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُكْفَرُ بِكُمْ﴾<sup>(۲)</sup>

۱ - راهی به سوی نور.

۲ - سوره توبه: آیه ۱۰۵.



امام زمان (عج) شاهد اعمال شماسست و هر عمل اشتباه شما همانند تیری است که بر بدن مبارک آن بزرگوار می نشیند. پس بیایید با اصلاح و تزکیه نفس خود از گناهان و اشتباهات و آمادگی برای ظهور، علاوه بر اینکه اسباب نارحتی و مظلومیت آن بزرگوار را از بین ببریم، بلکه زمینه ساز فرج و شادی ایشان نیز باشیم.

سالار بیابان طلب ای نوگل زهرا

مولای من ای خیمه نشین دل صحرا

تا چند بمانی تک و تنها به بیابان

ما را بطلب در بر خود ای مه بطحا

من از غم هجران تو هر دم، تب و تابم

تو همسفر غربتی ای بی کس و تنها

تا چند زنی خیمه تو در کوه و بیابان

من ساکن شهر هستم و تو ساکن صحرا

من مدعی عشقم و تو مظهر عشقی

اما نکنم هیچ ز معشوق تمنا

ما را چو غلامی پخر ای یوسف زهرا

تا از طلب غیر تو باشیم مبرا

مهمان نما یک دوسه روزی به خیامت

ما را به ره یاری خود ساز مهیا

## بخش ۲

### دوران پس از ظهور

ظهور امام زمان (عج) و تکامل عقلها  
قیام امام زمان (عج) و مرگ شیطان  
وفور نعمات الهی در زمان ظهور  
ایجاد حکومت واحد اسلامی  
صلح و امنیت در عصر ظهور  
شفای امراض جسمی

طبق احادیث وارده، جهان پس از ظهور جهانی مملو از انواع نعمت‌های الهی می‌باشد که بزرگ‌ترین آنها، همان نعمتی است که خداوند در عید غدیر خم معرفی کرده و می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضَيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾<sup>(۱)</sup>

امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و نعمتم را بر شما تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است، برایتان برگزیدم.

البته تصوّر چنین دورانی برای ما مشکل است، زیرا دوران پس از ظهور برای ما، همانند دنیای بیرون از رحم، برای نوزاد است، چرا که نوزاد تا زمانی که به دنیای بیرون از رحم قدم نگذاشته، محل زندگی خود را بهترین مکان تصوّر می‌کند، ولی زمانی که پا به عرصه دنیا می‌گذارد درمی‌یابد که این جهان از تمام جوانب، با دنیایی که در آن به سر می‌برده متفاوت است.

انشاءالله با ظهور حضرتش شاهد کمالات و زیبایی‌های آن عصر بوده و در کنار وجود ملکوتی امام زمان (عج) از الطاف بی‌کران حضرتش استفاده نماییم.

از این رو در این قسمت به بیان روایاتی که ائمه معصومین علیهم‌السلام دوران پس از ظهور را برای ما به تصویر کشیده‌اند می‌پردازیم، به امید آن که با خواندن این روایات در وجودمان شعله‌های عشق و علاقه، به دوران عدالت بیشتر شده و با آماده کردن خود برای ظهور و دعا در جهت تعجیل در فرج امام زمان (عج)، خداوند رحمان از کلیه علائم ظهور چشم پوشی نموده و ظهور ولی خود را برساند و قلب اهل بیت علیهم‌السلام و امام زمانان و تمامی شیعیان را مملو از سرور و شادی گرداند.

### ظهور امام زمان (عج) و تکامل عقل‌ها

امام باقر علیه السلام در رابطه با تکامل عقل‌ها در دولت حق، می‌فرماید:

«إِذْ قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ  
أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ وَ كَلَمَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»<sup>(۱)</sup>.

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقل و خردهای آنها را گرد می‌آورد، اخلاقشان را کامل می‌گرداند و بوسیله او مردم به رشد و کمال می‌رسند.

بنابراین تمام اعضاء و جوارح وجود انسان تحت الشعاع روح و روح نیز تحت الشعاع فطرت و فطرت نیز تحت الشعاع عقل و وحی که مصدر آفرینش هستند - یعنی وجود مقدس شجره محمدیه صلوات الله وسلامه می‌باشند - قرار می‌گیرند و بندگی کامل خدا که توأم با عشق و پرواز در ملکوت است از سر می‌گیرند.

### قیام امام زمان (عج) و مرگ شیطان

امام باقر علیه السلام در مورد مرگ شیطان در هنگام ظهور می‌فرماید:

منظور از وقت معلوم در آیه «فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ»<sup>(۲)</sup> إِلَى يَوْمِ  
الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»<sup>(۳)</sup> روز قیام قائم آل محمد صلوات الله وسلامه است.  
هرگاه خداوند او را برانگیزد، ابلیس در مسجد کوفه می‌آید در  
حالی که بر زانوانش راه می‌رود و می‌گوید ای وای از این روزگار!  
آنگاه از پیشانی‌اش گرفته شده، گردنش زده می‌شود. آن هنگام  
روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می‌رسد.<sup>(۳)</sup>

۱- اسرار آفرینش اهل بیت علیهم السلام : ص ۴۳۸ . ۲- سوره حجر: آیات ۳۷ و ۳۸ .

۳- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۷۶ .

### وفور نعمات الهی در زمان ظهور

پیامبر عظیم الشان اسلام در رابطه با روزگار رهایی و وفور نعمات الهی در آن عصر چنین می فرماید:

«تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَتَّعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ يَرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً وَ لَانْدَعُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَ الْمَالُ يَوْمَئِذٍ كَدَسٍ يَقُومُ الرَّجُلُ يَقُولُ يَا مَهْدِي اعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ».<sup>(۱)</sup>

امت من در زمان حضرت مهدی آنچنان از نعمت‌های الهی بهرمنند می‌شوند که هرگز نظیر آن دیده نشده است. آسمان باران رحمتش را به صورت سیل آسا بر آنها فرو می‌ریزد، زمین چیزی از گیاهانش را در خود باقی نمی‌گذارد و همه را می‌رویاند. در آن روز ثروت بر روی هم انباشته می‌شود، بطوری که هر کس بگوید: ای مهدی! به من عطا کن، می‌فرماید (آنچه خواستی) بگیر.

آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید:

ساکنان آسمان و زمین از او راضی و خشنود می‌شوند. او مال را به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌کند. قلوب امت محمد ﷺ را پر از بی‌نیازی می‌نماید و عدالتش همه جا را فرا می‌گیرد.<sup>(۲)</sup>

در بعضی از روایات، آمده است که وقتی آن حضرت ظهور می‌نمایند مردم را از ثروت دنیا بی‌نیاز نموده و فقر و بیچارگی را از بین مردم ریشه کن کرده و به مردم می‌فرمایند:

۱- عقد الدرر: باب ۷، ص ۱۹۵. ۲- اسرار آفرینش اهل بیت علیهم السلام: ص ۴۴۲.

بیاید این همان چیزی است که شما به خاطر آن از خویشاوندان خود می‌بریدید و در راه آن خون یکدیگر را می‌ریختید و حرمت احکام را می‌شکستید و آنچه خدای تبارک و تعالی حرام کرده بود، مرتکب می‌شدید. سپس آنقدر ثروت به آنها عطا می‌کند که در دنیا سابقه نداشته و هیچ کس پیش از او چنین ثروتی نبخشیده است. زمین را پراز عدل و داد و روشنایی می‌کند چنان که پراز ظلم و ستم و شر، شده باشد. (۱)

حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرمایند:

«لا یبغی عبداً مسلماً الا اشتراه و أعتقه و لا عارماً الا قضی دینه و لا مظلمة لاحد من الناس الا ردّها و لا یقتل عبد الا ادى ثمنه و لا یقتل قتیل الا قضی عنه دینه و الحقّ عیاله فی العطاء». (۲)

روی زمین برده مسلمانی نمی‌ماند مگر اینکه او را خریده و آزاد می‌سازد. بدهکاری نمی‌ماند مگر اینکه بدهی‌اش را پرداخت می‌نماید. حق کسی را در دست کسی نمی‌گذارد مگر اینکه از او می‌ستاند و به صاحب حق باز می‌گرداند. بنده‌ای کشته نمی‌شود مگر اینکه قیمت او را می‌پردازد. کسی کشته نمی‌شود مگر اینکه همهٔ قرض‌هایش را پرداخت می‌کند و نام خانواده‌اش را در بخش عطایا مقرر می‌نماید.

براستی چنین روزی را باور داریم که تمام دهکدهٔ ظلمانی (جهان)

۱- غیبت نعمانی: ص ۳۴۲.

۲- بحار الأنوار: جلد ۵۲، ص ۲۲۴.

مبدل به نور الهی شود و مردم فقط و فقط مشغول بندگی که عشق با پروردگار خویش می باشد برسند؟  
آری او می آید، والله که او می آید.

### ایجاد حکومت واحد اسلامی

امام صادق علیه السلام در مورد تشکیل حکومت جهانی امام زمان (عج) می فرمایند:

«يرفع المذاهب فلا يبقى إلا الدين الخالص فوالله ليرفع عن الملل و الأديان الاختلاف و يكون الدين كله واحداً كما قال جل ذكره انّ الدين عند الله الاسلام»<sup>(۱)</sup>

همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می شود و جز دین خالص (اسلام) باقی نمی ماند. به خدا سوگند که ناهماهنگی ادیان و مذاهب از بین می رود و فقط یک دین در سراسر جهان حکومت می کند، چنانکه خدای متعال نیز فرموده است: این است و جز این نیست که دین در نزد خدا اسلام است و بس.

زیرا که فقط هر آنچه در جهان آفرینش ما می نگریم حتی وجود سفرای الهی یعنی انبیاء سلف، پرتوی از نور این انوار مقدس اهل بیت علیهم السلام می باشد، از این جهت از آدم ابوالبشر گرفته تا آخرین پیامبری که قبل از ظهور مقدس خاتم المرسلین همگی آمده بر یک آیین مردم را فراخوانده و همگی فقط دم از دین مبین و مقدس اسلام و مصدر آن یعنی اهل بیت علیهم السلام می زدند.

## صلح و امنیت در عصر ظهور

روایات متعددی از ائمه معصومین علیهم السلام در رابطه با ایجاد امنیت و آرامش در دنیای پس از ظهور آمده است که در این قسمت تعدادی از آنها را بیان می‌کنیم.

حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

راه‌ها امن می‌شود بطوری که یک زن از عراق تا شام می‌رود و پای خود را جز بر گیاه نمی‌گذارد، جواهرش را بر سر گذاشته و از هیچ درزنده و درزنده‌خویی هراس ندارد. امنیت و آسایش از هر نظر دنیا را فرامی‌گیرد و جایی در این کرهٔ خاکی نمی‌ماند مگر اینکه تمام آن از گل و گیاه سبز و خرم می‌شود.<sup>(۱)</sup>

آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرمایند:

«يملك المهدي مشارق الارض و مغاربها و ترعى الشاه و الذئب فى مكان واحد و يلعب الصبيان بالحيات و العقارب و لا تضرهم بشيء و يذهب الشر و يبقى الخير».<sup>(۲)</sup>

مهدی شرق و غرب عالم را تحت سیطرهٔ خود درمی‌آورد. در آن زمان گرگ و گوسفند در یک مکان زندگی می‌کنند، کودکان خردسال با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و آسیبی به آنها نمی‌رسد. شر از جهان رخت برمی‌بندد و تنها خیر و نیکی باقی می‌ماند.

آری جهان به یک بهشت و جنت صغری مبدل می‌گردد، زیرا وفور نعمت از هر سو به سمت انسان‌ها هجوم می‌آورد و جهان مبدل به انعام الهی می‌گردد و دیگر در آن دوران مشغول شدن به مسائل

۱- اسرار آفرینش اهلبیت علیهم السلام : ص ۴۵۱ . ۲- منتخب الاثر: ص ۴۷۴.



دنیوی مفهومی نخواهد داشت، چرا که کار و کوشش در حقیقت برای بدست آوردن روزی حلال و زندگی مرفه می باشد.

### شفای امراض جسمی

زمانی که امام زمان (عج) تشریف می آورند، با لطف و عنایت ایشان عقل ها کامل می شود و امراض روحی و جسمی برطرف می گردد، و مردم در کمال سلامت و شادابی زندگی خواهند کرد.

امام باقر علیه السلام در حدیثی می فرمایند:

«من ادرك قائم اهل بيتي من ذی عاهة برئ أو من ذی ضعف قوی». (۱)

هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر بیمار باشد، بهبود می یابد و اگر ناتوان باشد، نیرومند می شود.

در جای دیگری امام سجّاد علیه السلام می فرمایند:

«إذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شيعتنا العاهة و جعل قلوبهم كزبر الحديد و جعل قوّة الرجل منهم قوّة اربعین رجلاً و يكونوا حكام الارض و سنامها». (۲)

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند متعال از برکت وجود آن حضرت تمام سختی ها و امراض را از بین خواهد برد. قلب های شیعیان ما مانند پاره های آهن خواهد بود. نیروی هر مرد برابر نیروی چهل مرد خواهد بود. شیعیان ما از طرف قائم فرمانروای روی زمین خواهند بود.

حال ای شیعیان!

ای یهودیان!

۲- اسرار آفرینش اهلبیت علیهم السلام : ص ۴۵۳.

۱- بشارة الاسلام : ص ۲۴۳.

ای مسیحیان!

ای کسانی که در جهت رسیدن به یک رفاه نسبی امام زمانتان و معنویات خود را کنار گذاشته‌اید!

ای کسانی که به خاطر متاع ناچیز دنیا به قتل و غارت می‌پردازید! بیایید و از اعمال گذشته خود توبه نموده و از خداوند منان خواستار فرج آن خورشید جهان تاب و واسطه رحمت الهی گردیم و با اصلاح خود زمینه ساز فرج پرشکوهش باشیم، تا بدین وسیله به عشق و صفا و معنویات حقیقی و رفاه و روزی حلال و سالم و واسع در دنیا دست یابیم و در کنار آن نور حقیقت، امام زمان (عج) لذت زندگی و زنده ماندن را بچشمیم.  
به امید رسیدن آن روز. انشاءالله

غم مخور، ایام هجران رو به پایان می‌رود  
این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود  
پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زند  
غمزه را سر می‌دهد، غم از دل و جان می‌رود  
بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود  
زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود  
محفل از نور رخ او، نور افشان می‌شود  
هر چه غیر از ذکر یار از یاد رندان می‌رود  
ابرها از نور خورشید رخس پنهان شوند  
پرده از رخسار آن سرو خرامان می‌رود  
وعده دیدار نزدیک است یاران مژده باد  
روز وصلش می‌رسد ایام هجران می‌رود

## بخش ۳

### وظایف شیعیان در زمان غیبت

شناخت امام زمان (عج)

تهذیب نفس و خودسازی

انتظار فرج

شناخت علائم ظهور

اهتمام ورزیدن جهت خدمت به امام زمان (عج)

دعا برای فرج

توسل به امام زمان (عج)

## تکالیف دوران غیبت

انسان‌های بیدار دل و کسانی که در وجودشان ذره‌ای محبت و عشق مولایشان امام زمان (عج) قرار دارد، زمانی که مصادر غربت و مظلومیت مولای خود را همانگونه که در فصل قبل یاد آور شدیم مشاهده می‌کنند، یقیناً به دنبال راه چاره و نجات خواهند گشت و همچون تشنه‌ای که در وسط بیابان قرار گرفته به دنبال جرعه‌ای از مایع حیات و مولای خویش خواهند بود. لذا تصمیم گرفتیم که گوشه‌ای از تکالیف دوران غیبت که وظیفه هر مسلمان عمل به آن می‌باشد را بیان نمایم. از این رو به لطف مولایم، با استفاده از منابعی چون مکیال المکارم - که مورد تأیید حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - می‌باشد - و... این فصل را به رشته تحریر در آورم، به این امید که تمامی دوستان خواننده این فصل به محتوای آن عمل نموده و از دوستان و یاران واقعی آن بزرگوار قرار گیرند.

## شناخت امام زمان (عج)

اعتقاد به امامت یکی از پایه‌های بنیادی و اساسی اسلام می‌باشد. به گونه‌ای که اگر مسأله امامت از اسلام برداشته شود دیگر دین و اسلام مفهومی پیدا نمی‌کند. از این رو خداوند متعال در روز غدیر خم، بر پیامبرش واجب کرد که امامت امیرالمؤمنین علیه السلام را به مردم ارائه نموده و مسأله ولایت را تکمیل کننده رسالت خود و تمامی پیامبران قبل قرار دهد، لذا به پیامبر خود فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا

## بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ﴿١﴾

ای پیامبر! آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی، تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای.

در تفاسیری همچون تفسیر البرهان، منظور از آیه فوق را ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام معرفی نموده‌اند، لذا متوجه می‌شویم که ائمه معصومین علیهم السلام وارث واقعی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و انبیاء گذشته بوده و وجود نازنینشان، تکمیل کننده راه مستقیمی است که، ابتدای آن خداوند و انتهایش نیز به رب العالمین، ختم می‌شود.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ»

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ  
وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ  
الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ (٢)

سپس (از آن پیامبران سلف) ما آنان را که از بندگان خود برگزیدیم (محمد و آل او صلی الله علیه و آله و سلم) وارث علم قرآن گردانیدیم، باز هم بعضی از آنها (فرزندان یا امت او) به خود ظلم کردند و بعضی راه عدل پیمودند و برخی به هر عمل خیر به دستور حق سبقت گیرند این رتبه در حقیقت همان فضل بزرگ است.

در توضیح و تفسیر این آیه، امام رضا علیه السلام چنین می‌فرماید:

«ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبْدِنَا الْآيَةَ قَالَ وَلَدِ  
فَاطِمَةَ وَالسَّابِقِ بِالْخَيْرَاتِ الْإِمَامَ وَالْمُقْتَصِدَ الْعَارِفَ بِالْإِمَامِ وَالْظَّالِمَ لِنَفْسِهِ الَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ» (٣)

۱-سوره مائده: آیه ۶۷.

۲-سوره فاطر: آیه ۳۲.

۳-اسرار آفرینش اهلبیت علیهم السلام: ص ۹۹.

وارثان این کتاب که خداوند از میان بندگان انتخاب نموده،  
 اولاد فاطمه هستند و سابق بالخیرات امام است و مقتصد کسی  
 است که حق امام را بشناسد و ظالم کسی است که امام را  
 نشناسد.

با علم و آگاهی نسبت به مطالب فوق درمی یابیم، یکی از اصول  
 اعتقادی که در تمامی عصرها بر بشر، مخصوصاً مسلمانان لازم و  
 واجب است شناخت امام زمان می باشد.

در اصول کافی به سند صحیحی از فضیل بن یسار رضی الله عنه آمده است:  
 شنیدم حضرت ابو جعفر - امام باقر رضی الله عنه - می فرمود:

هر کس در حالی که امامی نداشته باشد، بمیرد مردنش مردن  
 جاهلیت است و هر آنکه در حال شناخت امامش بمیرد، او را  
 زیان نرساند که این امر (ظهور امام زمان) پیشتر شود یا به  
 تأخیر افتد، و هر کس بمیرد در حالی که امامش را شناخته،  
 همچون کسی است که در خیمه قائم رضی الله عنه با آن حضرت باشد.<sup>(۱)</sup>

از این رو اگر می خواهیم نسبت به مولای خود ظلم نکنیم و به  
 وظیفه خود عمل نماییم تا انشاءالله هنگام ظهور آن حضرت، در کنار  
 ایشان باشیم و اگر اجل فرصت زیارت آن بزرگوار را به ما نداد، به  
 منزله کسی باشیم که در خیمه حضرت با ایشان بوده، باید در جهت  
 کسب معرفت آن بزرگوار بکوشیم، تا انشاءالله آن امام کریم به حرکت  
 اندک ما عنایت فرموده و معرفتشان را در قلب ناقابل ما قرار دهند.

معرفت دُرّ گرانیست به هر کس ندهندش

پَرطاووس قشنگ است به هر کس ندهندش

از دلایل دیگری که نشانگر وجوب شناخت امام زمان (عج) در

دوران غیبت بوده و جزء وظایف شیعیان به شمار می‌رود، این است که معرفت امام زمان (عج) تنها وسیله نجات انسان از گمراهی و ضلالت می‌باشد، زیرا با معرفت امام زمان (عج) می‌توان راستگو را از دروغگو تشخیص داده و به سمت افرادی که به دروغ ادعای امامت می‌کنند، متمایل نشده و همیشه پیرو حق باشیم. همچنین انسان با شناخت امام و الگو قرار دادن او می‌تواند به کمال حقیقی نایل شود. چرا که امام در هر دوره زمانی، اسوه حسنه در میان مخلوق بوده و واسطه فیض بین خالق و مخلوق می‌باشد و محبت و ولایت آنها تنها راه سعادت و خوشبختی می‌باشد.

«أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»<sup>(۱)</sup>

کجاست آن وسیله پیوند میان زمین (روح انسان) و آسمان (ملکوت).

پیامبر اکرم ﷺ نیز در تأکید بر این مطلب می‌فرمایند:

«الزُّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ يَحِبُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ بِحَقِّنَا»<sup>(۲)</sup>

پیوسته با ولایت و محبت ما اهل بیت همراه باشید که هر کس با دوستی ما با خدا رو به رو شود با شفاعت ما داخل بهشت گردد. سوگند به آن کسی که جانم به دست قدرت اوست، هیچ بنده‌ای از عمل خود بهر مند نشود مگر با شناخت و معرفت ما.

۱ - فرازی از دعای ندبه: مفاتیح الجنان. ۲ - اسرار آفرینش اهل بیت علیهم السلام: ص ۱۱۱.

با بیان این مطالب، روشن می‌شود که معرفت امام علیه السلام امری واجب و غیر قابل اجتناب می‌باشد ولی چون معرفت اهل بیت علیهم السلام و امام زمان (عج) مطلبی نیست که بتوان آن را در چند سطر این کتاب بیان کرد. از این رو در اینجا نگاهی اجمالی به این موضوع خواهیم داشت و مشتاقان معرفت را به مطالعه کتب نفیسی چون اصول کافی، مکیال المکارم و اسرار آفرینش اهل بیت علیهم السلام که در این زمینه تألیف شده، راهنمایی می‌کنیم.

برای سهولت درک و فهم مطالب، معرفت امام زمان (عج) را در سه قسمت که به قرار زیر است برای شما عزیزان بیان خواهیم نمود و به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

۱- شناخت چگونگی آفرینش و حقیقت امام زمان (عج).

۲- شناخت صفات و ویژگی‌های امام زمان (عج).

۳- شناخت امام زمان (عج) با نام و نسب.

### شناخت چگونگی آفرینش و حقیقت امام زمان (عج)

شاید این سؤال برای تشنگان معرفت اهل بیت علیهم السلام مطرح شود که خلقت و آفرینش اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چگونه بوده که در چنین مقام معنوی قرار دارند و حقیقت اوصاف الهی و مصدر آفرینش خداوند قرار گرفته‌اند؟

آیا خلقت آنها همچون خلقت بقیه انسان‌ها بوده یا به گونه‌ای دیگر می‌باشد؟

آیا کسی می‌تواند حقیقت آنها را بشناسد؟



اینجاست که سخنان پر محتوا و گهربار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پرده از این اسرار برمی دارد و حقیقت امر را به ما نشان می دهد.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«ان الله تفرّد في وحدانيّة ثمّ تكلم بكلمة فصارت نوراً ثمّ خلق من ذلك النور محمّداً و عليّاً و عترته، ثمّ تكلم بكلمة فصارت روحاً و اسكنها ذلك النور و اسكنه في ابداننا فنحن روح الله و كلمته احتجب بها من خلقه و فما زلنا في ظلّة خضراء مسبحين نسبحه و نقدّسه حيث لا شمس و لا قمر و لا عين تطرف ثم خلق شيعتنا و انما سمّوا شيعة لانهم خلقوا من شعاع نورنا»<sup>(۱)</sup>

خداوند در وحدانیّت خود تنها و یگانه بود و هیچ شیئی در خلقت و ملک با او نبود. سپس به کلمه‌ای تکلم فرمود و آن کلمه نور شد (که مراد از کلمه مقام بی اسم و رسم محمّد و آل او صلی الله علیه و آله و سلم می باشد) سپس خلق کرد از این نور محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و سایر عترت او را. سپس کلمه دیگری تکلم فرمود و آن روح شد و ساکن گردانید این روح را در آن نور و ساکن گرداند این نور را در بدن‌های (عنصری و ظاهری) ما، پس ماییم روح خدا (روحی که خداوند فرموده بر همه روح‌ها برتری داده است، البته این نسبت به جهت شرافت دادن است، مثل خانه

خدا) ماییم کلمه خدا که با آن از خلقش محتجب شده است (یعنی ماییم واسطه فیض خدا و خلق) پس ما همیشه در سایه سبز (در دو عالم معنا و حقیقت) بودیم که تسبیح و تقدیس خدا می‌کردیم در آن هنگام که نه از خورشید اثر بود و نه از ماه و هیچ چشم و بیننده‌ای نیز نبود. سپس خلق فرمود شیعیان ما را از ما و اسم ایشان شیعه شد به جهت آنکه از پرتو نور ما خلق شدند.

امام صادق علیه السلام نیز در رابطه با زمان خلقت اهل بیت علیهم السلام می‌فرمایند:

«الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ»<sup>(۱)</sup>

حجت خدا پیش از خلق بوده و با خلق می‌باشد و بعد از خلق هم می‌باشد.

و اما اینکه اهل بیت علیهم السلام چه مقامی دارند و حقیقتشان چیست، مطلبی است که امام صادق علیه السلام در حدیثی به آن اشاره نموده و فرموده‌اند:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ نُورٍ عَظَمْتِهِ ثُمَّ صَوَّرَ خَلْقَنَا مِنْ طِينَةٍ مَخْرُونَةٍ مَكُونَةٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ فَأَسْكَنَ ذَلِكَ النُّورَ فِيهِ فَكُنَّا نَحْنُ خُلُقًا وَ بَشَرًا نُورَانِيَيْنَ لَمْ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ فِي مِثْلِ الَّذِي خَلَقْنَا مِنْهُ نَصِيبًا وَ خَلَقَ أَرْوَاحَ شِيعَتِنَا مِنْ طِينَتِنَا وَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ طِينَةٍ مَخْرُونَةٍ مَكُونَةٍ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ الطِّينَةِ وَ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ فِي مِثْلِ

الَّذِي خَلَقَهُمْ مِنْهُ نَصِيبًا إِلَّا لِلْأَنْبِيَاءِ وَ لِذَلِكَ صِرْنَا نَحْنُ وَ هُمْ  
النَّاسَ وَ ضَارَ سَائِرُ النَّاسِ هَمَجًا لِلنَّارِ وَ إِلَى النَّارِ»<sup>(۱)</sup>

خداوند (ارواح) ما را از نور عظمت خویش آفرید. آنگاه آفرینش ما را بگونه‌ای هستی بخشید که از طینت زیر عرش صورتگری کرد. بطوری که وجود ما خزانه‌ای برای تمام مخلوقات الهی (یعنی خزانه تمام علوم و اسرار عالم هستی) شد و آن نور را در آن (صورت مثالی) که به اصطلاح کالبد ما بود، جایگزین ساخت و ما مخلوق و بشری نورانی شدیم. حال آنکه برای هیچ یک از مخلوقات آنچه را که خدا در ما نهاده بود، قرار نداد و ارواح شیعیان ما را از طینت ما آفرید و بدنشان را از گلی در خزانه پوشیده پایین‌تر از گل ما و خداوند هیچ کس را جز انبیا از خلقت ایشان بهره‌ای نداد. از این جهت ما و آنها به صورت آدم شدیم و مردم دیگر خرمگسانی که سزاوار دوزخند و به سوی دوزخ می‌روند.

آن حضرت در جای دیگر، در رابطه با چگونگی خلقت اهل بیت علیهم‌السلام و سایر مخلوقات می‌فرماید:

«خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيَّةَ بِنَفْسِهَا ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ»<sup>(۲)</sup>

خداوند ابتدا مشیت را آفرید و سپس چیزهای دیگر را توسط مشیت خلق نمود.

لازم به توضیح است که در روایات دیگر اهل بیت علیهم‌السلام فرموده‌اند

۱- اصول کافی: ج ۱، ص ۲۳۲. ۲- اصول کافی: ج ۱، ص ۱۴۹.

که ما همان مشیت خدا هستیم (نحن مشیة الله) یعنی خداوند به واسطه مشیت (اهلبیت علیهم السلام) سایر اشیاء را خلق نموده است که در واقع اهلبیت عصمت و طهارت علیهم السلام به امر خدا خالق بقیه مخلوقات می باشند، از این رو امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حدیثی تأکید بر مطلب فوق کرده و می فرمایند:

«أنا خالقُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي طَرْفَةِ الْعَيْنِ.»<sup>(۱)</sup>

من قادرم آسمان‌ها و زمین را در یک چشم بر هم زدن خلق کنم.

شاید برای بعضی از افراد این سؤال مطرح شود که اگر اهلبیت علیهم السلام خالق همه مخلوقات باشند، پس قدرت خداوند در جهان خلقت چگونه خواهد بود؟

پاسخ این موضوع بسیار واضح می باشد و آن اینکه همین مسأله که اهلبیت علیهم السلام خالق همه موجودات هستند نشان دهنده عظمت قدرت خداوند می باشد که با تکلم کلمه‌ای چنین موجودی را خلق می کند که بعد از خود در عالم خلقت از چنین قدرتی برخوردار می باشد. بنابراین اولین مخلوق خداوند اهلبیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده اند و چون اهلبیت همان چهارده معصوم می باشند و هیچ فرقی بین آنها نمی باشد،<sup>(۲)</sup> پس در حقیقت امام زمان (عج) نیز اولین مخلوق خدا بوده و سایر مخلوقات توسط آنها که یدالله هستند

۱ - اسرار آفرینش اهلبیت علیهم السلام : ص ۸۰.

۲ - «نورنا واحد، روحنا واحد، أولنا محمد، أوسطنا محمد، آخرنا محمد و كلنا محمد.»

خلق شده‌اند.

### شناخت صفات و ویژگی‌های امام زمان (عج)

صفات و ویژگی‌های اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام آنقدر وسیع و گسترده می‌باشد که این مقوله ظرفیت گنجایش چنین مسأله بزرگی را نمی‌تواند داشته باشد. چراکه اهل بیت علیهم‌السلام اسوه، الگو و نمونه کامل مؤمنی هستند که یک مخلوق می‌تواند به آن درجه از کمال و حقیقت دست یابد. از این رو در میان مخلوقات حضرت حق در درجه ایمان و عظمت، از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کامل‌تر وجود ندارد و وجود نازنین آن بزرگواران در حقیقت اوصافی می‌باشند که خداوند متعال به خود نسبت می‌دهد.

بنابراین در این قسمت به طور خلاصه به بیان مطالبی در این رابطه می‌پردازیم، به این امید که این مسائل دری به سمت دریای بی‌کران اوصاف اهل بیت علیهم‌السلام شود و تشنگان عشق و حقیقت را از مایه حیات خود سیراب گرداند.

#### ۱- اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام الگو و اسوه بشریت می‌باشند

خداوند متعال هنگام معرفی پیامبر گرامیش به مردم، ایشان را به عنوان الگو و اسوه معرفی نموده و می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾<sup>(۱)</sup>

البته شما را در اقتدای به رسول خدا چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو خیر بسیار است. لذا تمام اعمال، افکار، نیات و اعتقادات پیامبر گرامی اسلام را الگو و اسوه مردم معرفی نموده و معیار جدایی حق از باطل را ایشان (و اهل بیت آن بزرگوار) قرار می دهد.

حال این سؤال مطرح می شود که آیا هر کسی می تواند به عنوان الگو و اسوه قرار گیرد یا لازمه این کار داشتن ویژگی های خاص می باشد.

در جواب این سؤال به طور قطع می توان گفت که اگر کسی به عنوان الگو معرفی می شود باید از تمامی اشتباهات، غفلت ها، فراموشی ها، گناهان، پلیدی ها و ناپاکی ها به دور بوده و تمام گفتار و کردارش نشأت گرفته از وحی الهی باشد.

از این رو خداوند باری تعالی برای اینکه شبهه ای در بین مخلوقات نماند و برای همه بشریت اتمام حجّت کرده باشد، به طور متعدد در قرآن کریم، به بیان عصمت و پاکی و حقیقت اهل بیت علیهم السلام پرداخته و می فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (۱)

خدا چنین می خواهد هر رجس و آرایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از هر نوع اشتباه و خطا، پاک

و مبرّا می باشند و مصداق کامل این کلام خداوند قرار می گیرند که می فرماید:

﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾<sup>(۱)</sup>

و (ای رسول) چون تو تیر افکندی نه تو بلکه خدا افکند.

از سوی دیگر خداوند متعال در تأیید تمامی گفتار و اعمال پیامبر خویش در قرآن کریم، خطاب به عالم بشریت می فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾<sup>(۲)</sup>

و هرگز به هوای نفس سخن نمی گوید، سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست.

این آیه و آیات قبل تمامی شبهاتی که امکان دارد برای یک شخص وجود داشته باشد را از بین می برد و معرفت کاملی نسبت به پیامبر گرامی اسلام می دهد و از طرفی چون بنا به فرموده خود آن بزرگواران که می فرمایند:

«تُورِنَا وَاحِدًا، رُوحُنَا وَاحِدًا، أَوْلُنَا مُحَمَّدًا، أَوْسَطُنَا مُحَمَّدًا، آخِرُنَا

مُحَمَّدًا وَكُلُّنَا مُحَمَّدًا»<sup>(۳)</sup>

و یا در جای دیگر می فرمایند:

«كُلُّهُمْ نُورٌ وَاحِدٌ»

اهلبیت عصمت و طهارت علیهم السلام در بُعد حقیقت و اوصاف، همچون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشند و بعد از آن بزرگوار همانگونه که بارها خود ایشان مطرح نموده اند ائمه علیهم السلام را الگو و راهنمای جامعه بشری می باشند.

از این رو خداوند متعال در جهت تأکید بر مسأله فوق در قرآن کریم

۱ - سوره انفال: آیه ۱۷.

۲ - سوره نجم: آیات ۳ و ۴.

۳ - اسرار آفرینش اهلبیت علیهم السلام : ص ۷۵.

می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (۱)

ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) را اطاعت کنید.

یعنی ای کسانی ایمان آورده‌اید در مرحله اول از خداوند اطاعت کنید و سپس از پیامبر و رسول و بعد از اولی الامر، که همان اهلبیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌باشند، اطاعت کنید.

ابوبصیر درباره تفسیر آیه فوق از امام صادق علیه‌السلام سؤال نمود حضرت فرمودند:

«آیه اطیعوا الله وَ اطیعوا الرسول وَ اولی الامر مِنْكُمْ نزلت فی علی بن ابی طالب وَ الحسنِ وَ الحسين» (۲)

منظور از آیه فوق علی علیه‌السلام و امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام می‌باشند.

ابوبصیر بار دیگر سؤال نمود: مولای من! مردم می‌گویند چرا نام علی علیه‌السلام و خانواده‌اش در قرآن برده نشده است؟ امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«فقال ان رسول الله نزلت علیه الصلاة و لم یسم الله لهم ثلاثاً و لا اربعاً حتی کان رسول الله هو الذی فسر ذلک لهم و نزلت علیهم زکاة... و نزل الحج فلم یقل لهم طوفوا هو الذی فسر ذلک لهم... و نزلت اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم و نزلت فی علی و الحسن و الحسين فقال رسول الله فی علی من کنت مولاه فعلٌ مولاه...»

۱ - سوره نساء: آیه ۵۹.

۲ - اسرار آفرینش اهلبیت علیهم‌السلام: ص ۴۹.



به آنها بگو آیه نماز بر پیغمبر نازل شد ولی سه رکعتی و چهار رکعتی آن نام برده نشد تا اینکه پیامبر ﷺ خود برای مردم رکعاتش را بیان فرمود. آیه زکات بر آن حضرت نازل شد ولی ذکر نشد که زکات از هر چهل درهم یک درهم است تا این که حضرت برای مردم شرح داد و امر به حج نازل شد ولی به مردم گفته نشد که هفت دور طواف کنید تا این که خود پیامبر برای آنها توضیح داد و آیه اطیعوا الله... نازل شد که درباره علی و حسن و حسین ﷺ بود. پیامبر درباره علی ﷺ فرمودند: هر که را من مولا و آقایم، علی ﷺ مولا و آقای اوست....

اینجاست که با درک آیات و احداث فوق درمی یابیم که اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ حقیقت قرآن می باشند و اطاعت از آنها اطاعت از خداوند بوده و در واقع الگو و اسوه جامعه بشری بوده که در این دوران نیز تنها راه رسیدن به حقیقت و سعادت واقعی همانگونه که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾<sup>(۱)</sup>

و همگی برشته دین خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید.

چنگ زدن به ریسمان الهی، امام زمان (عج) می باشد.

امام صادق ﷺ در رابطه با این آیه فرمودند:

«ما اهل بیت جبل و ریسمان خداوند هستیم.»<sup>(۲)</sup>

حال دوستان عزیزم بیایید و با اصلاح اعمال و کردار خویش و هماهنگ نمودن خود با تنها الگو و اسوه عالم حقیقت، وجود نازنین اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ خود را آینه تمام نمای اهل بیت ﷺ

۱ - سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

۲ - تفسیر البرهان: ج ۱، ص ۳۰۶.

قرار داده<sup>(۱)</sup> و بدین وسیله خود را از ورطهٔ نیستی به حقیقت هستی برسانیم و به آن معشوق دل عاشقان، خداوند باریتعالی و امام زمان (عج) دست یابیم.

## ۲- اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام حقیقت علم می‌باشند

همانگونه که اهل بیت علیهم السلام فرموده‌اند:

«الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ.»<sup>(۲)</sup>

از سوی دیگر در زیارت جامعهٔ کبیره، می‌خوانیم:

«خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُخْذِقِينَ... أَنْتُمْ نُورَ الْأَخْيَارِ وَ

هُدَاةُ الْأَبْرَارِ... مَعَادِنَ حِكْمَةِ اللَّهِ... خُزَانَ الْعِلْمِ.

خداوند شما را نورهایی آفرید که گرد عرش او حلقه زده

بودید... شما نور خوبان و هدایت کنندهٔ نیکوکاران هستید...

معدنهای حکمت خدا هستید... خزانه دارهای علم خدا

هستید.

خداوند متعال نیز در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>(۳)</sup>

و نوری را که به او نازل شد، پیرو شدند (به قرآنی که روشن

کنندهٔ دل‌های تاریک است عمل کردند) آن گروه به حقیقت

رستگارانند.

با تدبیر و تأمل در آیات و روایات فوق بر انسان روشن می‌شود که

اهل بیت علیهم السلام نور هدایت و خزانه دار علم خداوند بوده و تنها کسی

می‌باشند که برنامهٔ سعادت و کمال بشر را در اختیار دارند.

۲ - تفسیر نمونه: ج ۱۴، ص ۴۷۲.

۱ - «الْمُؤْمِنُ مِرَاتُ الْمُؤْمِنِ.»

۳ - سورة اعراف: آیه ۱۵۷.

امام باقر علیه السلام در مورد علم اهل بیت علیهم السلام می فرمایند:  
 «شَرْقًا وَ غَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا  
 أَهْلِ الْبَيْتِ.»<sup>(۱)</sup>

به مشرق و یا به مغرب روید، علم درست پیدا نخواهید کرد  
 جز آنچه از ما خاندان تراوش می کند.

امیر المؤمنین علیه السلام نیز در تأکید بر این مطلب می فرمایند:  
 «فَاسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تُفْقِدُونِي فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَسْأَلُونِي عَنْ  
 شَيْءٍ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ السَّاعَةِ وَ لَا عَنْ فِتْنَةٍ تَهْدِي مِائَةَ وَ تَضِلُّ  
 مِائَةَ إِلَّا أَنْبَاتِكُمْ بِنَاعِقِهَا وَ قَائِدِهَا وَ سَائِقِهَا وَ مَنَاخَ رِكَابِهَا وَ  
 مَحَطَّ رِحَالِهَا وَ مَنْ يَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا قِتْلًا وَ يَمُوتُ مِنْهُمْ مَوْتًا»<sup>(۲)</sup>  
 از من سؤال کنید قبل از اینکه از میان شما بروم و مرا از دست  
 دهید. سوگند به خدایی که جانم به دست اوست، نخواهید  
 پرسید چیزی از حال تا روز قیامت، درباره گروهی که صد نفر  
 را هدایت و یا گمراه کند، مگر اینکه آگاهتان خواهم ساخت از  
 دعوت و تبلیغ کننده اش و راننده و محرکش و جایگاه فرود  
 مراکب و بار و اثاثش و اطلاع خواهم داد از آن مردم که چه  
 کسی کشته و چه کسی (با اجل طبیعی) خواهد مرد.

اصبغ بن نباته گوید: هنگامی که حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه  
 در خطبه ای فرمود: «فَاسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تُفْقِدُونِي...» سعد بن وقاص  
 برخاست و عرضه داشت، مرا از شماره موهای سر و رویم خبر ده.  
 علی علیه السلام فرمودند:

«به خدا قسم پرسش کردی از چیزی که حبیب رسول  
 خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر آن را قبلاً به من داده بود. نیست در سر و روی

۱ - اصول کافی: ج ۲، ص ۲۵۱. ۲ - نهج البلاغه: خطبه ۹۳.

تو موئی مگر آن که در ریشه آن شیطانی جای دارد. اگر شمارش  
برای تو مشکل نبود، عدد آن را نیز می‌گفتم. اما بدان نشانه صدق  
گفتارم این است که در خانه تو، توله‌ای است که فرزندم حسین  
را می‌کشد.»

اصبغ بن نباته گوید: عمر بن سعد در آن زمان طفلی خردسال  
بود. (۱)

جرجرداق عالم مسیحی در کتاب خود که پیرامون علی علیه السلام  
نوشته، می‌گوید:

«ای کاش علی بن ابی طالب در زمان ما زندگی می‌کرد تا ما آنچه  
را که در آسمان‌ها می‌گذرد، از او سؤال می‌نمودیم و ایشان ما را  
از عالم بالا و پرده‌های نور و حجاب، غیب، شگفتی‌های عالم  
ملکوت و دنیای بی‌نظیر جبروت مطلع می‌ساخت.»

بنابراین تمام علوم آسمانی و زمین و ملک و ملکوت در وجود  
بابرکت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام وجود دارد و هیچ سؤالی  
نمی‌باشد که در محضر این بزرگواران بی‌جواب بماند. واقعاً در چه  
بدبختی بزرگی زندگی می‌کنیم که از مولای خود، امام زمان (عج) جدا  
شده‌ایم و در غفلت و نادانی به سر می‌بریم.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (۲)

و در لوح محفوظ خدا (یا قلب امام، خلیفه الله) آشکار همه را  
به شماره آورده‌ایم.

ابن عباس می‌گوید: وقتی این آیه نازل شد، ابوبکر و عمر بلند شده  
و گفتند: یا رسول الله! منظور از این آیه چیست؟ آیا تورات است؟

۱ - دلایل الوایة: ص ۲۹۴.

۲ - سورة یس: آیه ۱۲.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: نه. سپس پرسیدند: آیا منظور انجیل است؟

پیامبر ﷺ فرمودند: نه. دوباره سؤال کردند: آیا منظور قرآن است؟

پیامبر ﷺ علی علیه السلام را نزد خود خواند و فرمود:

«هو هذا الذی احصى الله فيه علم کل شیء.»<sup>(۱)</sup>

این امیر المؤمنین علی علیه السلام است که خداوند علم تمام موجودات و اشیا را در وجودش قرار داده است.

سپس فرمود:

«و ان السعید کلّ السعید من احبّ علیاً فی حیاته و بعد وفاته و

انّ الشقی کلّ الشقی من ابغض هذا فی حیاته و بعد وفاته.»<sup>(۲)</sup>

سعادت‌مند کسی است که علی علیه السلام را دوست بدارد، چه در حیات

او و چه در وفاتش. بد رستیکه شقی‌ترین فرد کسی است که با

این علی علیه السلام بغض و کینه داشته باشد چه در حیات او و چه در

وفاتش.

بنابراین در می‌یابیم که تنها راه رسیدن به علم ملک و ملکوت و

نور حقیقی و کمالات، اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. از این رو پیامبر

اکرم ﷺ در همین مورد می‌فرمایند:

«الزموا مودّتنا اهل البیت فانّه من لقی الله و هو یحبّنا دخل

الجنة بشفاعتنا و الذی نفسی بیده لاینتفع عبد بعمله الا

بمعرفة بحقنا.»<sup>(۳)</sup>

پیوسته با ولایت و دوستی و محبت ما اهل بیت همراه باشید

۲ - تفسیر البرهان: ج ۴، ص ۷.

۱ - تفسیر البرهان: ج ۴، ص ۷.

۳ - امالی شیخ مفید: ص ۵۶.

که هر کس با دوستی ما با خدا رو به رو شود، با شفاعت ما داخل بهشت گردد. سوگند به آن کسی که جانم به دست قدرت اوست، هیچ بنده‌ای از عمل خود بهر مند نشود مگر با شناخت و معرفت ما.»

بنابراین اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام اوصافی هستند که خداوند آنها را به خود نسبت می‌دهد و تمامی صفات ملکوتی و حقایق هستی که یک مخلوق می‌تواند داشته باشد در وجود اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. پس ما باید در این زمان با بهره‌گیری از کلمات گهربار آن بزرگواران، آینه وجودمان را در مقابل این اوصاف الهی که مصدر آفرینش هستند قرار دهیم تا بدین وسیله ذره‌ای از مظلومیت و غربت امام زمان (عج) را از بین برده و با به وجود آوردن سنخیت روحی با منجی عالم بشریت، امام زمان (عج) در رکاب و خدمت آن بزرگوار قرار گیریم. انشاء الله (۱)

### شناخت امام زمان (عج) با نام و نسب

در رابطه با شناخت نام و نسب امام زمان (عج) فقط به روایتی از امام سجّاد علیه‌السلام بسنده می‌کنیم که در پاسخ ابو حمزه ثمالی و ابو خالد کابلی می‌فرمایند:

کسانی که اطاعت آنها پس از رسول خدا واجب است، امامان دین هستند که خداوند آنها را حجّت خود بر خلق قرار داد و

۱ - در اینجا برای دوستانی که تشنه معرفت امام زمانشان می‌باشند، توصیه می‌شود که به مطالعه کتاب‌هایی چون اصول کافی، اسرار آفرینش اهل بیت علیهم‌السلام و مکیال المکارم و... بپردازند.

اطاعت آنها را بر تمام مردم واجب فرمود. اولین آنها امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و...  
 و یک یک امامان را نام برد تا به امام حسن عسگری علیه السلام رسید،  
 آنگاه ساکت شد و پس از لحظه‌ای فرمود:  
 زمین خالی از حجّت خدا نخواهد ماند و پس از او فرزندش  
 حجّت خدا، ولی عصر، قائم ما مهدی امت است. او غیبت  
 می‌کند و غیبتش به طول می‌انجامد. منتظران فرجش همچون  
 مجاهدین در راه اسلام هستند.<sup>(۱)</sup>

### تهذیب نفس و خودسازی

تهذیب نفس و خودسازی یکی از مسائلی است که یک سالک الهی  
 الله باید به آن توجه کامل داشته باشد، چرا که اهمیّت و ارزش آن به  
 قدری زیاد می‌باشد که خداوند متعال در سوره شمس، پس از آنکه  
 یازده قسم یاد می‌کند، می‌فرماید:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا \* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ <sup>(۲)</sup>

هر کسی نفس خود را تزکیه کند به یقین رستگار شده، و نومید  
 و محروم گشت آنکه نفس خود را به گناه آلوده ساخت.

امام صادق علیه السلام نیز در رابطه با وجوب تهذیب نفس و خودسازی  
 در دوران آخر الزّمان، خطاب به افراد دوران غیبت، می‌فرمایند:

هر کس دوست دارد که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد باید  
 منتظر باشد و در این حال (انتظار) به پرهیزکاری و اخلاق  
 نیکو رفتار نماید، پس چنانچه در حالیکه منتظر باشد بمیرد، و

۱- کمال الدین: ص ۲۴۹.

۲- سوره شمس: آیات ۹ و ۱۰.

پس از مردنش قائم علیه السلام بپا خیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید. گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خداوند. (۱)

امام زمان (عج) نیز در توقیعی که به شیخ مفید رحمته الله صادر نموده‌اند، بزرگترین عامل جدایی خویش از شیعیان را چنین بیان می‌کنند:

«پس تنها چیزی که ما را از آنان پوشیده می‌دارد همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می‌رسد. و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی‌رود.» (۲)

این آیات و روایات به این نکته مهم اشاره می‌کند که یکی از الزامات رسیدن به رستگاری و کمال حقیقی که بر هر انسان مسلمانی واجب است، پاکسازی روح و جان از صفات رذیله و جایگزین نمودن صفات پسندیده می‌باشد.

از سوی دیگر هدف ما از طرح این موضوع به عنوان یکی از تکالیف عصر غیبت، به این جهت است که لازمه‌ی رهایی امام زمان (عج) از مظلومیّت و غربت و قرار گرفتن در شمار یاران و دوستان آن حضرت این است که روح و جانمان را از صفات ناپسند، پاک ساخته و حقیقت خویش را با صفات حسنه بیاراییم. بنابراین، یکی از مهمترین اسباب وصال و خدمتگزاری آن حضرت، تهذیب نفس می‌باشد.

و اما کسی که می‌خواهد نفس خود را از هرگونه ناپاکی و پلیدی پاک نماید، نیاز به یک الگو و اسوه‌ای دارد که از هرگونه ناپاکی به دور بوده و مورد تأیید خداوند متعال باشد. لذا وقتی در قرآن تأمل

۱- غیبت نعمانی: ص ۱۰۶.

۲- مکیال المکارم: ج ۲، ص ۴۳۹.



می‌کنیم، به این مطلب پی می‌بریم که خداوند باریتعالی، پیامبر خود و ائمه معصومین علیهم‌السلام را تنها اسوه و الگوی خود معرفی کرده و کلام پیامبر خود را کلام خود دانسته است و در مورد اسوه حسنه‌اش فرموده:

﴿وَلَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾<sup>(۱)</sup>

سپس در تأیید ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾<sup>(۲)</sup>

و هرگز به هوای نفس سخن نمی‌گوید، سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست.

بنابراین آنها کامل‌ترین الگوی خلیفه الهی هستند که خداوند به عنوان حجت در بین مردم قرار داده است تا انسان‌ها تنها الگو و اسوه زندگی خود را اهل بیت علیهم‌السلام قرار دهند. اکنون بر ما لازم است که تمام صفاتی که در وجود اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام وجود ندارد از خود دور نماییم، و هر صفت و عملی که در وجود آنها مشاهده می‌کنیم به آن عمل نماییم، چرا که خداوند آنها را از هر ناپاکی و بدی دور ساخته است.

خداوند در قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾<sup>(۳)</sup>

خدا چنین می‌خواهد هر رجس و آلاشی را از شما خانواده

نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

نکته مهمی که وجود دارد این است که، چگونه با وجود این همه

۱- سوره احزاب: آیه ۲۱.

۲- سوره نجم: آیات ۳ و ۴.

۳- سوره احزاب: آیه ۳۳.

موانع عظیم، همچون شیاطین انسی و جنّی، نفس و دنیا، حقیقت خود را همچون اعمال اهل بیت علیهم السلام قرار داده و از هر چه غیر از آنهاست دوری جسته و به مصداق، «السلمان منا اهل البیت»، (سلمان از ما اهل بیت می باشد) برسیم؟

اهل بیت علیهم السلام این سؤال را نیز بی پاسخ نگذاشته اند، چرا که آنها بهترین راهنمایان می باشند و هیچ مطلبی از چشمان حقیقت بین آنها دور نمی ماند.

برای پاسخ به سؤال فوق، روایتی را که سلمان فارسی از پیامبر بزرگ خدا، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده، بیان می کنیم:

سلمان فارسی رضی الله عنه می گوید: شنیدم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:

همانا خدای عزّ و جلّ می فرماید: ای بندگان من آیا چنین نیست که هر کس حاجت های بزرگی از شما بخواهد آنها را برآورده نمی سازید مگر اینکه به وسیله محبوب ترین افراد نزد شما واسطه بیاورد که آن حاجت را به گرامی داشت شفاعت کننده برای ایشان برمی آورید. توجه کنید و بدانید که گرامی ترین و برترین مخلوق نزد من محمد صلی الله علیه و آله و سلم و برادر او علی است و بعد از او امامانی که وسائل به سوی خداوند هستند، همانا هر کس حاجتی برایش اهمیت دارد که نفع آن را خواستار است یا حادثه بزرگی بر او پدیدار شود که می خواهد ضرر آن از او دفع گردد باید که مرا به [وسیله] محمد و خاندان معصوم او دعا کند، که آن حاجت را برای او برخواهم آورد و به بهترین گونه ای که کسی عزیزترین کسانش را نزد او شفیع

می‌برید آن را برمی‌آورد. (۱)

از سوی دیگر روایت شده است که:

«لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّعْلِيمِ وَ التَّعَلُّمِ، بَلِ الْعِلْمُ نَوْزٌ يُقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ.» (۲)

کسب علم به کثرت آموختن و یادگیری نیست، بلکه علم نوری است که خداوند در قلب هر کسی که بخواهد قرار می‌دهد.

روایت فوق دری از حقیقت را به روی ما می‌گشاید و ما را متوجه این مسأله می‌کند که علم حقیقی و شناخت و معرفت، در واقع نوری است که نزد خداوند می‌باشد و خداوند متعال آن را در دل هر کسی که خود را آماده پذیرش این نور کرده باشد قرار می‌دهد.

شاید این سؤال مطرح شود که اگر علم و حقیقت نوری است که خداوند در وجود هر کس که بخواهد قرار می‌دهد، پس نقش تلاش و کوشش ما برای کسب حقیقت و تزکیه و خودسازی چگونه می‌باشد؟ پاسخ این سؤال را در کلام خداوند تبارک و تعالی می‌توان یافت که می‌فرمایند:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ (۳)

آنان که در راه ما با جان و مال جهد و کوشش کردند محققا آنها را به راه خویش هدایت می‌کنیم.

آیه فوق به این مطلب اشاره می‌کند که اگر ما حرکت کردیم و در جهت رضایت خداوند به اندازه ظرفیت خود گام برداشتیم و از خدا با واسطه قرار دادن اهلبیت علیهم‌السلام درخواست استمداد و یاری نمودیم، خداوند متعال درهای معنویت و حکمت را به قلب ما باز خواه کرد و

۱- مکیال المکارم: ج ۲، ص ۳۸۵. ۲- تفسیر نمونه: ج ۴، ص ۴۷۲.

۳- سوره عنکبوت: آیه ۶۹.

ما را در جهت سیر الی الله و تزکیه نفس و خودسازی یاری خواهد نمود.

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أَقْدَامَكُمْ﴾<sup>(۱)</sup>

ای اهل ایمان اگر شما خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند

واقعاً چه چیزی بزرگ‌تر و زیباتر از این که انسان خود را آنگونه که خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام می‌خواهند قرار دهد و درخت هدف‌دار خلقت را به ثمر بنشانند. پس ای دوستان بیایید با تلاش و عمل نمودن به فرمایشات خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام و واسطه قرار دادن ائمه طاهرین به درگاه خداوند، عاجزانه از او بخواهیم که روح و جانمان را همچون خواسته خود قرار داده و از هرگونه رجس و پلیدی که اهل بیت علیهم‌السلام از آن دورند، پاکمان سازد تا مصداق حقیقی این آیه از قرآن قرار گیریم که می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾<sup>(۲)</sup>

پیشگامان پیشی‌گرفتنان، آنها مقربانند.

سوز دل، اشک روان، آه سحر، ناله شب

این همه از نظر لطف شما می‌بینم

## انتظار فرج

از مسائلی که ائمه معصومین علیهم‌السلام در سخنان خود بسیار به آن اشاره نموده‌اند و انجام آنرا بر هر مسلمانی واجب دانسته‌اند، انتظار فرج مهدی زهرا علیها‌السلام می‌باشد. به گونه‌ای که انتظار ظهور امام زمان (عج) را شرط رضایتشان از شیعیان دانسته و آن را از اسباب، سعادت

۱- سوره محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: آیه ۷. ۲- سوره واقعه: آیات ۱۰ و ۱۱.

دنیوی و اخرویشان معرفی می نمایند.

از این رو قصد داریم در این قسمت ارزش انتظار و چگونگی آن را در قالب روایات و احادیث بیان نموده و منتظرین واقعی را معرفی نماییم.

اهمیت و ارزش انتظار زمانی برای ما روشن می شود که خداوند متعال، اهل بیت علیهم السلام، پیامبران و فرشتگان، همگی خود را به عنوان منتظرین حضرت بقیة الله (عج) معرفی می نمایند.

امام رضا علیه السلام در رابطه با انتظار خداوند متعال می فرماید:

چقدر خوب است صبر و انتظار فرج، آیا نشنیده‌ای فرموده خداوند عز و جل را که می فرماید:

﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

شما منتظر باشید من نیز با شما از منتظرینم.

﴿وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾<sup>(۲)</sup>

پس شما منتظر باشید که من هم با شما منتظرم.

اهل بیت علیهم السلام نیز در طول حیات پر برکتشان منتظر ظهور آن حضرت بوده‌اند و در غیبت آن بزرگوار ناله‌ها سر داده‌اند و آرزوی دیدار تنها منجی عالم بشریت را می کشیدند. در این زمینه نیز روایات بسیاری آمده که نمونه‌ای از آن را به نقل از سدید می آوریم. سدید می گوید:

روزی من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب به حضور مولایمان امام صادق علیه السلام رسیدیم. پس دیدیم امام بر روی خاک نشسته‌اند و عبای خیبری بر دوش دارند و مانند زن جوان از دست داده به شدت و از جگر سوزان گریه می کنند و حزن و اندوه از تمام

۱- سوره یونس: آیه ۲۰.

۲- سوره هود: آیه ۹۳.

وجودشان می بارد، به صورتی که چهره ایشان را عوض کرده و اشکشان جاریست و می فرمایند:

سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و خاطر من را پریشان ساخته و آرامش دلم را از من سلب نموده است. سرور من! غیبت تو مصیبتی جانکاه بر سراسر هستی ام فرو ریخته که هرگز تسلی نمی یابم. از دست دادن یاران یکی پس از دیگری اجتماعات را درهم می ریزد. بلاها، سختی ها، رنج ها و اندوه ها چنان بر دلم سنگینی می کند که دیگر اشک دیده و فریادهای سینه ام را احساس نمی کنم و هر چه بر اشک دیده و فریاد سینه ام می نگرم، مصیبت شدیدتر و جانکاهتری در نظرم مجسم می گردد که از مصائب قبلی دشوارتر و شکننده تر است. یکی از یاران آن حضرت عرضه داشت: ای مولای من! خدا دیدگانت را نگریاند. چه چیز موجب شده که این چنین سیلاب اشک بر صورت مبارکتان جاری شود؟ چه چیز این چنین قلب عالم امکان را به لرزه درآورده و بر این ماتم نشانده است؟ امام آهی کشید بطوری که قفسه های سینه اش باز شد و لرزه بر اندامش افتاد و فرمود:

وای بر شما...! من امروز صبح کتاب جفر را مطالعه می کردم... در زندگی قائمان می اندیشیدم که از دیده ها غایب می گردد و غیبتش به طول می انجامد و عمرش بسیار طولانی می شود. مؤمنان در آن زمان به سختی آزموده می شوند و از طول غیبتش دچار شک و تردید شده و اکثرشان از دین خود مرتد می شوند و ریسمان اسلام را که خدای متعال می فرماید «وَكُلُّ إِنْسَانٍ

الزَّمْنَاهُ طَائِرَةٌ فِي عُنُقِهِ...»<sup>(۱)</sup> از گردن خود می‌گشایند. یعنی همان رشته ولایت را از گردن خود دور می‌کنند. من از مطالعه وضع آنها رشته افکارم گسست و کوه غم و اندوه بر تنم فرو ریخت.<sup>(۲)</sup>

علاوه بر خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام پیامبران نیز در انتظار ظهور امام زمان (عج) می‌باشند. حضرت عیسی علیه‌السلام سالهاست که در انتظار آن حضرت به سر می‌برند تا انشاءالله پس از ظهور امام زمان (عج) نمازش را پشت سر بهترین مخلوق خداوند ادا نموده و تمام مسیحیان عالم را به سوی کامل‌ترین فرد عالم دعوت نماید.

در حدیثی، امام صادق علیه‌السلام در رابطه با انتظار حضرت شمعون، یکی از پیامبران خدا می‌فرمایند:

امیر مؤمنان علیه‌السلام به سوی صفین می‌رفت تا اینکه از رود فرات عبور کرد و به نزدیکی کوه سرزمین صفین رسید، که هنگام نماز مغرب شد، پس مدتی در اندیشه فرو رفت، سپس وضو گرفت و اذان گفت و چون از اذان گفتن فراغت یافت کوه شکافته شد و سر و صورتی سپید نمودار گردید و گفت: سلام بر تو ای امیر مؤمنین و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. خوش آمدی ای جانشین پیغمبران و پیشوای روسفیدان و عزیزترین چیزی [که به مردم] رسیده، و ای نایل آمده به ثواب صدیقین، و ای سید اوصیا.

امیر المؤمنین علیه‌السلام به او فرمود: بر تو نیز سلام باد، ای برادرم شمعون، جانشین عیسی بن مریم روح القدس، حال تو چگونه

۱- سوره اسراء: آیه ۱۳، «وکارنامه هر انسانی را به گردن او بستیم».

۲- بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۲۱۹.

است؟

گفت: خیر است، خدای بر تو رحمت آورد، من منتظر حضرت روح الله (امام زمان علیه السلام) هستم که از آسمان فرود آید، پس هیچ کس را نمی‌شناسم که در راه خدا بیشتر از تو دچار بلا گشته و فردا [ی قیامت ثوابش فزون‌تر و مقامش برتر از تو باشد...] (۱)

خوب است بدانیم که فرشتگان الهی نیز منتظر روزی هستند که خداوند ذخیره خود را برای شادی دل‌های خونین اهل بیت علیهم السلام و شیعیان ظاهر نماید.

نقل شده: زمانی که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا استغاثه می‌کرد، کسی جوابش را نمی‌گفت و هنگامی که دادرس طلب می‌کرد، کسی به دادش نمی‌رسید، ملائکه آسمان‌ها به گریه درآمدند و گفتند:

خداوندا! آیا این همه ظلم‌ها بر فرزند پیغمبر تو می‌کنند و تو می‌بینی و تویی که انتقام تو شدید می‌باشد. ندا رسید: ای ملائکه! بر سمت راست عرش نظر کنید! چون نظر کردند، شخصی را دیدند که ایستاده، مشغول نماز است، ندا رسید: با همین قائم، از این جماعت به جهت او انتقام خواهم کشید،.... (۲)

اهلبیت عصمت و طهارت علیهم السلام انتظار فرج را به عنوان بهترین عبادت بنده معرفی نموده و ارزش آن را به منزله جهاد در راه خدا و



شهادت در کنار رسول خدا ﷺ دانسته‌اند.

همانطور که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

هر کس در حالی که منتظر این امر باشد، بمیرد همچون کسی خواهد بود که از خواص حضرت قائم (عج) بوده باشد، نه بلکه مانند کسی باشد که در پیشگاه رسول خدا ﷺ شمشیر زده است. (۱)

### واجب بودن انتظار

در غیبت نعمانی به سند خود از ابو بصیر و او از حضرت امام صادق علیه السلام آورده که روزی آن حضرت فرمود:

آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای عز و جلّ هیچ عملی را جز به آن، از بندگان نمی‌پذیرد؟ گفتند: چرا، فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته‌ی پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی اوست و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده و ولایت و بیزاری از دشمنانمان - دشمنان اهل بیت علیهم السلام - و تسلیم شدن به آنان و پرهیزکاری و کوشش و اطمینان و انتظار قائم (عج).

امام صادق علیه السلام در روایت فوق انتظار فرج را به عنوان یکی از اعمالی که شرط پذیرفته شدن اعمال دیگر است، معرفی می‌نمایند. زیرا منتظر واقعی کسی است که عملش و نیتش جز رضایت محبوب و امام زمانش نباشد و در واقع چنین انتظاری مهر قبولی دیگر اعمال است.

## حُرمت ناامیدی از ظهور

ناامیدی از ظهور امام زمان (عج) به دو صورت است: صورت اوّل: کسانی که به طور کلی مسأله ظهور را انکار کرده و آن را تکذیب می‌کنند، که این نوع ناامیدی بدون شک، حرام بوده و موجب کافر شدن شخص می‌گردد.

«مَنْ أَنْكَرَ الْمَهْدِيَّ فَقَدْ كَفَرَ»<sup>(۱)</sup>.

هر کس مهدی را انکار کرد، پس کافر است.

صورت دوّم: کسانی که در تصوّر خود فرج را مثلاً بعد از ۵ یا ۵۰ سال دیگر یا... تصوّر می‌کنند و می‌گویند، ظهور حضرت به این زودی نخواهد بود. این تصوّر نیز با توجه به احادیث گذشته و احادیثی که خواهد آمد نهی شده است، زیرا، این طرز فکر باعث ناامیدی از فرج می‌شود. و حداقل در مدتی که در ذهن خود فرج را به تأخیر انداخته‌ایم، حالت انتظار را از دست خواهیم داد.

امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرمایند:

و امر صاحب خود را شب و روز انتظار داشته باش که خداوند هر روز در کاری است، هیچ کاری از کار دیگر او را مشغول نخواهد کرد.<sup>(۲)</sup>

حضرت علی علیه السلام نیز فرموده‌اند:

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید به درستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند عزّ و جلّ انتظار فرج

۱- الزام الناصب: ص ۵۹.

۲- اقبال: ص ۲۰۱.

می‌باشد. (۱)

حال باید بدانیم که چگونه منتظر فرج باشیم تا جزء منتظران ظهور حضرت قرار گیریم. بهتر است تکلیف خود را در کلام امام صادق علیه السلام بیابیم، آن حضرت می‌فرماید:

هر آنکس که خواسته باشد از یاران قائم علیه السلام شود باید که منتظر باشد و با پرهیزکاری و خوی‌های پسندیده عمل نماید و اوست منتظر، پس هرگاه بمیرد و قائم پس از مردنش بیاخیزد پاداش او همچون کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد....

همانطور که گفته شد، یکی از اساسی‌ترین تکالیف منتظر در دوران غیبت، تهذیب نفس و عمل به دستورات الهی می‌باشد. انشاءالله با لطف خداوند و امام زمان (عج) بتوانیم آینه تمام‌نمای صفات اهل بیت علیهم السلام شده و جزء منتظرین حقیقی یوسف زهرا علیها السلام باشیم.

### شناخت علائم ظهور

یکی از وظایفی که در دوران غیبت بر عهده شیعیان می‌باشد، شناخت علائم ظهور امام زمان (عج) می‌باشد، چرا که حداقل دو دلیل زیر را می‌توان بر لزوم این عمل مطرح نمود.

**دلیل اول:** برای اینکه هر فردی در دوران آخر الزمان، اشخاص راستگو را از دروغگو تشخیص داده و امام خود را بشناسد باید از علائم ظهور و وقایعی که در دوران ظهور اتفاق خواهد افتاد، آگاه باشد و همانند بعضی از اشخاص که به دنبال افراد دروغگو و کذاب

رفته و در منجلاب گمراهی و فساد غرق می شوند نبوده و با کسب معرفت و شناخت از علائم ظهور توسط مطالعه روایاتی که در این باب آمده خود را آماده خدمتگذاری در کنار مولای خود حضرت بقیة الله - روحی و ارواح العالمین له الفداء - بنماییم.

دلیل دوّم: همانطور که خداوند متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اطِيعُوا أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید از خدا و رسول و والیان امر او - امام زمان (عج) -

اطاعت از او امر امام زمان بر هر شخصی واجب و لازم می باشد. لذا هنگامی که آن بزرگوار تشریف می آورند باید با شناخت کامل به یاری ایشان شتافته و دست بیعت به سمت آن بزرگوار دراز نماییم.

### علائم ظهور

خداوند باریتعالی علم گذشته، حال و آنچه را که در آینده انجام خواهد شد، به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عنایت فرموده و چون آنها واسطه بین خالق و مخلوق هستند، آن علوم و حقایق را بر ما عرضه می دارند. این علوم و حقایق که ایشان به ما ارزانی داشته‌اند، یا وعده است یا وعید.

امّا وعده، علمی است که تغییر و تحوّل در آن امکان پذیر نمی باشد و باید تحقق یابد. مانند ظهور امام زمان (عج) که جزء وعده‌های خداوند می باشد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾ (۲)

۱ - سوره نساء: آیه ۵۹.

۲ - سوره حج: آیه ۴۷.

و هرگز وعده خداوند خلف نخواهد شد.

اما وعید، شامل مسائلی است که مربوط به قهر و عذاب الهی می‌گردد و چون ممکن است اراده لطف و محبت الهی شامل آن شده و تغییری در آن به وجود آید، قطعی نبوده و هرگونه تغییر و تحوّل در آن وجود دارد. به طور مثال، گفته می‌شود که قبل از ظهور امام زمان (عج) جنگ‌هایی برپا خواهد شد، ولی چون این مورد جزء عذاب‌های قبل از ظهور است و عذاب نیز از وعیدات خداوند می‌باشد، پس ممکن است خداوند بر مبنای محبت و الطاف بی‌کرانش در اثر درخواست بندگان، تغییراتی اعمال نماید و هیچ کدام از این عذاب‌ها صورت نپذیرد و وجود مقدّس شمس ولایت بدون هیچ‌گونه مسائلی که پیش بینی شده، طلوع نماید.

امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:

قرار بود ۴۰۰ سال بنی‌اسرائیل در عذاب باشند. هنگامی که عذاب بر بنی‌اسرائیل طولانی شد، ۴۰ روز به درگاه الهی ضجّه و گریه کردند، بعد از آن خداوند متعال به موسی و هارون وحی فرمود: که بنی‌اسرائیل را از ظلم فرعون نجات دهید. پس خداوند ۱۷۰ سال باقی مانده را بخشید.

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند:

شما هم اینچنین گریه و استغاثه کنید تا خداوند امام زمان (عج) را برساند و الا در ظهور تعجیل نخواهد شد.<sup>(۱)</sup>

همانطور که در روایت فوق به آن اشاره شد، ممکن است با دعای دوستان امام زمان (عج) و مظلومان عالم و... تغییر و تحوّل در علائم ظهور، صورت گیرد و ظهور آن بزرگوار زودتر از زمان مقررّ تحقق یابد.

۱- بحار الانوار: ج ۲، ص ۱۳۰، تفسیر عیاشی.

بنابراین با استناد به علائم ظهور که در روایات مختلف به آن اشاره شده، نمی‌توان زمان خاصی برای ظهور تعیین نمود و از سوی دیگر اهلبیت علیهم‌السلام نیز مردم را از تعیین کردن وقت برای ظهور نهی کرده و وقت گذاران را دروغگو نامیده‌اند.

در غیبت شیخ طوسی به سند خود از فضل بن شاذان به سند خود از فضیل آمده است:

از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه‌السلام پرسیدم: آیا این امر را وقتی هست؟

فرمود:

«وقت گذاران دروغ می‌گویند، دروغ می‌گویند، دروغ می‌گویند.»

لازم به توضیح است که همانطور که امام زمان (عج) ابتدا در غیبت صغری به سر می‌برده‌اند و سپس غیبت کبری، برای آن حضرت آغاز شده است، به همین منوال، برای آن بزرگوار ظهور صغرای نیز وجود دارد.

مسائلی را که جزء نشانه‌های ظهور صغری مطرح نموده‌اند می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- ۱- نامگذاری مساجد و مکان‌های مختلف به نام آن حضرت.
- ۲- آشنایی روز افزون مردم با مسائل مربوط به ظهور و معرفت امام زمان (عج).

۳- تشرّفات زیادی که اخیراً شاهد آن هستیم.

در قالب مثال ظهور صغری را می‌توان به روشنائی فجر تشبیه نمود، چرا که در هنگام فجر، آسمان روشن شده و زمین برای آغاز روزی دیگر آماده می‌شود.

بنابراین ظهور صغری مانند طلوع فجر، نزدیک شدن ظهور عمومی و آمادگی برای یاری آن حضرت را به جهانیان مژده می‌دهد،

تا مردم با دلی سرشار از امید، همه سختی‌های قبل از ظهور را پشت سر گذاشته و با سرعتی هر چه بیشتر به سمت بهترین دوران حیات بشری حرکت نمایند.

نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت می‌باشد، این است که مطرح نمودن ظهور صغری و نزدیکی ظهور امام زمان (عج) به این معنی نیست که ما تمام کارهایی را که در جهت کسب روزی حلال و پیشرفت‌های علمی و معنوی است کنار گذاشته و گوشه‌ عزلت اختیار نماییم، بلکه بدین جهت است که چراغ‌های امیدواری در دل دوستان اهل بیت علیهم‌السلام روشن شود تا انشاءالله بتوانند از فتنه آخرالزمان در امان مانده و خود را در هوس‌ها و لذات زودگذر دنیوی غرق نکنند و با دلی مملو از عشق و امید و آرزوی وصال مولای خود و با نیرویی مضاعف در جهت اصلاح خویش و کسب روزی حلال قدم بردارند. حال در این قسمت به بیان روایاتی از ائمه معصومین علیهم‌السلام که در رابطه با علائم ظهور روایت شده می‌پردازیم و از خداوند منان چشم‌پوشی از وقوع علائم ظهور و تعجیل در فرج آن حضرت را مسألت می‌نماییم.

ابتدا به بیان علائمی که جزء علائم حتمی ظهور به شمار رفته‌اند می‌پردازیم.

امام صادق علیه‌السلام در رابطه با علائم حتمی ظهور می‌فرماید:

«مِنَ الْمَحْتُمِ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ قَبْلَ الْقَائِمِ: خُرُوجُ  
السُّفْيَانِي وَ خَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْمُنَادَى مِنَ  
السَّمَاءِ وَ خُرُوجُ الْيَمَانِيِّ!!!».

از نشانه‌هایی که بدون تردید و به طور حتم پیش از قائم (عج) واقع خواهد شد: خروج سفیانی، خسف سرزمین بیدا، قتل نفس

زکّیه، ندای آسمانی و خروج یمانی است.<sup>(۱)</sup>

البته لازم به ذکر است که خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>(۲)</sup>

همانا خداود بر همه چیز قادر است.

بنابراین در حقیقت خداوند بر همه چیز قادر و توانا می باشد و حتی در همین علائم محتومه ممکن است عنایتی نموده و آنها را حذف نماید. امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرمایند:

خداوند از ۱۷۰ سال عذاب بنی اسرائیل قیام نمود. به همان صورت خداوند در عرض یک شب تمام وسائل فرج امام زمان (عج) را فراهم نماید و ممانع فرجش را مرتفع سازد.

امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه می فرمایند:

هر صبح و شام منتظر فرج ما باشید.<sup>(۳)</sup>

یعنی اینکه تمام علائمی که دلیل بر طولانی بودن ظهور امام زمان (عج) می باشد با لطف و عنایت خداوند متعال قابل حذف می باشند. حال برای آگاهی شما عزیزان، از چگونگی این علائم روایاتی را در توضیح آن می آوریم.

### خروج یمانی:

«خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالْخُرَّاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ، وَ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، وَ نِظَامُ كَنْظَامِ الْخَرَزِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا، فَيَكُونُ الْبَأْسُ فِي كُلِّ وَجْهٍ!...»<sup>(۴)</sup>

۲ - سورة بقره: آیه ۲۰.

۱- الزام الناصب: ص ۱۸۱.

۴- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۱۰ و ۲۳۲.

۳ - مکیال المکارم: ج ۲، ص ۲۲۳.



سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج می‌کنند. خروج اینها چون دانه‌های گردنبند به دنبال یکدیگر خواهند بود. هر سو که بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود. کسی که با آنها درافتد بدا به حال او. در میان آنها پرچمی خالص‌تر از پرچم یمانی نیست که پرچم هدایت است و شما را به سوی صاحب‌تان دعوت می‌کند. هنگامی که یمانی خروج کند، فروش اسلحه بر دیگر مردمان را تحریم می‌کند. چون او خروج کند به سوی بشتاب که پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که در برابر او بایستد، هر کس انجام دهد اهل دوزخ می‌شود زیرا او به سوی حق و صراط مستقیم فرامی‌خواند.

همانطور که امام صادق علیه السلام در حدیث فوق، بیان فرموده‌اند، یمانی از زمره شیعیان حضرت علی علیه السلام می‌باشد و بر هر شیعه‌ای واجب است که او را همراهی کرده و از مقابله و جدال با او بپرهیزد، تا انشاءالله به راه حق هدایت یافته و عمل‌مان مورد رضایت امام زمان (عج) قرار گیرد.

### خروج سفیانی

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد چگونگی خروج سفیانی می‌فرمایند:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: السُّفْيَانِيُّ فِي عُمُقٍ دِمَشْقٍ، وَ غَامَّةٌ مِّنْ يَتْبَعُهُ مِنْ كَلْبٍ. فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ وَ يَقْتُلَ الصَّبِيَّانَ. فَيَجْتَمِعُ لَهُمْ قَيْسٌ فَيَقْتُلُهَا حَتَّى لَا يَمْنَعَ ذَنْبَ تَلْعَةٍ وَ يَخْرُجُ رَجُلٌ

مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي الْحَرَمِ...» (۱)

مردی از دل دمشق خروج می‌کند که به او سفیانی می‌گویند و همه پیروانش از نژاد کلب هستند. به قدری خون می‌ریزد که نوبت به شکافتن شکم زنان و سر بریدن کودکان می‌رسد. تیره قیس (مصری‌ها و مراکشی‌ها) در برابرش قیام می‌کنند و همه آنها را به قتل می‌رسانند و کسی نمی‌تواند از خودش دفاع کند. آنگاه مردی از تبار من در حرم خروج می‌کند. این خبر به سفیانی می‌رسد. سفیانی سپاهی برای رو در رویی با او می‌فرستد، چون سپاهیان به سرزمین بیداء می‌رسند، زمین آنها را در کام خود فرو می‌برد که جز گزارشگری از آنها زنده نمی‌ماند.

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا خروج سفیانی حتمی است؟  
حضرت فرمودند:

«نَعَمْ، وَ النَّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا مِنْ الْمَحْتُومِ، وَ اخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ فِي الدَّوْلَةِ مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَحْتُومٌ.» (۲)

آری خروج سفیانی حتمی است، ندای آسمانی حتمی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، درگیری بنی عباس بر سر حکومت حتمی است، قتل نفس زکیه حتمی است و خروج قائم آل محمد علیه السلام حتمی است.

## صیحه آسمانی

امام باقر علیه السلام در مورد چگونگی وقوع صیحه آسمانی چنین می‌فرماید:

«يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ،  
ثُمَّ يُنَادِي إبْلِيسُ فِي آخِرِ النَّهَارِ مِنَ الْأَرْضِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ  
فُلَانٍ وَ شِيعَتِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ»<sup>(۱)</sup>

منادی آسمانی در اول صبح بانگ برمی‌آورد: ای مردمان! آگاه باشید که حق با علی و شیعیان اوست. شیطان در آخر همان روز بانگ برمی‌آورد: حق با فلانی و پیروان اوست. آنجاست که اهل باطل دچار شک و تردید می‌شوند.

همانطور که در روایت فوق بیان شد، در ابتدای روز با شنیده شدن صیحه آسمانی، مومنان حقیقی در برابر این بانگ خاضع می‌شوند و خداوند آنها را روی ایمان راسخ و عقیده حق، ثابت و پابرجا نگاه می‌دارد و در پایان روز با شنیده شدن ندای دوّم شیطان رجیم، آنان که در ایمان خود استوار نیستند دچار شک و تردید می‌شوند و به ندای شیطان لبیک می‌گویند و در چنین روزی است که شیطان آخرین تلاش خود را برای گمراهی مردم به کار می‌گیرد.

انشاءالله به لطف حضرت حق، با شنیدن ندای جبرئیل، ایمانمان محکم و راسخ شده و به ندای شیطان پاسخ ندهیم و در زمره یاران امام زمان (عج) قرار بگیریم.

۱- بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۹۰.

## خسف سرزمین بیدا

حضرت علی علیه السلام در مورد شورش سفیانی و چگونگی وقوع

خسف در سرزمین بیدا می فرمایند:

«فَيُجِشُّ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ وَ يَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَغْرِبِ. فَيَقْتُلُ بِالزُّوْرَا سَبْعِينَ أَلْفًا وَ يَبْقُرُ ثَلَاثِمِئَةَ أَمْرَأَةٍ حَامِلٍ! وَيَخْرُجُ الْجَيْشُ إِلَى كُوفَانِكُمْ هَذِهِ، فَكَمْ مِنْ بَاكِ وَ بَاكِيَّةٍ، فَيَقْتُلُ بِهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ...» (۱)

سپاهی را به سوی مدینه می فرستد و سپاه دیگری نیز به سوی مغرب (مراکش) می فرستد، در بغداد هفتاد هزار نفر می کشد و شکم ۳۰۰ زن حامله را می شکافد و سپاهی را به سوی کوفه می فرستد و همه زن و مرد را گریان می سازد و تعداد زیادی را می کشد... سپاهی که عازم مدینه می شود چون به وسط سرزمین بیداء می رسد جناب جبرئیل بانگ عظیمی بر آن می زند و احدی از آنها زنده نمی ماند و همگی در کام زمین فرو می روند. فقط دو نفر بشیر و نذیر که از لشکر عقب مانده اند زنده می مانند که جبرئیل بر آنها بانگ می زند، خداوند صورت های آنها را به طرف عقب برمی گرداند، آنگاه نذیر به سوی سفیانی برمی گردد تا او را از سرنوشت لشکریانش آگاه سازد.

## قتل نفس زکیه

نفس زکیه لقب جوانی هاشمی است که از تبار حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. او در آغاز شورش سفیانی به مدینه منوره پناه می برد و به دست دوّمین لشکر سفیانی که برای رویارویی با سپاه حضرت مهدی (عج) به مدینه می روند در مکه، میان رکن و مقام ذبح می شود.

پیامبر عظیم الشان ما در استناد این سخن چنین می فرمایند:

«إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تُقْتَلَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ. فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ غَضِبَ عَلَيْهِمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ، فَأَتَى النَّاسَ الْمَهْدِيَّ فَرَفَوْهُ كَمَا تُرْفُّ الْعَرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا لَيْلَةَ عُرْسِهَا!»<sup>(۱)</sup>

مهدی علیه السلام خارج نمی شود تا نفس زکیه کشته شود. چون نفس زکیه کشته شود، ساکنان آسمان و زمین بر آنها غضبناک می شوند، آنگاه مهدی علیه السلام ظهور می کنند و مردم در اطراف شمع وجودش گرد آیند، آن سان که در شب زفاف در اطراف عروس گرد آیند.

حضرت ولی عصر (عج) نیز در توفیق شریفشان به شیخ مفید رحمه الله،

چنین می فرمایند:

«وَ آيَةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوَاثَةِ خَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ مِنْ رِجْسٍ مُنَافِقٍ مُذَمَّمٍ، مُسْتَحِلٌّ لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ! يَعْمَدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ وَ لَا يَبْلُغُ غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ لَهُمْ وَ الْعُدْوَانِ...»<sup>(۲)</sup>

۱- الملاحم والفتن: ص ۱۱۳ و ۱۴۸. ۲- بحار الانوار: ج ۳، ص ۱۷۶.

در این فتنه و آشوب، نشانه‌ای از جنبش و حرکت ما وجود دارد و آن عبارت از رویدادی است که در حرم امن الهی به دست منافقی پلید و تبه‌کار روی می‌دهد، خون حرام را می‌ریزد و بر مؤمنان حيله می‌ورزد ولی به هدف اصلی خود نمی‌رسد، زیرا پشت آنها با دعای ما گرم است که هرگز این دعا از درگاه خدای آسمان بر نمی‌گردد، دل‌های دوستان ما با آن گرم و مطمئن باشد، اگر چه حوادث جانگدازی روی خواهد داد ولی فرجام کار با لطف خدای منان به نیکی پایان خواهد یافت، تا هنگامی که مؤمنان از گناهان پرهیز نمایند.

در کتاب کمال الدین از امام صادق علیه السلام روایت آمده که فرمود:  
 «بین [خروج] قائم آل محمد علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه جز پانزده شب نخواهد بود»

حال در این قسمت به بیان علائمی که جزء علائم حتمی ظهور به شمار نرفته‌اند و حتی تعدادی از آنها تا اندازه‌ای تحقق پیدا کرده است می‌پردازیم:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد علائم ظهور چنین می‌فرمایند:  
 «إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ يَسْمُنُونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَتَمَنَّوْنَ رَحْمَتَهُ وَ يَأْمَنُونَ سَطْوَتَهُ وَ يَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ وَ الْأَهْوَاءِ الشَّاهِيَةِ فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالتَّبْيِذِ وَ السُّحْتَ بِالْهَدِيَّةِ وَ الرَّبَا بِالتَّبْيِيعِ»<sup>(۱)</sup>  
 به راستی این امت به اموال خود گرویده، با دین خود بر

پروردگارشان منت نهاده، به رحمت او امیدوار و از خشم او در امان بوده، با شبهه‌های دروغین و وسوسه‌های خلاف، پای در حریم محرمات می‌گذارند: مشروب را به نام نبیذ، رشوه را به نام هدیه و ربا را به نام داد و ستد، حلال پنداشته؛ می‌خورند.

حضرت رسول ﷺ وقایع دوران ما را چقدر روشن تشریح نموده‌اند، انسان با تأمل در روایت فوق، پی می‌برد که ما همان انسان‌هایی هستیم که در آن دوران به سر می‌بریم، چه بسا معاملاتی در جامعه ما صورت می‌گیرد که رشوه را به نام هدیه، ربا را به نام داد و ستد و مشروب را به عناوین مختلف حلال کرده‌اند و با انجام کوچکترین عملی، بر خدا و خلق خدا منت گذاشته و به راحتی به سمت گناهان تمایل پیدا می‌کنند.

امام صادق علیه السلام از ریاکاری این افراد پرده برداشته و می‌فرمایند:

«إِذَا ضَارَ لِأَهْلِ الزَّمَانِ وَجُوهُ جَمِيلَةٌ وَ ضَمَائِرٌ رَدِيئَةٌ، فَمَنْ رَأَاهُمْ  
أَعْجَبُوهُ وَ مَنْ غَامَلَهُمْ ظَلَمُوهُ!»<sup>(۱)</sup>

مردم آن زمان ظاهری زیبا و آراسته و باطنی پست و پوسیده دارند، هر کس آنها را ببیند دچار شگفت می‌شود ولی چون با آنها معاشرت کند مورد ستم قرار می‌گیرد.

حضرت رسول ﷺ در مورد اسلام ظاهری مردم آخر الزمان می‌فرمایند:

«يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ لَا مِنَ  
الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ. يُسَمَّوْنَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ عَنْهُ. مَسَاجِدُهُمْ

عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِّنَ الْهُدَىٰ! فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فَقَهَاءِ  
تَحْتَ السَّمَاءِ، مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَعُودُ»<sup>(۱)</sup>

بر امت من زمانی پیش می‌آید که از قرآن جز نقش آن و از  
اسلام جز نام آن باقی نباشد، به ظاهر مسلمان نامیده می‌شوند  
در حالیکه بیش از همه مردمان از آن دورند، مساجدشان آباد  
است ولی از هدایت خالیست، فقیهان آن زمان از همه فقهای  
که زیر آسمان کبود است بدترند، فتنه از آنها خارج شده، به  
سوی آنها باز می‌گردد.

از سوی دیگر ائمه معصومین علیهم السلام از بی‌احترامی فرزندان نسبت  
به پدر و مادرشان خبر داده‌اند که در اینجا روایتی را از حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله نقل می‌کنیم:

«يَفْتَرِي الْوَالِدُ عَلَىٰ أَبِيهِ وَ يَدْعُو عَلَىٰ وَالِدَيْهِ وَ يَفْرَحُ  
بِمَوْتِهِمَا»<sup>(۲)</sup>

فرزند به پدرش تهمت می‌زند، بر پدر و مادر نفرین می‌کند و از  
مرگ آنها مسرور می‌شود.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد وضع ظاهری مردان در آخر الزمان  
می‌فرمایند:

«تُحَلِّي ذُكُورُ أُمَّتِي بِالذَّهَبِ وَ يَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ وَ الدِّيْبَاجَ وَ  
يَتَّخِذُونَ جُلُودَ النُّمُورِ. فَهُنَاكَ يَكْثُرُ الْمَطَرُ وَ يَقِلُّ النَّبَاتُ وَ الْخَيْرُ  
وَ تَكْثُرُ الْهَزَاتِ»<sup>(۳)</sup>

مردان امت من با طلا آرایش می‌کنند، حریر و دیبا می‌پوشند و

۲- بشارة الاسلام: ص ۱۳۴.

۱- روزگار رهایی: ص ۷۹۳.

۳- منتخب الاثر: ص ۴۳۱.



از پوست پلنگ برای خود جامه درست می‌کنند، در چنین زمانی باران بسیار می‌بارد ولی خیر و برکت کم می‌شود و زلزله فراوان می‌گردد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

«وَيُعَيِّرُ الرَّجُلُ عَلَى صَوْنِ النِّسَاءِ!»،<sup>(۱)</sup>

مرد را برای پوشیده نگه داشتن همسرش سرزنش می‌کنند!

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف زنان آخرالزمان، می‌فرمایند:

«إِذَا شَارَكَتِ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصاً عَلَى الدُّنْيَا»،<sup>(۲)</sup>

هنگامی که زن‌ها برای طمع دنیا در داد و ستد همسرانشان شرکت کنند.

امام صادق علیه السلام در رابطه با وضعیت شهر تهران در زمان قبل از ظهور می‌فرمایند:

«... تُصْبِحُ طِهْرَانُ قُصُورَهَا كَقُصُورِ الْجَنَّةِ وَ نِسْوَانُهَا كَالْحُورِ الْعَيْنِ، يَتَلَبَّسْنَ بِلِبَاسِ الْكُفَّارِ وَ يَتَزَيَّنْنَ بِزِيِّ الْجَبَابِرَةِ. يَرْكَبْنَ السُّرُوجَ وَ لَا يَتَمَكَّنَنَّ لِأَزْوَاجِهِنَّ! وَ لَا تَكْفِي مَكَاسِبُ الْأَزْوَاجِ لَهُنَّ! فِرُّوا مِنْهَا إِلَى قُلَّةِ الْجِبَالِ وَ مِنَ الْجُحْرِ إِلَى الْجُحْرِ كَالثَّغْلَبِصِ بِأَشْبَالِهِ!!!»<sup>(۳)</sup>

تهران به حدی می‌رسد که کاخ‌هایش چون کاخ‌های بهشتی شود و زنانش چون حورالعین باشند، جامه کافران را بپوشند، خود را به شکل مستکبران درآورند، بر زین‌ها سوار شوند، به

۲- الزام الناصب: ص ۱۸۲.

۱- روزگار رهایی: ص ۷۴۴.

۳- منتخب الاثر: ص ۴۳۰.

همسران خود تمکین نکنند، و درآمد شوهرانشان آنها را کفاف ندهد! از آنها به قلّه کوهها فرار کنید و همانند روباهی که بچه‌های خود را برداشته‌اند از لانه‌ای به لانه‌ای می‌گریزند، کودکان خود را برداشته، از پناه‌گاهی به پناه‌گاهی دیگر بگریزید!!!»

بسی جای تأسف است که در کشور شیعه و در چنین موقعیتی که با موهبت الهی و الطاف اهل بیت علیهم‌السلام کشورمان به عنوان مرکز اسلام شناخته شده، چنین فجایع دردناکی را شاهدیم. امیدواریم که با لطف و عنایت خداوند متعال، امام زمان (عج) ظهور نموده و ما را از این وضع تأسف‌بار برهانند.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد علمای این عصر و سلب علم از مردم، می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنْزِعُ الْعِلْمَ بَعْدَ أَنْ أَعْطَاكُمْوهُ إِنْتِرَاعاً وَ إِنْمَا يَنْزِعُهُ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ، فَتَبْقَى نَاسٌ جُهَالٌ، يُسْتَفْتُونَ فَيُفْتُونَ بِرَأْيِهِمْ فَيَضِلُّونَ وَ يُضِلُّونَ»<sup>(۱)</sup>.

خداوند علم و دانشی که به شما داده از شما سلب نمی‌کند، بلکه از طریق رحلت علمای ربّانی، این علم از میان شما رخت برمی‌بندد و گروهی نادان برای شما می‌ماند، از آنها فتوا می‌پرسید و آنها با رأی خود برای شما فتوا می‌دهند، خود گمراه شده، شما را نیز گمراه می‌کنند.

همانطور که در روایت فوق آمده در چند دهه اخیر شاهد، شهادت

یا درگذشت علمای ربّانی بوده‌ایم که وجودشان مانند نوری، دنیای تاریک دل‌ها را روشن کرده و حقایق و معارف هستی را برای مؤمنین بیان می‌کردند.

امیرالمؤمنین علیه السلام اوضاع آخرالزمان و وضعیت کشور عراق را چنین توصیف می‌نمایند:

«... وَ ذَهَبَ الْعِفَافُ وَ اسْتَحْوَذَ الشَّيْطَانُ وَ حَكَمَتِ النِّسْوَانُ وَ فَدَحَتِ الْحَوَادِثُ وَ نَفَثَتِ النَّوَافِثُ وَ هَجَمَ الْوَاثِبُ وَ عَبَسَ الْعَبُوسُ وَ أَجْلَبَ النَّامُوسُ وَ يَفْتَحُونَ الْعِرَاقَ وَ يُجْمَعُونَ الشَّقَاقَ بِدَمٍ يُرَاقُ»<sup>(۱)</sup>.

او هنگامی ظاهر می‌شود که حقیقت‌ها کم‌ارج شود و دنباله‌روها از نابخردان پیروی کنند، پشت‌ها سنگین شوند، حوادث پیاپی واقع شود، عرب‌ها دچار اختلاف شوند، اشتیاق به ظهور مصلح هر لحظه افزون گردد و خویشان داری از جامعه رخت بریندد و... شیطان بر همگان چیره شود، زن‌ها فرمانروایی کنند، حوادث جانکاه و کمرشکنی روی دهد، شکافنده‌ها بشکافند و پیش بتازند، تیر پروازان حمله کنند، دنیا روی ترش کند، راز داران خیانت پیشه همرازان را لو دهند، عراق را فتح کنند و اختلافی را با خون‌ریزی پاسخ گویند.

امام زمان (عج) در توقیع شریفشان که به افتخار شیخ مفید رحمته الله صادر شده در مورد حوادثی که در آخرالزمان رخ خواهد داد فرموده‌اند:

«فَقِفْ أَمَدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا

نَذْكُرُهُ وَاعْمَلْ فِي تَأْدِيتِهِ إِلَى مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ.

نَحْنُ وَ إِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ، حَسَبَ  
الَّذِي أَرَانَا اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ، وَ لِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي  
ذَلِكَ مَا دَامَتِ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ... وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْبَلَاءُ وَ  
اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَا عَلَى  
إِتْيَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدَقَ أَنْفَاتِ عَلَيْكُمْ، يَهْلِكُ فِيهَا مَنْ حُمَّ أَجَلُهُ وَ  
يُحْمَى عَلَيْهِ مَنْ أَدْرَكَ أَمَلُهُ وَ هِيَ إِمَارَةٌ لِأَزْفِ حَرَكَتِنَا وَ مُبَاتَّتِكُمْ  
بِأَمْرِنَا وَ نَهْنِينَا وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...»<sup>(۱)</sup>

به آنچه تذکر می‌دهیم توجه کن، طبق آن عمل کن و به هر کس  
از افراد مورد اعتماد دسترسی پیدا کنی، مضمون آن را بازگو کن.  
اگر چه ما در جای مخصوصی به دور از جایگاه ستمگران  
سکنی گزیده‌ایم، که خداوند مصلحت ما و شیعیان ما را در این  
دیده است که تا هنگامی که حکومت جهان به دست ستمکاران  
است این چنین باشیم، ولی به اخبار شما آگاهی داریم و چیزی  
از اخبار شما از ما پوشیده نیست از نابسامانی‌هایی که بر شما  
عارض شده آگاهییم، این نابسامانی‌ها از هنگامی آغاز شد که  
گروهی از شما دست به کارهایی زدند که سلف صالح از آنها به  
دور بودند، پیمانی را که خداوند از آنها گرفته، پشت سر  
انداختند، گویی از این پیمان هیچ اطلاعی ندارند!

ما شما را رها نکرده‌ایم و یادتان را از خاطر نبرده‌ایم، و گرنه  
دشواری‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را لگدمال

می‌کردند. از خداوند بزرگ تقوی کنید و ما را در رفع گرفتاری‌هایی که بر شما فرود آمده یاری کنید. این فتنه که هر کس اجلس فرارسیده در آن نابود می‌شود و هر کس به آرزویش رسیده از آن جان سالم بدر می‌برد، نشانه نزدیک شدن نهضت ما و تلاش شما در اجرای اوامر و نواهی ما می‌باشد، خداوند نور خود را کامل می‌گرداند، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.

خود را به وسیله تقیه از آتش فتنه‌ای که انگیزه‌های جاهلی آنها برافروخته و تعصب‌های نژادی اموی آن را شعله‌ور ساخته، و قوم هدایت یافته‌ای را به وحشت انداخته، نگاه دارید. من ضامن نجات کسی هستم که خود را در این ورطه به هلاکت نیندازد و برای فرار از آن راهی خداپسندانه برگزیند. چون ماه جمادی الاولی از همین امسال فرا رسد، از حادثه‌ای که در آن روی می‌دهد عبرت بگیرید و برای حوادث بعدی خود را مهیا سازید و از خواب گران برخیزید.

به زودی نشانه‌ای بزرگ در آسمان برای شما پدیدار می‌شود و آنگاه نشانه‌ای بزرگ در زمین آشکار می‌شود و در مشرق زمین حوادثی جانکاه روی می‌دهد که موجب تأثر و اضطراب می‌شود. سپس گروه‌هایی منحرف از اسلام بر عراق تسلط می‌یابند و با کردارهای زشت خود موجب کمبود ارزاق در عراق می‌شوند. سپس با هلاکت طاغوتی از طواغیت این فاجعه برطرف می‌شود و نیکان پرهیزکار از هلاکت او شاداب می‌شوند.

آنگاه کسانی که از راه‌های دور و دراز به حج می‌روند به تمام

اهداف خود می‌رسند و با موفقیت برمی‌گردند. ما نیز در راه اندازی کار آنها و ایجاد تسهیلات در سفر روحانی آنها برنامه‌ای داریم که بر اساس نظام خاصی به آنها می‌رسد. بنابراین هر یک از شما باید طوری رفتار کند که به محبت و ولایت ما نزدیک‌تر شود و از هر چیزی که خوشایند ما نیست و موجب غضب ما می‌شود دوری کند، که فرمان ظهور ما ناگهانی و بدون مقدمه فرا می‌رسد، که دیگر توبه سودی ندارد و پشیمانی از گناه دردی را دوا نمی‌کند و از چنگال عدالت رهایی نیابند.

خداوند راه رشد و هدایت خود را بر شما بیاموزد و با رحمت واسعة خود شما را مورد توجه و عنایت خود قرار دهد.

با خواندن این توقیع شریف کمال لطف و مرحمت مولایمان را، نسبت به یارانش می‌بینیم، آن حضرت چگونگی رفتار شیعیان را در این دوره مشخص کرده‌اند و خود را ضامن نجات کسی دانسته‌اند که در ورطهٔ هلاکت نیافتد و برای فرار از آن راهی خداپسند انتخاب کند. مولایمان در فرازی از سخنان گوه‌بارشان به فتح عراق توسط گروه‌های منحرف و هلاکت طاغوتی از طاغوتیان اشاره کرده‌اند.

امیدواریم، این علائم و آشوبی که ذکر گردید، همان نشانه‌های عصر ما و آشوبی که فعلاً در عراق پیش آمده باشد. انشاءالله با لطف و عنایت خداوند و بیداری مردم، در بقیهٔ علائم غیر حتمی ظهور بداعی حاصل شود و ظهور آن حضرت به زودی تحقق یابد.

### اهتمام ورزیدن جهت خدمت به امام زمان (عج)

با توجه به مطالبی که در بخش‌های قبلی مطرح شد، لزوم اهتمام ورزیدن در جهت خدمت به امام زمان (عج) برای هر انسان عاشقی

احساس می‌شود. از این رو دلسوختگان حضرتش باید در حدّ توان خود از هر تلاش و کوششی که باعث تعجیل در فرج آن امام همام شود، کوتاهی نکنند تا خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام را از اعمال خود راضی نمایند.

در اینجا قصد داریم نمونه‌ای از وظایف شیعیان را که در جهت خدمت به آن حضرت برای تعجیل در فرج ایشان می‌باش، بیان کنیم، به امید اینکه، انشاءالله خداوند توفیق عمل به این تکالیف را به ما عنایت فرموده و قلب مولايمان را از ما خشنود سازد.

#### ۱- دعوت مردم به آن حضرت

متأسفانه با کمی تأمل در دنیای فعلی به این مطلب پی می‌بریم که دل‌های مردم، به جای اینکه به اصل و حقیقت دین، یعنی خداوند باریتعالی و اهل بیت علیهم‌السلام، مخصوصاً امام زمان (عج) معطوف باشد، به ظواهر دنیوی و مسائل متفرقه دینی مشغول شده است، به عنوان مثال، همانطور که در روایات نیز آمده، در آخر الزمان مردم حقیقت قرآن (اهلبیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام) را کنار می‌گذارند و به ظواهر آن توجه می‌کنند و فکرشان را در الفاظ آن سیر می‌دهند.

پس، از وظایف مهمی که بر تمامی شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم‌السلام واجب است، معرفی آن حضرت به عنوان تنها مصلح و تنها محبوبی که معدن علم و أسوه کامل صفات الهی است، می‌باشد.

وظیفه دیگری که به عهده ما می‌باشد این است که وقتی در جمعی قرار می‌گیریم، به یاد آن حضرت باشیم و از فضایل و مناقب و احادیث ایشان سخن بگوییم، تا مردم معرفت و محبتشان نسبت به آن حضرت بیشتر شده و در جهت رسیدن به وصال قطب عالم هستی مسیر زندگی خود را تنظیم نمایند.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

خداوند رحمت کند بنده‌ای که ما را نزد مردم محبوب نماید و ما را در معرض دشمنی و کینه توزی آنان قرار ندهد، همانا به خدا سوگند اگر سخنان زیبای ما را برای مردم روایت می‌کردند به سبب آن عزیز می‌شدند و هیچ کس نمی‌توانست بر آنان وصله‌ای بچسباند ولی یکی از آنان کلمه‌ای را می‌شنود، سپس ده تا از پیش خود بر آن می‌افزاید. (۱)

حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام در فضیلت تشویق و هدایت مردم به این عمل پسندیده می فرمایند:

هر کس از شیعیان ما شریعت ما را بداند و ضعفای از شیعیانمان را از تاریکی جهل و نادانیشان به نور علمی که ما به او داده‌ایم بیرون برد، روز قیامت در حالی خواهد آمد که بر سرش تاجی از نور باشد که بر تمام اهل آن عرصات می‌درخشد و زیوری بر او باشد که کمترین تار آن از دنیا و آنچه در آن هست ارزشمندتر است. (۲)

وظیفه دیگر ما در جهت دعوت مردم به دین واقعی و امام زمان (عج)، عمل و رفتار ما می‌باشد چرا که یاد اهل بیت علیهم السلام با ذکر فضایل و روایات به تنهایی مؤثر نیست، بلکه عمل صحیح مکمل آن می‌باشد. زیرا زمانی که عالمی، عمل نداشته باشد همچون زنبور بی عسل می‌ماند که تلاشش سودی به صاحب او نمی‌بخشد.

امام صادق علیه السلام در این مورد می فرمایند:

با غیر زیانتان دعوت کننده مردم باشید [یعنی با اعمالتان].



## ۲- ایجاد محبت آن حضرت در بین مردم

محبت اهل بیت علیهم السلام مایه حیات و تکاپوی روح و فطرت بشر می باشد و ایجاد محبت این بزرگواران در پیکره بی روح جامعه باعث بیداری و حیات حقیقی و خوشبختی آن و در نتیجه رهایی مولایمان از دریای بیکران غربت و مظلومیت می باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

هر کس دوست می دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، باید که ولایت حجت صاحب الزمان منتظر را دارا گردد، سپس اینان چراغ‌هایی در تاریکی و امامان هدایت و نشانه‌های تقوا هستند، هر کس آنان را دوست بدارد ولایتشان را دارا شود، من برای او ضمانت می‌کنم که خداوند او را به بهشت خواهد برد. (۱)

زمانی که این کیمیای محبت، در دل مردم وارد شود، آن زمان باید منتظر ظهور و رسیدن به وصال محبوب باشیم، و این محبت حاصل نمی‌شود مگر با معرفت نسبت به آن بزرگواران و عمل به آن معارف. خداوند دلی ده آتش افروز

که در آن دل همه عشق و آتش و سوز

هر آن دل را که عشق نیست، دل نیست

دل آشفته غیر از آب و گل نیست

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چگونه این محبت را بین مردم ایجاد کنیم و آنها را به سمت مولا و تنها نجات دهنده‌شان سوق دهیم؟

اینجاست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چگونگی ایجاد محبتشان در بین

مردم را اینگونه بیان فرموده‌اند:

خدای عزّ و جلّ به داوود عليه السلام وحی فرمود که: مرا دوست بدار  
ونزد خلقم محبوب ساز، داوود گفت: پروردگارا من تو را  
دوست دارم، پس چگونه تو را نزد خلقت محبوب گردانم؟  
فرمود: نعمت‌هایم را نزد آنان یاد کن، پس هرگاه آنها را نزد  
ایشان یادآور شدی مرا دوست خواهند داشت. (۱)

روایت فوق مؤید این روایت است که می‌فرمایند:

«الانسانُ عبید الاحسان» (۲).

انسان بنده احسان است.

انسان به طور فطری به گونه‌ای خلق شده که در مقابل احسان  
کننده، خاضع شده و چون بنده‌ای در مقابل مولایش می‌شود. اگر  
شخصی به ما احسان کند، نسبت به ما حقی پیدا می‌کند و محبتش در  
دل ما جا می‌گیرد. ما نیز به طور فطری از او قدردانی می‌کنیم و در حد  
توان سعی می‌کنیم، احسان او را جبران کنیم.  
حال اگر آن احسان از جانب یگانه محبوب هستی باشد، چه باید  
کرد!

اگر آن شخص مولای مهربانی چون امام عزیزمان باشد چه!  
او کسی است که، به برکت وجود او همه موجودات از نبات و  
حیوان و انسان و... کسب روزی می‌کنند و حیاتشان بقا پیدا می‌کند.  
«يُؤْتِيهِمُ الرِّزْقَ الْوَرِي وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتِ الْاَرْضُ وَ السَّمَاءُ» (۳).  
تمام عالم از خوان احسان او روزی می‌خورند و زمین و آسمان  
به برکت وجود او پابرجاست.

۱- مکیال المکارم: ج ۲، ص ۲۰۰. ۲- بحار الانوار: ج ۷۱، ص ۱۱۷.

۳- مفاتیح الجنان: دعای عدیله.

از این رو آن حضرت چون صاحبخانه کریم است که از هیچ لطف و عنایتی دریغ نکرده و پیوسته در جهت سعادت جامعه بشری متحمل رنج‌های فراوان می‌شود.

حال آیا در مقابل نیکی نباید خوبی نمود؟

آیا نباید حق صاحب‌خانه را به جا آورد؟

«هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»

آیا پاداش نیکی جز نیکی است.

آری! واقعاً باید در برابر نیکی و احسان جواب را با نیکی و احسان داد.

حال چگونه این همه لطف و عنایت امام زمان (عج) را پاسخ گوئیم؟

پاسخ این سؤال را علاوه بر وظایفی که گفته شد می‌توان در کلام گهربار حضرت رسول ﷺ یافت که می‌فرمایند:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...»<sup>(۱)</sup>

بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید.

بنابراین حداقل کاری که می‌توانیم در مقابل این همه لطف اهل بیت ﷺ انجام دهیم، تقدیم عشق و محبت خود به آن بزرگواران و عمل به فرمایشاتشان می‌باشد. به این امید که دل‌مان را از محبت غیر دوست، تهی نموده و خالصانه تقدیم مولایمان نماییم.

از سوی دیگر، وقتی به عشق‌های مجازی می‌نگریم، متوجه می‌شویم، تنها چیزی که عاشق را به سمت معشوق می‌کشاند، صفات حسنه و پسندیده اوست. لذا، نهایت کمال را در معشوقش

می بیند و به او عشق می ورزد.

حال، اگر انسان‌ها بدانند که امام زمان (عج) تنها مظهر تمامی صفات حسنه و نیکی‌ها و زیباییهاست، ناخودآگاه به سمت آن بزرگوار گرایش پیدا کرده و از هرچه غیر اوست جدا می‌شود. لذا وظیفه ما این است که امام زمانمان را به عالمیان معرفی نماییم تا بدانند که او چه گوهر گرانبهایی است که در میان ماست ولی ما از او غافلیم. انشاءالله با معرفت به حقیقت اهلبیت علیهم‌السلام بیدار شده و با عشق مولایمان در راه رسیدن به وصال او گام برداریم.

### ۳- تسلیم بودن، تعجیل نکردن در امر فرج و تکذیب وقت گزاران

عبد الرحمن بن کثیر می‌گوید: در محضر امام صادق علیه‌السلام بودم که مهزم بر او وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم، خبر ده مرا از این امری که منتظرش هستیم که کی خواهد بود؟ امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

ای مهزم وقت گزاران دروغ می‌گویند و عجله‌کنندگان هلاک گردند و تسلیم شدگان نجات یابند.

شاید علت اینکه امام علیه‌السلام فرموده عجله‌کنندگان هلاک گردند، این باشد که اگر کسی در این امر تعجیل نماید و این امر به طول انجامد به احتمال زیاد ممکن است آن شخص منکر ظهور امام زمان (عج) شده و ناامید گردد که در این صورت جزء هلاک شدگان می‌شود.

از علل دیگری که می‌توان دلیل بر نهی تعیین زمان ظهور دانست، این است که اگر به عنوان مثال زمان ظهور را یک سال یا پنج سال دیگر پیش بینی کنیم، این عمل باعث ناامیدی و از بین رفتن روح انتظار در اقشار مختلف مردم و در نتیجه غفلت، از وجود با برکت آن بزرگوار، در این مقطع زمانی خواهد شد. از این رو باید هر صبح و شام

و هر لحظه منتظر فرج آن بزرگوار باشیم.  
 به این امید که خداوند متعال به لطف و کرمش، با چشم پوشی از  
 علائم ظهور از باقی مانده غیبت آن حضرت صرفنظر کرده و فرج  
 بابرکت امام زمان (عج) را برساند.

امام صادق علیه السلام در رابطه با انتظار دائمی فرج می فرمایند:

«و انتظر الفرج صباحاً و مساءً»<sup>(۱)</sup>

صبح و شام در انتظار فرج و ظهور باش.

۴- مقدم داشتن خواسته آن بزرگوار بر خود و صدقه دادن به نیابت از آن حضرت  
 همانگونه که گفته شد، یکی از مسائلی که باید در جان و دل تمام  
 مسلمانان و شیعیان وجود داشته باشد، ابراز محبت و عشق نسبت به  
 اهلبیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد، تا بدین وسیله محبت و  
 علاقه خود را به خداوند متعال نشان داده و موجب تقربشان نزد  
 خداوند باریتعالی شود. در تأکید این مطلب، روایات فراوانی از  
 اهلبیت علیهم السلام به دست ما رسیده است، که به بیان تعدادی از آنها  
 می پردازیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه می فرمایند:

هیچ بنده ای ایمان نیاورد تا اینکه من نزد او از خودش  
 محبوب تر باشم و خاندانم از خاندان خودش نزد او محبوب تر  
 باشند و عترت من نزد او از عترت خویش محبوب تر باشند و  
 ذات من از ذات خودش نزد او محبوب تر باشد.<sup>(۲)</sup>

۱- صحیفه مهدیه: ص ۹۸.

۲- مجالس شیخ صدوق: ص ۲۰۱.

شیخ اجل علی بن طاووس رحمته الله نیز در کتاب کشف المحجّة، فرزندش را به انجام اموری که مربوط به آداب و وظایف او نسبت به مولایمان، صاحب الزمان (عج) است، سفارش و امر کرده، تا آنجا که گفته:

پس در پیروی و وفاداری و تعلق خاطر و دلبستگی نسبت به آن حضرت عليه السلام به گونه‌ای باش که خداوند و رسول او صلی الله علیه و آله و سلم و پدران آن حضرت و خود او از تو می‌خواهند و حوائج آن بزرگوار را بر خواسته‌های خود مقدم بدار، هنگامیکه نمازهای حاجت را به جا می‌آوری. و صدقه دادن از سوی آن جناب را پیش از صدقه دادن از سوی خودت و عزیزانت قرار ده و دعا برای آن حضرت را مقدم بدار بر دعا کردن برای خودت و نیز در هر کار خیری که مایه وفای به حق آن حضرت است، آن بزرگوار را مقدم بدار، که سبب می‌شود به سوی تو توجه فرماید و به احسان تو احسان نماید... (۱)

لذا باید در کارهای روزانه خود توجه داشته باشیم که، کاری که می‌خواهیم انجام دهیم با خواسته امام زمان (عج) مطابقت دارد یا نه، اگر بر خلاف خواسته آن حضرت بود، آن عمل را انجام ندهیم و اگر مورد رضایت حضرتش بود به انجام آن مبادرت ورزیم. علاوه بر این در دعاهایمان، حاجات آن حضرت، که ظهور وجود مبارکشان و رهایی مسلمانان از مصائب و مشکلات و... است را مقدم بر حاجات

خود بداریم.

در روایتی دیگر، منصور بزرگ نقل نموده:

«به حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: ای آقای

من، چرا از شما یاد سلمان فارسی را زیاد می شنوم؟

فرمود: نگو سلمان فارسی، بلکه بگو، سلمان محمدی صلی الله علیه و آله.

آیا می دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟

عرض کردم: نه!

فرمود برای سه صفت، یکی مقدم داشتن خواسته امیر

مؤمنان علیهم السلام بر خواسته خودش. دوم، دوست داشتن فقرا و

برگزیدن آنها بر اهل ثروت و مکت، و سوم، دوست داشتن علم

و علما، همانا سلمان بنده صالح درستکار مسلمانی بود و از

مشرکین نبود. (۱)

پس ای دوستان بیایید تا خواسته مولای خود را بر خواسته های

خودمان مقدم بدانیم و نکاتی را که در حدیث فوق یاد شد در وجود

خود پیاده نماییم تا به سعادت دنیوی و اخروی نائل شویم.

تاکی غم دنیای دنی، ای دل دانا

حیف است ز خوبی، که شود عاشق زشتی

با توجه به روایات فوق، درمی یابیم که تقدّم خواسته امام زمان

(عج) بر خواسته خود و صدقه دادن برای آن بزرگوار و تقدیم تمام

عشق و محبت خود به آن بزرگوار و چیزهایی که به آن حضرت

منسوب می‌باشند، یکی از تکالیفی است که بر عهده تمامی مسلمانان می‌باشد.

خوانندگان گرامی و دوستان عزیز! بیایید با هم عهد ببندیم که با تقدیم تمام عشق و محبت خود به امام زمان (عج) و مقدم داشتن خواسته آن حضرت به خواسته خود و با صدقه دادن جهت سلامتی و ظهور مولایمان باعث خوشحالی و رضایت و تعجیل در فرج آن امام عزیز شده و بدین وسیله، رضایت خداوند متعال را بدست آوریم.

جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم

این متاعی است که هر بی‌سروپایی دارد

##### ۵- پیوسته به یاد آن حضرت بودن

آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر این مطلب دلالت دارد که امام زمان (عج) ناظر و شاهد تمامی اعمال ما هستند و نسبت به گناهان و اعمال شایسته بندگان به طور کامل آگاهی دارند.

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

و (ای رسول ما) بگو به خلق که هر عمل کنید (نیک یا بد) خدا آن عمل را به شما می‌نماید و هم رسول و مؤمنان بر آن آگاه می‌شوند.

درک این مطلب که امام زمان (عج) بر عملکرد انسان‌ها ناظر



می باشد، هر کسی را ملزم می کند که شرایط ادب و احترام را نسبت به امام زمانش به جا آورده و از هرگونه عملی که با خواسته و رضایت آن حضرت مغایرت داشته باشد، خودداری نماید.

زمانی که شخصی نابینا در مقابل زمامداری قرار می گیرد، با وجود اینکه قادر به دیدن او نیست، ولی تمام شرایط ادب و احترامی که لازمه شأن و مقام آن زمامدار است به جا می آورد و سعی می کند، حقوقی را که آن شخص برگردن او دارد رعایت کند.

همینطور انسان هایی که در دوران غیبت ولی خود به سر می برند نیز باید همانند کسی که در حضور امام زمان خویش قرار دارد، شرایط ادب و احترام را نسبت به مولای خود به جا آورند.

پس باید سعی کنیم به لطف حضرتش همیشه به یاد آن بزرگوار بوده و خود را در محضر قبله عالم - امام زمان (عج) - بدانیم تا این احساس حضور، ما را از بی ادبی و بی احترامی نسبت به آن حضرت دور نماید.

تداوم داشتن بر این حالت معنوی موجب می شود که انسان پیوسته به یاد آن حضرت بوده و از ارتکاب اعمالی که منجر به ناراحتی و اساعه ادب نسبت به آن حضرت می شود، خودداری نموده و روز به روز و لحظه به لحظه قُربش به خداوند متعال و آن بزرگوار بیشتر شود.

از شرایط دیگر حفظ ادب در قبال آن پیشوای هستی، خاشع بودن بدن در مقابل ایشان می باشد.

امام صادق علیه السلام در مناجات خود می فرمایند:

بار خدایا من به درگاه تو تقرب می‌جویم با دلی خاضع و به  
سوی ولایت با بدنی فروتن و به امامان هدایت‌کننده با قلبی  
متواضع....

از آنجایی که اعمال و رفتار و گفتار اهل بیت علیهم‌السلام برای ما به عنوان  
اسوه و الگو می‌باشد، لذا با توجه به کلام امام صادق علیه‌السلام باید با  
داشتن دلی خاضع و بدنی فروتن در مقابل امام زمان (عج) خویش به  
خداوند باریتعالی تقرب پیدا کرده و از سوی دیگر به یکی از وظایف  
خود جامعه عمل بپوشانیم.

شب گر رخ مهتاب نبیند سخت است

لب تشنه اگر آب نبیند سخت است

ما غلام و ارباب تویی مهدی جان

غلام، رخ ارباب نبیند سخت است

عـ احترام کردن به نزدیکان و منسوبین آن حضرت

سادات، شیعیان، علماء دین، اماکن مقدّس و هر جایی که  
امام علیه‌السلام در آنجا اقامت داشته را می‌توان در زمره منسوبین امام زمان  
(عج) به شمار آورد.

با قدری تأمل در روابط بین مردم، به وضوح درمی‌یابیم که احترام  
به نزدیکان و خویشان و چیزهایی که بی‌واسطه یا با واسطه به  
شخصی منسوب است، در واقع احترام به آن شخص نیز محسوب  
می‌شود. از این رو شناخت نزدیکان و منسوبین امام زمان (عج) و

احترام به آنها به نوبه خود، نشانگر احترام ما به آن حضرت می باشد و هر گونه بی احترامی و هتک حرمت آنها، در واقع بی احترامی به امام زمان (عج) بوده و حرام می باشد.

بنابراین لازم است که منسوبین امام زمان (عج) را شناخته و به آنها احترام نماییم و بدین وسیله به یکی از تکالیف خود در قبال آن حضرت عمل کرده و خداوند متعال را از خود راضی نماییم.

همانگونه که در مطالب فوق بیان شد سادات، بندگان صالح، مؤمنین، علماء و کسانی که به هر طریقی به آن حضرت مربوط می شوند، جزء نزدیکان و منسوبین آن حضرت به شمار می روند و شایسته احترام و تجلیل می باشند. در تأیید مطالبی که بیان شد، روایتی را از امام موسی بن جعفر علیه السلام ذکر می کنیم:

حضرت می فرمایند:

کسی که نمی تواند ما را زیارت نماید، پیروان صالح ما را دیدار کند، که ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود و هر کس نمی تواند ما را صیله کند، پس نیکان پیرو ما را صیله نماید، برای او ثواب صیله ما نوشته می شود. (۱)

در جای دیگری امام صادق علیه السلام می فرمایند:

کسی از شما نپندارد که چنانچه مؤمنی را شاد و مسرور نماید، تنها او را شادمان کرده، بلکه و الله ما را خوشحال ساخته، بلکه سوگند به خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله را خوشحال نموده است. (۲)

۱- کامل الزیارة: باب ۱۰۵، ص ۳۱۹. ۲- اصول کافی: ج ۲، ص ۱۸۹.

مطالب زیادی در مورد چگونگی احترام به نزدیکان و منسوبین آن حضرت بیان شده، که ما به طور خلاصه به بیان تعدادی از آنها می پردازیم. (۱)

یکی از ابعاد احترام به نزدیکان آن حضرت، صلّه و نیکی کردن از طریق مال و ثروت می باشد، به این صورت که اگر متوجه نیازهای آنها شدیم در حدّ توان نیاز آنها را رفع نماییم، اگر قرضی دارند آن را ادا کنیم، اگر قرضی نسبت به ما دارند از آن گذشت کرده یا در دریافت آن تعجیل نکنیم....

در این رابطه، امام صادق علیه السلام می فرمایند:

صِلَةُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى مِنْ أَمْوَالِ الْتَانِ وَأَمَّا مَكْذَارُ الْغَنِيِّ، هَر كَسٍ غَنِيٍّ  
 اسْتَبَدَّ بِمَقْدَارِ مَكْنَتِهِ وَهَر كَسٍ فَاقِرٍ اسْتَبَدَّ بِمَقْدَارِ فَقْرِهِ،  
 پس هر کس می خواهد خداوند مهمترین حاجتش را نسبت به  
 او بر آورد، باید که آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و شیعیان شان را به آنچه از  
 همه بیشتر به آن نیاز دارند صلّه نماید. (۲)

بعد دیگر احترام به نزدیکان آن حضرت رفع شبهات و سوالات دینی آنها می باشد، چرا که با این کار، باعث هدایت و سعادت و رهایی از چنگال فنا و نیستی فردی از افرادی که از منسوبین آن حضرت می باشد، شده ایم.

اهلبیت عصمت و طهارت علیهم السلام، چنین صلّه ای را ستوده و در رابطه با اجر معنوی آن مطالب زیادی را بیان کرده اند که در اینجا به روایتی از امام حسین علیه السلام اکتفا می نماییم.

۱- برای کسب مطالب کامل تر به کتاب مکمال المکارم، ج ۲ مراجعه نمایید.

۲- بشارة المصطفی: ص ۶.

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

هر کس یکی از یتیمان ما که به خاطر اینکه دوست داشته‌ایم مخفی بمانیم از ما جدا گردیده را کفالت کند، و از علوم ما که بدستش افتاده به او برساند تا اینکه هدایتش نماید، خدای تعالی به او فرماید: ای بنده کریم مواسات کننده، من به این گرم سزاوارترم، ای فرشتگان من در بهشت برای او به شماره هر حرفی که تعلیم نموده یک میلیون کاخ قرار دهید و آنچه شایسته آن کاخ‌ها است از سایر نعمت‌ها بر او بیفزایید.<sup>(۱)</sup>

از جمله مواردی که جزء منسوبین امام زمان (عج) به شما می‌رود و لزوم احترام آنها نزد اهل بیت علیهم السلام و علما، ثابت گشته، اما کنی است که به آن حضرت منسوب می‌باشند. از این رو اماکن مقدسی چون، مسجد جمکران، مسجد کوفه، سرداب مقدس سامرا، و... که به قدم مبارک امام زمان (عج) زینت یافته و آن حضرت در آن اماکن اقامت داشته‌اند، لازمه تکریم و احترام می‌باشند.

خداوند متعال در رابطه با ارزش یافتن اماکن به واسطه وجود بابرکت اهل بیت علیهم السلام در آنها، می‌فرماید:

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ﴾<sup>(۲)</sup>

در خانه‌هایی که خداوند امر فرموده که رفعت یابند و در آنها نام خدا یاد گردد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه فوق را قرائت کرد، مردی برخاست و عرضه داشت، این کدام منزل‌ها است ای رسول خدا؟

۱- مکیال المکارم: ج ۲، ص ۳۹۳. ۲- سوره نور: آیه ۳۶.

آن حضرت فرمود: منزل‌های پیامبران.  
 شخص دیگری عرضه داشت: یا رسول الله این بیت از آنهاست؟ -  
 و به خانه علی و فاطمه علیهم‌السلام اشاره نمود. -

حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: آری از بهترین آنهاست.  
 با توجه به تفسیر آیه فوق درمی‌یابیم که هر جایی که به عنوان  
 محل زندگی اهلبیت علیهم‌السلام شناخته می‌شود، باید مورد احترام واقع  
 گردد.

بنابراین مکان‌هایی که به امام زمان (عج) منسوب بوده و آن حضرت  
 در آن مکان‌ها زیارت شده‌اند، شایسته احترام و تکریم می‌باشند.  
 در تشرّف ابن ابی جواد نعمانی به محضر مبارک امام زمان (عج) آن  
 حضرت به احترام و حفظ حرمت مکان‌های مقدّس تأکید فرموده‌اند  
 که چگونگی این تشرّف را برای شما عزیزان نقل می‌کنیم:  
 زمانی که ابن ابی جواد نعمانی به حضور مولایمان حضرت  
 مهدی علیه‌السلام مشرّف شد، به آن حضرت عرضه داشت:

ای مولای من برای شما در شهر نعمانیّه، یک مقام و در شهر حله  
 یک مقام هست، شما در کدام یک از آنها تشریف می‌آورید؟  
 آن حضرت به او فرمودند:

در نعمانیّه شب سه‌شنبه و روز سه‌شنبه، و روز جمعه و شب  
 جمعه را در حله می‌باشم. ولی اهل حله نسبت به مقام من تأدّب  
 (احترام) نمی‌کنند، پس هر کس با ادب به مقام من داخل شود و ادب  
 را رعایت نماید و بر من و امامان علیهم‌السلام سلام کند و بر من و ایشان  
 دوازده بار درود فرستد، سپس مناجات کند، خدای تعالی آنچه را او  
 بخواهد به وی می‌دهد....

با توجه به فرمایشات حضرت درمی یابیم که رعایت حرمت و احترام به مکان‌هایی که به امام زمان (عج) منسوب است علاوه بر اینکه احترام به امام زمان (عج) به حساب می‌آید، بلکه باعث برآورده شدن حاجات و رضایت پروردگار نیز می‌گردد.

شیفتگان آن حضرت به وسیلهٔ مناجات با خداوند و قرائت قرآن، خواندن دعاهایی که از جانب اهل بیت علیهم‌السلام برای آن اماکن وارد شده، خواندن نماز تحیت مسجد، رعایت ادب، درود فرستادن بر اهل بیت علیهم‌السلام، با پای برهنه داخل شدن و با حالت جنب وارد نشدن و... می‌توانند اماکن مقدّس را محترم شمرده و به محضر امام زمان (عج) اظهار ارادت نمایند.

امید است که با رعایت ادب و احترام نسبت به اماکن مقدّسه‌ای چون حرم امامان، امام زادگان و مسجد جمکران و... بتوانیم به اندکی از آداب و وظایف خود نسبت به آن حضرت عمل نموده و قلب نازنین آن بزرگوار را از خود راضی نماییم.

مراعه‌دست با جانان، که تاجان در بدن دارم

هواداران کویش را چو جان خویشان دارم

## دعا برای فرج

دعا بابی است که خداوند متعال برای رهایی بندگان از مشکلات و سختی‌ها، رسیدن به کمالات و برآورده شدن حاجات آنها قرار داده است تا انسان‌ها، هنگام مصائب و بلایای روزگار امیدی داشته باشند و برآورده شدن حاجاتشان را از خداوند متعال طلب نمایند.

از این رو خداوند متعال می‌فرماید:

## ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾

بخوانید مرا، تا اجابت کنم شما را.

دعا، بلاایای مقدر شده را برمی گرداند و سرنوشت انسان را تغییر می دهد، همانطور که امام موسی کاظم علیه السلام به این موضوع اشاره نموده و می فرمایند:

«عليكم بالدعاء، فإن الدعاء و الطلب إلى الله تعالى يردّ البلاء، و قد قدر و قضی فلم يبق إلا إمضائه فإذا دعى الله و سئل صرفه صرفه»<sup>(۱)</sup>

بر شما باد به دعا، زیرا دعا و درخواست از خدای متعال، بلا را ردّ می کند؛ بلائی که مقدر شده و حکم الهی بر آن جاری شده فقط مهر و امضاء بر آن زده نشده، پس اگر خدا به برطرف شدن بر چنین بلائی خوانده شود و از باری تعالی برگرداندن آن خواسته شود، خدا آن را برمی گرداند.

اکنون باید بدانیم که چه دعایی بکنیم تا تمام همّ و غم و ناملایمات زندگی از ما رفع گردد و علاوه بر آن موجب رضایت خداوند و اهل بیت علیهم السلام نیز باشد و کمالاتی را که در ذهنمان وجود دارد به ثمر بنشانند.

این سؤال نیز از جانب ائمه معصومین علیهم السلام بی جواب نمانده است، چرا که امام زمان (عج) در توقیع شریفش در این مورد می فرمایند:

«و اکثرُوا الدُّعَا بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»<sup>(۲)</sup>

۱- صحیفه مهدیه: ص ۳۱.

۲- کمال الدین: ج ۲، ص ۴۸۵.



برای فرج زیاد دعا نمایید، چرا که دعا برای فرج سبب فرج و گشایش امر شما می‌شود و موجب راحتی شما از هرگونه غم و اندوه می‌گردد.

فرج و گشایشی را که امام زمان (عج) به آن اشاره فرموده‌اند، از ابعاد مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد که در این مبحث به بیان تعدادی از آنها می‌پردازیم:

۱- با دعا برای ظهور امام زمان (عج)، فرج آن بزرگوار نزدیک‌تر شده و با ظهور با برکتش، هرگونه رنج و سختی و غم و اندوه از زندگی انسان دور شده و امنیت و آرامش، همراه با عشق و معنویت واقعی به جامعه بشری رو می‌آورد.

حضرت علی علیه السلام در وصف دوران ظهور می‌فرمایند:

«لا یبغی عبداً مسلماً الا اشتراه و أعتقه و لا عارماً الا قضی دینه و لا مظلمة لاحد من الناس الا ردّها و لا یقتل عبد الا اذی ثمنه و لا یقتل قتیل الا قضی عنه دینه و الحقّ عیاله فی العطاء.»<sup>(۱)</sup>

روی زمین برده مسلمان نمی‌ماند مگر اینکه او را خریده و آزاد می‌سازد. بدهکاری نمی‌ماند مگر اینکه بدهی‌اش را پرداخت می‌نماید. حق کسی را در دست کسی نمی‌گذارد مگر اینکه از او می‌ستاند و به صاحب حق باز می‌گرداند. بنده‌ای کشته نمی‌شود مگر اینکه قیمت او را می‌پردازد. کسی کشته نمی‌شود مگر اینکه همهٔ قرض‌هایش را پرداخت می‌کند و نام خانواده‌اش را در بخش عطایا مقرر می‌نماید.

۲- با توجه به روایات، اگر کسی در حق مؤمنی دعا نماید، در مرحله اول دعا در حق خود او مستجاب می‌شود، پس اگر برای تعجیل در فرج امام زمان (عج) دعا نمایم در مرحله اول این دعا باعث ایجاد فرج و گشایش در کار خودمان می‌گردد.

در کتاب مکیال المکارم آورده‌اند که:

یکی از زنان مؤمنه و صالحه در هنگام تسلط کفار بر کشور اسلامی و غم و ناراحتی شدید مردم، کسی را در عالم رؤیا می‌بیند که می‌گوید:

«اگر مؤمن پس از نمازهایش در دعا نمودن برای فرج مولایش مواظبت و مداومت کند، همانطور که وقتی خودش مریض یا مقروض یا گرفتاری دیگری دارد، برای رفع گرفتاری خود بر دعا کردن مواظبت می‌نماید، به طوری که فراق امام زمان (عج) باعث غم و ناراحتی او شده و قلبش را شکسته و حالش را پریشان نموده باشد، چنین دعایی در این حالت یکی از دو امر را موجب می‌شود:

یا موجب می‌شود امام زمانش سریع‌تر ظهور فرماید و یا غم و ناراحتی آن مؤمن با برطرف شدن گرفتاری‌هایش و نجات از فتنه‌ها مبدل به خوشحالی می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

حضرت امام محمد باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه:

﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ﴾<sup>(۲)</sup>

و دعای آنان را که ایمان آورده، و عمل صالح انجام دهند

۱- مکیال المکارم: ج ۱، ص ۴۶۰. ۲- سوره شوری: آیه ۲۶.

مستجاب گرداند و از فضل خویش بر ثوابشان می‌افزاید.

فرموده‌اند:

مؤمن است که برای برادر خود در غیاب او دعا کند، پس فرشته به او می‌گوید: آمین.

و خداوند عزیز جبار فرماید: دو برابر آنچه خواستی برای خودت خواهد بود و آنچه طلب کردی، عطا شدی به خاطر محبتی که به او داری.<sup>(۱)</sup>

۳- از سوی دیگر دعا برای فرج امام زمان (عج) انسان را از فتنه‌ها و انحرافات که در آخرالزمان مردم را در کام خود می‌بلعد نجات می‌دهد.

امام حسن عسگری علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

به خدا قسم آن حضرت (امام زمان علیه السلام) چنان غیبتی خواهد داشت که کسی از فتنه‌های آن زمان نجات نخواهد یافت مگر آن که خداوند او را بر اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت قدم نموده و برای دعا نمودن، جهت تعجیل در فرج آن حضرت موفقش نموده باشد.<sup>(۲)</sup>

بنابراین، باید از خداوند متعال بخواهیم که در اعتقاد به امامت آن حضرت به ما ثبات قدم و برای فرج امام زمان (عج) توفیق دعا نمودن را عنایت فرماید و ما را در جهت آماده سازی زمینه‌های ظهور ایشان، یاری فرماید.

مطالبی که گذشت نشان دهندهٔ برکات و الطاف زیادی است که در

۱- مکیال المکارم: ج ۱، ص ۴۱۵. ۲- مکیال المکارم: ج ۱، ص ۳۲۶.

اثر دعا برای امام زمان (عج) عاید انسان می‌شود، ولی نکته مهمی را که باید در نظر داشته باشیم این است که دعا برای فرج آن حضرت تنها به نفع شخص دعا کننده نیست، بلکه به نفع همه انسان‌هایی است که هر کدام به گونه‌ای مظلوم واقع شده‌اند. از سوی دیگر باعث می‌شود تا تمامی زحماتی که پیامبران، امامان، شیعیان و علمای گذشته، در جهت حفظ دین متحمل شده‌اند به ثمر نشسته و هدف خداوند از خلقت هستی تحقق یابد.

با توجه به مطالب فوق دعا برای فرج امام زمان (عج) را می‌توان عمل واجب دانست که هر انسان معتقدی باید به آن عمل نموده و آن را جزء مهمترین برنامه زندگی خود قرار دهد.

امام حسن مجتبی علیه السلام در رابطه با لزوم دعا برای فرج می‌فرمایند: در منبرها به مردم بگویید و به آنان دستور دهید توبه نموده و درباره تعجیل ظهور (حضرت) حجت - ارواحنا فداه - دعا نمایند. دعا برای آمدن آن حضرت مانند نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن عده‌ای از دیگران ساقط شود؛ بلکه مانند نمازهای پنج‌گانه است که بر هر فرد بالغ واجب است برای ظهور امام زمان (عج) دعا کند.

واقعاً، چقدر از دعا کردن نسبت به امام زمان خود غفلت ورزیده و به مسائل و لذات دنیوی مشغول شده‌ایم و به امر واجب که بر عهده داشته‌ایم عمل نکرده و چه بسا توفیقاتی که به خاطر این غفلت خود از دست داده‌ایم.

امام عزیز و مهربانمان نیز در توقیعاتی که صادر نموده‌اند این عمل شیعیان را یکی از عوامل مظلومیت خود معرفی نموده و چنین

غفلتی را از ناحیه دوستان و همه انسان‌هایی که ذره‌ای ایمان در وجودشان هست و ادعای شیعه بودن و دوستی آن حضرت را می‌کنند، باعث مظلومیت خود معرفی می‌نمایند.

لذا جهت آشنایی و بیداری از این غفلت، به بیان چند نمونه از توقیعات و روایاتی که در رابطه با لزوم دعا برای فرج مولا ایمان به دست ما رسیده، خواهیم پرداخت، به این امید که دل‌های ما از خواب غفلت بیدار شده و با توبه، به درگاه خداوند و دعا نمودن برای تعجیل در فرج آن بزرگوار و حرکت در جهت آماده سازی شرایط ظهور ایشان، ذره‌ای از اشتباهات گذشته خود را جبران نموده و موجب رضایت خداوند باریتعالی از خود گردیم.

آیه الله حاج میرزا احمد سیبویه ساکن تهران به نقل از شیخ حسین سامرائی، می‌فرمایند:

در آن ایامی که در سامرا مشرف بودم، روز جمعه‌ای طرف عصر به سرداب مقدس رفتم، دیدم غیر از من احدی نیست و من حالی پیدا کرده و متوجه مقام صاحب الامر (عج) شدم، در آن حال صدایی از پشت سر شنیدم که به فارسی فرمود:

به شیعیان و دوستان ما بگویید که خدا را قسم دهند به حق عمه‌ام حضرت زینب علیها السلام که فرج مرا نزدیک گرداند. (۱)

آیه الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی می‌فرمایند:

یکی از برادران صالح، برایم نقل کرد که حضرت ولی عصر - ارواحنا فداء - را در خواب دیده و آن حضرت به او فرموده‌اند:

۱- شیفتگان حضرت مهدی (عج).

من برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سیدالشهداء علیهم السلام در مجالس عزاداری برای من دعا می‌کند، دعا می‌کنم.<sup>(۱)</sup>

در روایت دیگری آمده است که یکی از یاران حضرت امام هادی علیه السلام از آن بزرگوار درباره برنامه عملی و وظیفه عموم شیعیان در زمان غیبت امام عصر - ارواحنا فداه - سؤال می‌کند که:

کیف تصنع شیعتک؟

قال علیه السلام : علیکم بالدعاء و انتظار الفرج.<sup>(۲)</sup>

در زمان غیبت، شیعیان شما چه کاری انجام دهند؟  
امام هادی علیه السلام فرمودند:

بر شما باد دعا و نیایش و دارا بودن حالت انتظار.

در جای دیگر یونس عبدالرحمان، از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند و می‌گوید:

انه علیه السلام کان یأمر بالدعاء للحجة صاحب الزمان (عج).<sup>(۳)</sup>

امام رضا علیه السلام همواره به دعا برای حضرت حجت، صاحب الزمان، امر می‌فرمود.

روایات فوق نشانگر اهمیت فوق العاده و واجب بودن دعا برای امام زمان (عج) می‌باشد و چون تنها اسوه مسلمانان اهلبیت علیهم السلام می‌باشند و اطاعت امرشان واجب است، لذا باید به کلمات گهربارشان گوش جان بسپاریم و با جان و دل برای فرج امام زمان (عج) دعا نموده و با نیت و عمل و گمتار خود منتظر ظهور تنها منجی عالم بشریت باشیم.

۱- مکیال المکارم: ج ۱، ص ۳۳۳. ۲- صحیفه مهدیه: ص ۹۹.

۳- بحار الأنوار: ج ۹۲، ص ۳۳۳، ح ۵.

### آداب دعا کردن

زمانی که می‌خواهیم به یک مهمانی برویم، قبل از حضور در مهمانی، جهت رعایت آداب و شؤونات آن مجلس، بعضی از مسائل را رعایت می‌کنیم تا با رفتارمان به آن مجلس بی‌احترامی نشود. این مسأله‌ای است که در عرف همه جوامع به عنوان یک امر طبیعی و لازم مورد قبول می‌باشد.

دعا کردن نیز در واقع، رفتن به مهمانی خداوند باریتعالی و استفاده از خوان کرم و رحمت او می‌باشد. لذا مستلزم رعایت بعضی از آداب و شرایط می‌باشد که با رعایت آن مسائل با توجه به فرمایشات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام قبولی حاجات خود را تضمین می‌نماییم.

از این رو به بیان آداب و شرایطی که رعایت آنها در اوقات دعا، جهت برآورده شدن حاجات سفارش شده است، خواهیم پرداخت. در زمینه آداب و چگونگی دعا نمودن، احادیث و روایات بسیاری از ائمه معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده که برای آگاهی شما عزیزان جهت عمل به آن آداب، به طور مختصر به بیان نمونه‌ای از آنها می‌پردازیم: <sup>(۱)</sup>

۱- آغاز دعا با «بسم الله الرحمن الرحيم».

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند:

۱ - آداب دعا به طور مفصل در کتاب‌هایی همچون، صحیفه مهدیه، مکیال المکارم و... آمده است.

لا یردّ دعاء اوله «بسم الله الرحمن الرحیم». (۱)  
 دعایی که اولش «بسم الله الرحمن الرحیم» باشد رد نمی‌شود.

۲- پیش از دعا حمد و سپاس پروردگار را به جای آوردن.  
 امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«کلّ دعاء لا یكون قبله تحمید فهو أبترا». (۲)

هر دعایی که قبل از آن حمد و سپاس خدای متعال گفته نشود،  
 دعایی ناقص و ابتراست.

امیرالمؤمنین علیه السلام در رابطه با چگونگی حمد و ثنای پروردگار قبل  
 از دعا و تأکید بر آن می‌فرمایند:

چون خواستی خدای متعال را بخوانی، اول او را ستایش کن.

(راوی گوید:) گفتم: چگونه او را ستایش کنم؟

فرمود: می‌گویی:

«یا مَنْ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، یا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ

قَلْبِهِ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، یا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ». (۳)

ای خدایی که به من از رگ گردن نزدیک‌تری، ای کسی که میان

انسان و دل او حائل و مانع می‌شوی، ای کسی که در چشم انداز

بلند مرتبه‌ای هستی، ای کسی که مثل و مانند تو نیست.

۳- صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد صلوات الله وسلامه.

امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:

۲- الکافی: ج ۲، ص ۵۰۳.

۱- صحیفه مهدیه: ص ۳۳.

۳- بحار الانوار: ج ۹۳، ص ۳۱۵.



«من كانت له إلى الله عزّ و جلّ حاجة فليبدأ بالصلاة على محمّد و آله، ثمّ يسأله حاجته، ثمّ يختم بالصلاة على محمّد و آل محمّد، فإنّ الله أكرم من أن يقبل الطرفين و يدع الوسط، إذا كانت الصلاة على محمّد و آل محمّد لا تحجب عنه.<sup>(۱)</sup>»

کسی که به سوی خدای متعال نیازی داشته باشد باید آن را با صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام آغاز نماید، سپس حاجتش را از خدا بخواهد، سپس دعا را با صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام تمام کند؛ زیرا که خدای متعال کریم‌تر از آن است که دو طرف کلامی را بپذیرد و وسط آن را رها کند، چون دعا با صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام باشد محجوب نمی‌شود.

#### ۴- شفیع قرار دادن اهل بیت علیهم السلام .

اگر کسی حاجت بزرگی از شما داشته باشد و بی واسطه نزد شما بیاید، شاید شما به خواسته او توجه نکرده و اهمیتی به آن مسأله ندهید ولی اگر یکی از عزیزان شما مثلاً، فرزند عزیزتان را واسطه و شفیع بین خود و شما قرار دهد، به خاطر آن عزیز، حاجت آن شخص را اگر در حدّ توانتان باشد برآورده می‌سازید.

ما نیز هنگامی که حاجات خود را به درگاه خداوند باریتعالی ارائه می‌کنیم، اگر عزیزترین و محبوب‌ترین مخلوقات خدا را که همان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند واسطه قرار دهیم، خداوند متعال حاجات ما را به خاطر آن عزیزان برآورده خواهد ساخت.

۱- صحیفه مهدیه: ص ۳۴.

مولایمان امام رضا علیه السلام می فرمایند:

هرگاه سختی و گرفتاری بر شما وارد شود به وسیله ما از خدای عز و جل کمک بخواهید، و این است [معنی] فرموده خدای عز و جل: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾. (۱)

امام موسی کاظم علیه السلام نیز می فرمایند:

اگر به سوی خدای متعال نیازی داری، بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ، وَ قَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ، فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا...» (۲)

(خداوندا! همانا درخواست می کنم تو را به حق محمد و علی، زیرا که برای آن دو بزرگوار مقام و منزلتی در نزد توست، و در پیشگاه تو دارای قدر و ارزش هستند، پس به حق این شأن و به حق این قدر و منزلت، بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و حاجت من که فلان و فلان است برآورده فرما).

زیرا آن گاه که روز قیامت برسد هیچ ملک مقرب و پیغمبر مرسل و مؤمن ممتحن باقی نمی ماند مگر اینکه در آن روز به آن دو نیازمند است.

۵- پیش از دعا به گناهان خود اعتراف کردن.

امام صادق علیه السلام در مورد اعتراف کردن به گناهان، هنگام دعا

می فرمایند:

۲- بحار الانوار: ج ۹۴، ص ۲۲.

۱- مکیال المکارم: ص ۳۸۴.

«إنما هي المدحة، ثم الإقرار بالذنب ثم المسألة، والله ما خرج عبد من ذنب إلا بالإقرار»<sup>(۱)</sup>.

همانا دعا اولش مدح و ثنا، آنگاه اعتراف به گناه، سپس خواستن حاجت است.

۶- با قلب غافل و بدون توجه مشغول دعا نشدن.

وقتی انسان می خواهد با شخص بزرگی صحبت کند، تمام توجه خود را به آن شخص معطوف می نماید. چرا که بی توجهی در هنگام صحبت، نوعی بی احترامی نسبت به او محسوب می شود. بنابراین سعی می کند نهایت تکریم و احترام را نسبت به آن شخص انجام داده و از هر گونه بی احترامی پرهیز نماید.

حال، اگر بخواهیم با خداوندی که خالق تمام هستی است راز و نیاز کنیم چه باید کرد؟

هر انسان عاقلی با توجه به حقایق فوق اعتراف می کند که باید تمام توجه و احترام خود را نسبت به خداوند متعال معطوف نماید تا بدین وسیله در پیشگاه خداوند باریتعالی تا حدی حق ادب را بجا آورده و شرایطی از آداب دعا را رعایت کرده باشد.

لذا امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرمایند:

«إن الله لا يستجيب دعاء بظهر قلب ساه، فإذا دعوت فأقبل بقلبك، ثم استيقن الإجابة»<sup>(۲)</sup>.

همانا خداوند متعال دعایی را که با قلب غافل انجام گیرد،

۱- صحیفه مهدیه: ص ۳۷.

۲- بحار الانوار: ج ۹۳، ص ۳۲۳.

مستجاب نمی‌کند، چون خواستی دعا کنی با قلب خود به او توجه کن آنگاه یقین به استجاب دعایت داشته باش.

۷- حلال و پاکیزه بودن خوراک دعا کننده.

امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:

«إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْتَجَابَ لَهُ فليطيب كسبه، و ليخرج من مظالم الناس، و إنَّ الله لا يرفع دعاء عبد و في بطنه حرام، أو عنده مظلمة لأحد من خلقه»<sup>(۱)</sup>.

کسی از شما که می‌خواهد دعایش مستجاب شود باید کسب و کارش را پاکیزه و حلال کند، و خود را از حق مردم برهاند، زیرا خداوند متعال دعای کسی را که در شکمش حرام باشد یا حق الناس دارد، بالا نمی‌برد و مستجاب نمی‌کند.

۸- گناه نکردن.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاؤُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ، أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيَذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْباً...»<sup>(۲)</sup>

بنده‌ای از خدا حاجتی مسألت می‌نماید، از شأن بنده این است که حاجت او به زودی یا بعد از مدّت زمانی برآورده شود، اما بنده مرتکب گناه می‌شود، خداوند متعال به ملکی می‌فرماید: حاجت او را برآورده نکن و او را از آن محروم نما؛ زیرا که او

۱- صحیفه مهدیه: ص ۳۹.

۲- بحار الانوار: ج ۷۳، ص ۳۲۸.

تعرض به غضب من کرد، و سزاوار محرومیت از جانب من شد.

۹- حسن ظن داشتن به اجابت دعا.

خداوند می فرماید:

﴿أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾<sup>(۱)</sup>

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

چون خداوند هیچ گاه در وعده‌ای که می دهد تخلف نمی نماید. پس باید با قلبی مطمئن و آرام دعا کرده و یقین داشته باشیم که اگر آن خواسته به صلاح ما باشد خداوند برآورده خواهد نمود، چرا که خداوند باری تعالی در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>(۲)</sup>

این وعده الهی است و خدا در وعده خود خلاف نمی کند، ولی اکثر مردم نمی دانند.

در حدیثی دیگر نیز در رابطه با مطلب فوق می فرمایند:

«فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنِ الْإِجَابَةَ»<sup>(۳)</sup>.

هنگامی که خواستی دعا کنی با قلب خود به درگاه حضرتش روی آور، آنگاه باور به اجابت داشته باش.

۱۰- اصرار و پافشاری در دعا.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

۱- سوره غافر: آیه ۶۰. ۲- سوره روم: آیه ۶.

۳- المختار من کلمات الإمام المهدي: ج ۱، ص ۲۳۸.

«و الله لا يلحّ عبد مؤمن على الله في حاجة إلاّ قضاها له»<sup>(۱)</sup>  
 به خدا سوگند، هیچ بنده مؤمنی در حاجت خود به خداوند  
 متعال اصرار و پافشاری نمی‌کند مگر آنکه خداوند حاجت او  
 را برآورده می‌کند.

امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه می‌فرمایند:

«إنّ المؤمن ليدعو الله في حاجته فيقول عزّ وجلّ: أخرجوا إجابته،  
 شوقاً إلى صوته و دعائه، فإذا كان يوم القيامة قال الله: عبدي  
 دعوتني...»<sup>(۲)</sup>

بنده مؤمن خدای را در حاجتش می‌خواند، خداوند متعال  
 می‌فرماید: اجابت دعایش را به تأخیر اندازید، چون شوق و  
 میل به صدا و دعای او دارم. روز قیامت خداوند متعال  
 می‌فرماید: بنده من! مرا خواندی و من اجابت تو را به تأخیر  
 انداختم، اینک این اجر و پاداش آن. حضرت فرمود: در آن روز  
 مؤمن آرزو می‌کند که ای کاش! در دنیا هیچ دعای او مستجاب  
 نمی‌شد، و این هنگامی است که اجر و پاداش نیک را در آخرت  
 می‌بیند.

همانطوری که در احادیث فوق بیان شد، انسان نباید به هیچ  
 عنوان از درگاه خداوند ناامید شود، چرا که ناامیدی از درگاه خداوند،  
 از گناهان کبیره می‌باشد و با توجه به فرمایشات اهل بیت عصمت و  
 طهارت علیهم السلام دعا تنها راه نجات انسان می‌باشد، پس باید با اصرار و  
 پافشاری در حاجات خویش و مقدم داشتن حاجات امام زمان (عج) بر

۱- الکافی: ج ۲، ص ۴۷۵.

۲- بحار الأنوار: ج ۹۳، ص ۳۷۴.

حاجات خود باعث تعجیل در فرج آن حضرت شویم و بدین وسیله با بهره‌گیری از برکات این دعا، سعادت خود و همه انسان‌ها، مخصوصاً مظلومان جهان را تضمین کرده و باعث تحقق هدف خداوند متعال از خلقت جهان و رهایی امام زمان (عج) از مظلومیتی که ما مسبب آن بوده‌ایم، بشویم.

علاوه بر این مطالب دیگری که در دعاها حائز اهمیت است، اوقات، حالات و مکان‌هایی است که برای دعا نمودن سفارش شده است. لذا تعدادی از آنها را ذکر کرده و جهت توضیح بیشتر روایاتی را در رابطه با آنها خواهیم آورد.<sup>(۱)</sup>

#### اوقات و حالات تأکید شده برای دعا

۱- بعد از هر نماز واجب.

۲- بعد از هر دو رکعت نماز شب.

۳- در سجده شکر.

۴- آخرین ساعت از هر روز.

۵- روز پنج‌شنبه.

۶- شب جمعه.

۷- روز جمعه.

۸- روز نوروز.

۹- روز عرفه.

۱۰- عید فطر.

۱- جهت اطلاع بیشتر به کتاب نفیس مکیال المکارم که به دستور امام زمان (عج)، توسط عالم فقیه سید محمد تقی موسوی اصفهانی تألیف شده مراجعه نمایید.

- ۱۱- عید قربان.
- ۱۲- روز دَخْو الارض.
- ۱۳- روز عاشورا.
- ۱۴- شب نیمه شعبان.
- ۱۵- روز نیمه شعبان.
- ۱۶- تمام ماه رمضان.
- ۱۷- بعد از ذکر مصیبت سیدالشهداء علیه السلام.
- ۱۸- بعد از زیارت آن حضرت.
- ۱۹- پس از گریستن از ترس خداوند.
- ۲۰- پس از تجدید هر نعمت و زوال هر محنت.
- ۲۱- هنگام وارد شدن غم و اندوه.
- ۲۲- در سختی ها و گرفتاری ها.
- ۲۳- تسبیح بعد از نماز.
- ۲۴- روز غدیر.
- ۲۵- هنگام حضور در مجلس مخالفین و غاصبین حق آن حضرت.
- ۲۶- ماه محرّم.

#### مکان های تأکید شده برای دعا

- ۱- مسجد الحرام.
- ۲- عرفات.
- ۳- سرداب سامره.
- ۴- مکان های منسوب به امام زمان (عج).
- ۵- حرم حضرت سیدالشهداء علیه السلام.



ع- حرم امام رضا علیه السلام .

۷- حرم عسکرین علیهم السلام و حرم هر یک از ائمه علیهم السلام .

### ادعیه وارده در زمینه تعجیل در فرج

دعاهای بسیار زیادی در جهت تعجیل در ظهور آخرین حجّت خدا، از ائمه معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده که در اینجا جهت آشنایی عاشقان و منتظران آن بزرگوار، به بیان چند نمونه از آن ادعیه می پردازیم. (۱)

۱- دعا بعد از هر نماز واجب در ماه رمضان:

این دعا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرموده اند: این دعا را در ماه رمضان بعد از هر نماز واجب بخوانید:

«اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ  
أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ  
اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنَّا كُلَّ مَكْرُوبٍ اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ  
أَسِيرٍ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ  
مَرِيضٍ اللَّهُمَّ سُدِّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ اللَّهُمَّ غَيِّرْ سَوْءَ خَالِنَا بِحُسْنِ خَالِكَ  
اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَ اغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ» (۲)

ای خدا تو بر اهل قبور نشاط و سرور عطا کن، خدایا هر فقیر را  
بی نیاز گردان، خدایا هر گرسنه را سیر نما، خدایا هر برهنه را

۱- برای عرض ارادت بیشتر به کتاب با ارزش مکمال المکارم، صحیفه مهدیه و منافع الجنان مراجعه نمایید.  
۲- منافع الجنان: اعمال مشترکه ماه رمضان.

بپوشان، خدایا دین هر مدیونی را ادا کن، خدایا هر گرفتاری را گشایش ده، خدایا هر غریبی را به وطن برگردان، خدایا هر اسیری را آزاد فرما، خدایا همهٔ مفسد امور مسلمین را اصلاح فرما، خدایا هر مریضی را شفا عنایت کن، خدایا به بی‌نیازی ذات خود جلوی فقر و نداری ما را ببند، خدایا تغییر ده بدحالی ما را به خوشحالی خودت، خدایا دین ما را ادا فرما، و فقر ما را به بی‌نیازی مبدل فرما، زیرا تو بر هر چیزی توانایی.

امام زمان (عج) در رابطه با دعای فوق می‌فرمایند:

«جدم رسول اکرم ﷺ که فرموده است این دعا را در ماه رمضان بخوانند برای این است که استجابت این دعا، صد در صد در زمان ظهور خواهد بود و درحقیقت این دعایی است که برای ظهور و فرج ما خوانده می‌شود، زیرا در زمان قبل از ظهور غیر ممکن است که به کلی فقر و گرسنگی و کرب و ناراحتی از میان تمامی مردم جهان برداشته شود، هیچ اسیری در عالم نباشد و تمام امور مسلمانان اصلاح شود و بالاخره غیر ممکن است که قبل از ظهور حال و روحیات همهٔ مردم به خوبی و صفات الهی تبدیل شود و همه، متخلّق به اخلاق پروردگار گردند و دیون همه ادا شود و فقر و فاقه در عالم جای خود را به ثروت و مکنّت بدهد.»<sup>(۱)</sup>

۲- دعا بعد از هر نماز واجب:

امام جواد علیه السلام می‌فرمایند: هنگامی که از نماز واجب فارغ شدی بگو:

«رَضِيتُ بِاللهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِمُحَمَّدٍ

۱- راهی به سوی نور: ص ۲۶۷.

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا، وَبِعَلِيِّ وَوَلِيِّاَ وَالحَسَنِ وَ  
 الحُسَيْنِ وَ عَلِيَّ بْنِ الحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ  
 وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ  
 بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الحُجَّةَ بْنَ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ  
 السَّلَامُ أُمَّةً. اللَّهُمَّ وَلِيُّكَ الحُجَّةُ فَاحْفَظْهُ مِنْ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ  
 عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ أَمُدُّ لَهُ فِي  
 عُمُرِهِ وَ أَجْعَلُهُ القَائِمَ بِأَمْرِكَ الْمُتَّصِرَ لِدِينِكَ وَ أَرِهِ مَا يُحِبُّ وَ  
 تَقْرُبِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ، وَ فِي شِيعَتِهِ وَ  
 فِي عَدُوِّهِ وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَخْذَرُونَ وَ أَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَ تَقْرُبِهِ  
 عَيْنُهُ وَ أَشْفِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ». (۱)

خداوند را به پروردگاری پذیرفتم و اسلام را به عنوان دین و  
 قرآن را کتاب آسمانی و محمد ﷺ را پیغمبر و علی را ولی  
 خود (ایمان آوردم)، و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد  
 بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و  
 محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجة بن الحسن  
 بن علی عليه السلام را به امامت پذیرفتم. خدایا ولی تو حضرت  
 حجت است پس او را حفظ کن از پیش رویش و از پشت سر و  
 از سمت راست و سمت چپ و از بالا و پایین و عمرش را امتداد  
 بخش و او را قائم بامر خویش قرار ده که برای دینت یاری طلبد  
 و آنچه دوست می دارد و دیده اش به آن روشن گردد، نسبت به  
 خودش و خاندانش و نوادگانش و دارائیش و پیروانش و نسبت به  
 دشمنش به او بنمایان و دشمنانش را به آنچه هراس دارند [ از  
 نابودیشان به دست او ] دچار گردان و بدین وسیله درد

سینه‌های ما و سینه‌های مؤمنین را شفا ببخشای.

### ۳- دعا در زمان غیبت:

زراره، از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت به او فرمود: آن جوان ناگزیر از غیبت است. گفتم: برای چه غیبت می‌کند؟ حضرت فرمود: به جهت ترس - بعد اشاره به شکم مبارک خود فرمود، یعنی به جهت ترس از کشته شدن - و اوست که همه در انتظار او به سر می‌برند و اوست که در تولد او مردم تردید می‌نمایند، برخی می‌گویند: پدر او از دنیا رفت و فرزندی از خود باقی نگذاشت، و بعضی می‌گویند: دو سال پیش از مرگ پدرش متولد شد. زراره می‌گوید: عرض کردم اگر آن زمان را درک کردم چه دعایی را بخوانم؟

حضرت فرمود: خدای را به این دعا بخوان.

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ أَنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>(۱)</sup>.

بار الها خودت را به من بشناسان که البته اگر خود را به من نشناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت، بار الها رسولت را به من بشناسان که اگر رسولت را به من نشناسانی حجت تو را نخواهم شناخت، بار الها حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی از دینم گمراه می‌گردم.

## ۴- دعای غریق:

سید بن طاووس رحمه الله می فرماید:

عبدالله بن سنان گوید: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

به زودی شبهه‌ای دامن‌گیر شما می‌شود، در آن موقع نه پرچمی است که راه را برای شما نشان دهد، و نه امامی است که شما را هدایت کند، و در آن دوران کسی نجات پیدا نمی‌کند مگر آنکه دعای غریق را بخواند.

عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟

فرمود می‌گویی:

«يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».

عرض کردم: «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».

فرمود: خداوند متعال «مقلب القلوب و الأبصار» است، ولی همان

طوری که من می‌گویم بگو: «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».<sup>(۱)</sup>

## ۵- دعای امام زمان (عج) برای فرج:

در جایی دیگر مولایمان امام زمان (عج) به ابوالحسن محمد بن احمد ابی لیس، که از دشمن فرار کرده و به مقابر قریش پناهنده شده بود، دعایی تعلیم فرمود که او به برکت این دعا از مرگ نجات یافت. و از دعاهای مشهوری است که برای فرج و رهایی از غیبت امام زمان (عج) خوانده می‌شود و آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ وَ أَنْتَقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ أَنْكَشَفَ الْغِطَاءَ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ

المُشْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ  
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اُولَى الْاَمْرِ الَّذِيْنَ فَارَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ  
 فَعَرَفْتُنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلَّمَحِ الْبَصْرِ  
 اَوْ هُوَ اَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَ اَنْصُرَانِي  
 فَاِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ اَلْغَوْثُ اَلْغَوْثُ  
 اَلْغَوْثُ اَذْرِكْنِي اَذْرِكْنِي اَذْرِكْنِي»<sup>(۱)</sup>

بار الها فتنه و بلا بزرگ شد و مخفی بودن (امام علیه السلام) یا راه  
 چاره) سخت گردید و امید قطع گشت و پرده‌ها بالا رفت و  
 زمین [با همه فراخی] تنگ شد و آسمان رحمتش را بازداشت  
 و ای پروردگار شکوه به درگاه تو است و در سختی و آسانی  
 تکیه و اعتماد بر تو، بار خدایا پس بر محمد و آل محمد درود  
 فرست. اولو الامری که فرمانبرداری از ایشان را بر ما واجب  
 ساخته‌ای و بدین وسیله منزلتشان را به ما شناسانده‌ای، پس تو  
 را به حق آنان سوگند که بر ما گشایشی ده سریع. و به زودی  
 همچون یک چشم بر هم زدن یا نزدیک‌تر از آن، ای محمد ای  
 علی مرا کفایت کنید که البته شما مرا کافی هستید و مرا یاری  
 نمایید که به درستی شما یاور من می‌باشید ای مولای من ای  
 صاحب الزمان به فریاد رس به فریاد رس، مرا  
 دریاب مرا دریاب مرا دریاب.

۶- دعا برای فرج بعد از نماز صبح و ظهر:  
 امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:  
 هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

نمی‌میرد تا اینکه قائم علیه السلام را دیدار کند.<sup>(۱)</sup>

#### ۷- دعای عهد:

از جمله دعاهاى معتبرى که به دستمان رسیده و همانطور که در زیر خواهد آمد و خواصّ زیادی برای آن گفته شده، دعای عهد می‌باشد. چرا که در این دعا با مولای خود عهد و پیمان بسته و اظهار عشق و بندگی خود را به محضر آن بزرگوار تقدیم می‌نماییم. لذا این دعا را به کسانی هدیه می‌کنیم که دوست دارند با عهد و پیمانی که با آن حضرت می‌بندند در دوران ظهور امام زمان (عج) در کنار ارباب و صاحب خود باشند، و اگر به هر دلیلی از دنیا رفته باشند، در زمان دولت حقش بازگشته و به افتخار یاری آن حضرت نائل شوند.

امام صادق علیه السلام در فضیلت این دعا می‌فرمایند:

کسی که چهل بامداد خدای را با دعای عهد بخواند از یاوران قائم ما خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون می‌آورد [و جزء یاران آن حضرت قرار می‌دهد] و به هر کلمه از کلمات آن دعا، هزار حسنه به او عطا می‌فرماید، و هزار گناه از گناهان او را محو می‌کند. و آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ

بِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلَحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ يَا حَيًّا  
 قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى وَمُمِيتَ  
 الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ  
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي  
 مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ  
 مِنَ الصَّلَوَاتِ زِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَأَخَاطَ بِهِ كِتَابُهُ  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّهُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَ  
 بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ  
 أَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ  
 وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ خَالَ  
 بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي  
 مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيَفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي  
 اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَالْكَحْلَ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَ  
 عَجَّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مَنَهْجَهُ وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ  
 اشْدُدْ أَرْزَهُ وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ  
 ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيكَ وَابْنَ  
 بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ وَ  
 يُحِقِّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ  
 نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ  
 دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ  
 الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَ سِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى  
 دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ  
 عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرِيهِ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس



سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی  
 الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ (۱)

### توسل به امام زمان (عج)

یکی از وظایف شیعیان در دوران غیبت امام عصر (عج) که بسیار مهم بوده و نقش اساسی در چگونگی عملکرد و رفتار به جای می‌گذارد، یقین داشتن به حالت حضور در پیشگاه امام زمان (عج) می‌باشد به گونه‌ای که اگر به این مسأله اعتقاد داشته باشیم که امام زمان (عج) هر لحظه شاهد بر رفتار، نیات، گفتار و حالات ما هستند، سعی می‌کنیم اعمالمان را با دقت و ادب خاصی که شایسته بندگی باشد انجام دهیم.

ابوبصیر که یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام است می‌گوید:  
 با امام باقر علیه السلام وارد مسجد شدم و مردم در حال رفت و آمد بودند.  
 امام علیه السلام (خود را از دیدگان مردم غایب نمودند و) به من فرمودند:  
 از مردم بپرس آیا مرا می‌بینند؟ من با هر کس ملاقات کردم و از او  
 سؤال کردم که آیا امام باقر علیه السلام را دیدی؟ می‌گفت: نه، تا فردی نابینا به  
 نام ابوهارون وارد شد. امام علیه السلام فرمودند:

از این مرد سؤال کن. به او گفتم: آیا امام باقر علیه السلام را دیدی؟  
 ابوهارون در جواب گفت: مگر ایشان اینجا نایستاده‌اند؟  
 ابوبصیر گفت: از او سؤال کردم تو از کجا از این مطلب آگاه شدی؟  
 ابوهارون گفت: چگونه به آن علم و آگاهی پیدا نکنیم و حال آن که

۱- مفاتیح الجنان: دعای عهد.

امام علیه السلام نوری است آشکار.

آنگاه ابوبصیر می گوید: شنیدم که امام باقر علیه السلام به مردی از اهل آفریقا می فرمود: حال راشد چگونه است؟ او گفت: از آفریقا که خارج شدم او زنده و سالم بود و به شما سلام می رساند.

امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند او را رحمت کند. مرد آفریقایی گفت: او مرد؟!

امام علیه السلام فرمودند: آری. او پرسید: در چه زمانی؟

امام علیه السلام فرمودند: دو روز بعد از خارج شدن تو از آفریقا مرد. آفریقایی گفت: به خدا قسم راشد نه مریض بود و نه هیچ گونه دردی داشت!

امام علیه السلام به او فرمودند: مگر هر کس که می میرد به خاطر مرض یا درد می میرد؟

ابوبصیر گفت: از امام علیه السلام پرسیدم: این مرد آفریقایی کیست؟

امام علیه السلام فرمودند: دوست ما و محب ما خاندان است. آن گاه امام علیه السلام فرمودند: آیا معتقدید برای ما با شما، چشمانی نظاره گر و گوش هایی شنوا وجود ندارد؟ چقدر بد است آنچه به آن عقیده دارید. به خدا قسم بر ما هیچ چیزی از اعمال شما پنهان نیست.

پس همه ما را حاضر در نزد خود بدانید و نفس های خود را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید تا این حقیقت را بشناسید. آنگاه امام علیه السلام فرمودند: من فرزندان و شیعیان خود را به آنچه گفتم امر می کنم.<sup>(۱)</sup>

از ویژگی‌های دیگر احساس حضور داشتن در پیشگاه آن حضرت این است که هر لحظه با بهترین مخلوق هستی ارتباط روحی داشته و زندگی‌مان از لذت و صف ناپذیری برخوردار خواهد بود و چون با امام زمان (عج) مانوس می‌شویم مشکلات و حوائج‌مان را به ایشان عرضه کرده و امیدمان فقط به دستان توانای آن حضرت دوخته می‌شود، چراکه وظیفه غلام و بنده نسبت به اربابش این است که حاجات خود را از او درخواست کند و اگر حوائج خود را از غیر ولی نعمتش مطالبه کند، نسبت به مولا و اربابش بی‌احترامی و بی‌وفایی کرده است. بنابراین عمل کردن به این وظیفه امری واجب است، زیرا که خواسته صاحب ما این است که غیر از او از کسی چیزی طلب نکنیم.

یکی از دوستان قضیه جالبی را که با این بحث مناسبت خاصی دارد، مطرح کرده و می‌گفت:

شخصی چند الاغ برای کارهای خود خریداری می‌نماید، که در بین آنها یکی از الاغ‌ها ویژگی خاصی را دارا بود که به خاطر آن صفت خوب بیشتر از بقیه مورد توجه صاحبش قرار می‌گرفت، صفتی که آن الاغ را از بقیه جدا می‌نمود، این بود که به هیچ کس غیر از صاحب خود سواری نمی‌داد و اگر کسی می‌خواست از جلو سوار شود او را گاز می‌گرفت و اگر می‌خواست از عقب سوار شود بالگد او را می‌زد و اگر می‌خواست از بغل سوار شود به پهلوی مخالف می‌خوابید.

تأمل و تفکر در معرفت و وفای این حیوان، انسان را شگفت‌زده کرده و باعث شرمندگی می‌شود، که چگونه یک حیوان این قدر به صاحب و مولای خود وفادار باشد و غیر از او به کسی سواری ندهد، ولی ما شیعیان که صاحب خود را، امام زمان (عج) می‌دانیم، نسبت به

صاحب خود بی وفا بوده و چشم امید به دست انسان‌هایی داریم که اهل دنیا و باطل می‌باشند و با سواری دادن به هرکسی باعث ناراحتی مولا یمان گشته‌ایم.

بنابراین، باید مشکلات و حوائج خود را نزد اهل بیت علیهم‌السلام برده و چشم امیدمان به درگاهی باشد که گدا از در خانه‌شان دست تهی برنمی‌گردد و نهایت این کرم و سخاوت آن وقت نمایان می‌شود که امام حسن عسگری علیه‌السلام خطاب به انسان‌ها می‌فرمایند: «حتی نمک آشتان را از ما بخواهید» پس اگر کسی در برآورده شدن حاجاتمان ما را یاری نمود، آن شخص را ولی نعمت خود ندانسته، بلکه او را وسیله‌ای بدانیم که از جانب صاحبمان برای رفع حاجت ما واسطه قرار گرفته است.

از سوی دیگر خداوند متعال با بیان آیه‌ای، حقیقت اهل بیت علیهم‌السلام را به همه انسان‌ها معرفی کرده و می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾<sup>(۱)</sup>

و برای خداوند نام‌های نیکی است او را با آنها بخوانید.

در توضیح آیه فوق امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

به خدا قسم ما ییم آن اسماء حسنیایی که خداوند بندگان را

امر فرموده به وسیله آنها او را بخوانند [و دعا کنند].<sup>(۲)</sup>

سید بن طاووس رحمه‌الله به نقل از کتاب رسائل شیخ أقدم، محمد بن

یعقوب کلینی رحمه‌الله از کسی که نامش ذکر شده، می‌گوید:

به حضرت ابوالحسن علیه‌السلام نوشتم: شخصی مایل است حاجات خصوصی و

۱- سوره اعراف: آیه ۱۸۰.

۲- اصول کافی: ج ۲، ص ۶۱۸.

اسراری را با امام خویش در میان گذارد، همانگونه که دوست دارد با پروردگارش بازگوید، پس آن حضرت در جواب نوشت: اگر حاجتی داشتی پس لبهایت را [به شکل گفتن آن] حرکت بده که همانا جواب به تو خواهد رسید. حال که متوجه شدیم امام زمان (عج) حاضر و ناظر بر اعمال ما بوده و غیبت و ظهور آن حضرت تأثیری در آگاهیشان بر اعمال و خواسته‌های ما نمی‌گذارد و ایشان باب الله و ید الله و... می‌باشند، بنابراین بر ما لازم است که هیچ دری غیر از باب الله را نکوبیم و گدایی این درگاه را با پادشاهی دنیا عوض نکنیم.

و اما برای اینکه بدانیم چگونه حاجات خود را از آن بزرگوار طلب نماییم، دعاها و ختم‌هایی را که در کتاب‌های معتبر به آن‌ها اشاره شده، برای شما عزیزان ذکر می‌کنیم، امید است که با داشتن یقین کامل به لطف حضرتش، حاجات خود را به وسیله این دعاها و توفیقات به آن حضرت عرضه نموده و با دستانتوانمند آن حضرت از هم و غم دنیا و آخرت رهایی یابیم.

البته نکته مهم و قابل توجه این است که اگر به این دعاها در محلی دسترسی نداشتیم و حاجتی بر ما پیش آمد همین که با زبان ساده از آن بزرگوار حاجت خود را بخواهیم به ما عطا خواهند نمود چرا که آن امام عزیز در همه حالات شاهد بر اعمال ما می‌باشد و شایسته خوان کرشم نمی‌باشد که کسی از در خانه او دست تهی برگردد.

#### توسل به امام زمان (عج) در مشکلات

روایت شده است: مؤمنی که امری از امور دنیوی یا اخروی بر او سخت شده، اگر به صحرا برود و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند، امداد

و کمکی از جانب حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - به او می‌رسد.  
 «یا فارسَ الحِجازِ اذْرِکُنِی، یا ابا صالحِ المَهْدِیِّ اذْرِکُنِی، یا ابا  
 القاسِمِ اذْرِکُنِی اذْرِکُنِی وَ لَا تَدْعُنِی، فَإِنِّی عَاجِزٌ ذَلِیلٌ.»<sup>(۱)</sup>

توسلی دیگر به حضرت بقیة الله (عج)

عالم بزرگوار مرحوم عراقی در کتاب «دار السلام» می‌نویسد:  
 ملا قاسم رشتی رحمته الله - یکی از علمای معروف - نقل می‌کند و می‌گوید:  
 برای امر مهمی به شهر اصفهان رفته بودم، روزی - غیر از  
 پنجشنبه - برای تفریح از شهر رو به قبرستان «تخت فولاد» - که زمین  
 متبرکی است - خارج شدم، در آن شهر غریب بودم و نمی‌دانستم که  
 مردم شب‌های جمعه به زیارت اهل قبور می‌روند و ازدحام می‌شود،  
 ولی سایر روزها خلوت است و چیزی در آنجا از ماکولات و غیره پیدا  
 نمی‌شود، فقط گاه گاهی کشاورزی یا مسافری از آنجا عبور می‌کند.  
 وقتی که از خیابان عبور می‌کردم دوست داشتم که قلیان هم با خود  
 ببرم، نوکری که همراهم بود گفت: اگر چنین خیالی دارید باید بگویید  
 تا همراه خود قلیان برداریم، چون غیر از شب جمعه چیزی در آنجا  
 پیدا نمی‌شود و قلیان فروش‌ها نمی‌آیند. گفتم: من به خاطر قلیان از  
 زیارت قبور بزرگان - که در این قبرستان هستند - منصرف نمی‌شوم،  
 رفتیم تا به قبرستان رسیدیم، وارد قبرستان شده و مشغول خواندن  
 سوره فاتحه شدم، شخصی در گوشه حیاط نشسته بود، گرچه تاج و  
 بوق و پوستی نداشت ولی شبیه درویش‌ها بود، رو به من کرد و گفت:  
 ملا قاسم چرا وقتی وارد شدی طبق سیره پیغمبر صلی الله علیه و آله سلام نکردی؟

از کلام او شرمنده شدم، عذر آوردم که چون دور بودم خواستم نزدیک شوم آن وقت سلام نمایم.

فرمودند: نه! شما مآلاها ادب ندارید!

هیبت عظیمی از او در دلم جای گرفت، جلو رفته و سلام کردم، ایشان جواب داد، پدر و مادرم را نام بردند که فلان و فلان بودند و فرمودند: چون فرزند پسر از آنها نمی ماند پدرت نذری کرده بود که اگر خداوند به او فرزند پسری عنایت فرماید از اهل حدیث و خیر شود، خدا تو را به او کرامت فرمود، او هم به نذر خود وفا نمود.

عرض کردم: بلی، این جریان را مفصلاً شنیده‌ام.

بعد فرمود: اگر میل به قلیان داری، در توبره من قلیان هست بیرون آور و بساز، من هم همراه تو می کشم.

خواستم نوکرم را صدا کنم و ساختن قلیان را به او دستور دهم، به محض خطور این خیال در ذهنم، فرمودند: نه، خودت بساز.

عرض کردم: چشم، دست در توبره کردم قلیانی بود که تازه آب ریخته بود. بیرون آوردم، تنباکو و زغال سنگ و سایر لوازم هم بود، قلیان را ساختم و خودم کشیدم و به ایشان دادم، پس از یکی دو بار کشیدن فرمودند: آتش قلیان را بریز و در توبره بگذار، اطاعت کردم.

فرمودند: چند روزی است که اینجا آمده‌ام ولی چون از اهل این شهر خوشم نمی آید، به همین جهت وارد شهر نشدم، اکنون می خواهم برای دیدن دوستی به مازندران بروم.

پس از آن فرمود: در این قبرستان چند پیامبر دفن شده‌اند که کسی از آنها خبر ندارد، بیا آنها را با من زیارت کن.

برخاست و توبره را به دست گرفته و راه افتادیم تا اینکه به جایی رسیدیم، فرمودند: قبر آن پیامبران اینجاست، زیارتی خواند که من عبارات آن را در کتاب‌ها ندیده بودم، من هم به همراه ایشان خواندم،

از آن قبرها دور شدند و فرمودند: من عازم مازندران هستم، چیزی از من به عنوان یادگار بخواه، من از ایشان زاد المسافرین - یعنی علم کیمیا - خواستم.

فرمودند: نمی آموزم. اصرار کردم، فرمودند: رزق و روزی مقدر است، تا زنده‌ای روزی تو می‌رسد. گفتم: چه می‌شود که از این دربدری نجات پیدا کنم؟

فرمودند: دنیا این اندازه ارزش ندارد.

عرض کردم: من این را برای دوست داشتن دنیا نخواستم.

فرمودند: پس چرا از چیزهایی که مربوط به دنیا است خواستی؟ باز خواسته خود را تکرار کردم.

فرمودند: اگر مرا در مسجد سهله دیدی به تو می‌آموزم.

عرض کردم: پس دعایی به من بیاموزید.

فرمودند: دو دعا می‌آموزم، یکی مخصوص خودت باشد و دیگری نفعش به دیگران هم برسد، که اگر مؤمنی در بلایی گرفتار شد بخواند تأثیر آن مجرب است.

ایشان هر دو دعا را قرائت فرمودند، عرض کردم: افسوس که قلم و کاغذ همراه نیست تا بنویسم و نمی‌توانم حفظ کنم.

فرمودند: من قلم و کاغذ دارم از توبره بیرون آور.

دست در توبره کردم، ولی نه قلیان بود و نه لوازم ساختن آن، فقط قلمدانی با یک قلم و یک دوات و یک قطعه کاغذ به اندازه نوشتن آن دعاها بود، به فکر فرو رفتم و تعجب کردم، با تندی به من فرمودند: زود باش؛ مرا معطل نکن، می‌خواهم بروم.

من هم با اضطراب سر به زیر افکنده آماده نوشتن شدم، اول دعای مخصوص را املا کردند و نوشتم، چون به دعای دوم رسیدند چنین خواندند:



«یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فَاطِمَةُ، یا صاحِبَ الزَّمَانِ أَذْرِکُنِي وَ لَا تُهْلِكُنِي».

اندکی صبر کردم، فرمودند: این عبارت را غلط می‌دانی؟  
عرض کردم: بلی، چون خطاب به چهار نفر است و فعل بعد از آنها  
باید جمع گفته شود.

فرمودند: اشتباه می‌کنی، زیرا در این زمان نظم دهنده همه جهان  
حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - است و افراد دیگر در ملک او تصرف  
نمی‌کنند، ما در دعا حضرت محمد و علی و فاطمه علیهم‌السلام را برای  
شفاعت نزد آن بزرگوار می‌خوانیم و از او به تنهایی استمداد می‌کنیم.  
دیدم جواب متینی است، نوشتم؛ همین که دعا تمام شد سر بلند  
کردم به هر طرف نگاه کردم ایشان را ندیدم، از نوکر پرسیدم، او  
گفت: من هرگز کسی را ندیدم.

یک حالت و دگرگونی خاصی که مثل آن هرگز در من پیدا نشده  
بود، وجودم را فراگرفت و با همان حال به شهر وارد شدم، به خانه  
حاجی محمد ابراهیم رفتم، او در کتابخانه خود بود، چون مرا با آن  
حال خاص دید گفت: آخوند! مگر تب کرده‌ای؟

گفتم: نه، واقعه‌ای برای من پیش آمده است، بعد جریان را برای او  
تعریف کردم.

او گفت: این دعا را آقا محمد بید آبادی به من یاد داده‌اند و در  
پشت کتاب دعا نوشته‌ام، برخاست و کتاب مزبور را آورد، دیدم  
نوشته است: «أَذْرِکُونِي وَ لَا تُهْلِكُونِي» آن را پاک کرده و هر دو فعل را  
مفرد نوشت. (۱)

با توجه به قضیه فوق درمی‌یابیم که گرچه همه ائمه علیهم‌السلام «کُلُّهُمْ نُوْرٌ

واحد» هستند و هیچ فرقی با هم ندارند ولی در هر زمانی امام آن عصر نظم امور هستی را به عهده دارد و اگر از یازده معصوم علیهم السلام یا امامزاده‌ها و یا اولیاء خدا، حاجتی را بخواهیم، در واقع آن بزرگواران برای رفع حوائج ما، نزد صاحب آن عصر واسطه و شفیع می‌شوند تا انشاءالله حوائج ما برآورده شود.

#### عریضه به امام عصر (عج)

یکی از روش‌های توسل و استغاثه به امام زمان (عج) که اثرات آن به وضوح دیده شده، نوشتن عریضه خدمت آن حضرت می‌باشد. همانطور که علامه بزرگوار سید جلیل القدر محمد تقی اصفهانی رحمته الله علیه در فصل معجزه‌های حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - می‌گوید:

«از جمله معجزه‌های روشن و نورانی و کرامت‌های آشکار حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - حاصل شدن مقاصد و حوائج با فرستادن عریضه استغاثه به حضرتش می‌باشد، این امر با دیدگان مشاهده گردیده و با وجدان تجربه شده است.»

از این رو در این بخش چگونگی استغاثه علمای بزرگوار به آن حضرت را برای شما عزیزان نقل کرده و سپس چگونگی نوشتن عریضه، خدمت آن حضرت را برای شما خواهیم آورد.

#### عریضه میرزا ابراهیم شیرازی حائری

مرحوم محدث نوری می‌گوید: دانشمند فاضل میرزا ابراهیم شیرازی حائری قضیه‌ای در رابطه با عریضه برای من تعریف کرد، او گفت:

در شهر شیراز زندگی می‌کردم، حاجات مهمی داشتم، فکرم به جایی نمی‌رسید و از این جریان سینه‌ام تنگ شده بود، یکی از

حاجت هایم توفیق تشرّف به زیارت آقا و مولایم امام حسین علیه السلام بود، چاره‌ای در گشایش کارم ندیدم، جز آنکه متوسّل به ذیل عنایات دریای کرم امام حاضر، حضرت بقیة الله صاحب الزمان - ارواحنا فداه - شوم.

حاجت‌هایم را در ضمن عریضه‌ای - که از بزرگان علماء روایت شده - به حضرتش نوشتم و به صورت مخفیانه موقع غروب آفتاب از شهر خارج شده و کنار استخری آمدم، در کنار استخر ایستاده و از نوّاب چهارگانه؛ ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه را - چنانکه در روایت آمده - صدا زدم، به او سلام کردم و گفتم که رقعۀ را به مولای خود و مولای همه انسان‌ها تسلیم کند و رقعۀ را به آب انداختم. به طرف شهر برگشتم، آفتاب غروب کرده بود، از دروازه دیگری، وارد شهر شدم و به خانه خود آمدم و این جریان را به آنها نگفتم.

بامداد فردا نزد استاد - که با چند نفر از او درس می‌خواندیم - رفتم، چون همه افراد آمدند و نشستند، ناگاه سیّدی شریف و نجیب در لباس خادمان حرم حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام وارد شد و سلام نمود، او در کنار استاد نشست، ما تا به حال او را ندیده بودیم و نمی‌شناختیم.

پس از آن، روی به من کرد و مرا با نام صدا زد و گفت: فلانی عریضه تو را به محضر مولای ما حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - رساندم. من از این سخن مبهور شدم، افراد جلسه هم معنی سخن او را نفهمیدند که چه می‌گوید، به همین جهت از او پرسیدند: جریان چیست؟

گفت: دیشب در عالم خواب دیدم گروهی در اطراف سلمان محمدی ایستاده‌اند، در نزد او عریضه‌های زیادی بود، ایشان به آنها نگاه کرد، چون مرا دید صدایم زد و گفت: برو نزد فلانی و به او بگو: این عریضه توست - دستش را بلند کرد عریضه‌ای دیدم که مهر زده

شده است - که به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله - ارواحنا فداء - رسیده. فهمیدم که حاجت هر کسی مقدرّ شده باشد عریضه او مهر زده می شود و هر که مقدرّ نشده عریضه او همان طور برمی گردد. حاضرین در مجلس صدق خواب را از من پرسیدند، من قضیه را برای آنها نقل کردم، و سوگند خوردم که کسی از این قضیه اطلاعی نداشت.

آنها به من مژده دادند که حاجات برآورده می شود و همین هم شد، پس از گذشت زمان اندکی موفق شدم که به حایر حسینی علیه السلام مهاجرت نمایم، اکنون در جوار حریم حضرتش ساکن هستم، حوائج دیگری که در عریضه نوشته بودم همه برآورده شد، خدای تعالی را سپاسگزارم و بر اولیاء الهی درود می فرستم. <sup>(۱)</sup>

#### عریضه شخصی دیگر خدمت امام زمان (عج)

علامه بزرگوار شیخ علی اکبر نهاوندی رحمته الله علیه در «العقبری الحسنان» می نویسد:

استاد اخلاق علامه حاج میرزا علی قاضی طباطبایی نجفی در عصر روز جمعه اول ربیع الاول سال ۱۳۵۸ در نجف اشرف قضیه ای در این رابطه برای من تعریف کرد، او گفت: یکی از کسانی که با او انسی داشتم - نام او را نگفتم - طی نامه ای به من نوشته بود: در یکی از شب های نیمه شعبان عریضه ای خدمت امام زمان (عج) نوشتم، آن را طبق معمول در شهر خودم به آب انداختم، چند روز بعد شخصی آمد و گفت: عریضه تو را به محضر امام عصر (عج) رساندم و شب عاشورا می آیم و تو را نزد آن حضرت می برم. من همه عباداتی که برای قابلیت جهت تشرف به خدمت امام علیه السلام

است انجام دادم، تا آنکه شب عاشورا - که شب موعود بود - فرا رسید، ناگاه دیدم آن شخص طبق وعده‌ای که داده بود آمد، مرا در یک چشم به هم زدن به سوی جزیره‌ای که امام علیه السلام در آن ساکن بود برد، در آنجا چیزهایی دیدم که قابل وصف و بیان نیست، ارواح انبیاء و اوصیاء در آنجا بود، آثار عظمت الهی را در آنجا مشاهده کردم طوری که بی هوش افتادم، تا اینکه آن شخص مرا در یک چشم به هم زدن به سوی خانواده‌ام برگرداند. (۱)

#### چگونگی نوشتن عریضه خدمت امام عصر (عج)

متنی را که می‌آوریم در کاغذی نوشته و در ضریح یکی از ائمه معصومین علیهم السلام بیندازید، انشاءالله این عریضه به محضر مبارک حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - می‌رسد و آن حضرت خودشان حاجت را برآورده می‌نمایند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَعِيثًا، وَ شَكْوَتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَنِي، وَ أَشْغَلَ قَلْبِي، وَ أَطَالَ فِكْرِي، وَ سَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي، وَ غَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عِنْدِي، أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخِيلِ وَرُودِهِ الْخَلِيلِ، وَ تَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ الْحَمِيمِ، وَ عَجَزَتْ عَنِّي دِفَاعِهِ حِبْلَتِي، وَ خَانَنِي فِي تَحْمُلِهِ صَبْرِي وَ قُوَّتِي.

فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَ تَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيَّ وَ عَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي، عِلْمًا بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلِيَّ التَّدْبِيرِ وَ مَالِكِ الْأُمُورِ، وَ اتِّقَاءَ بِكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَمْرِي، مُتَيْقِنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي.

وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي، وَ تَصَدِيقِ أَمَلِي فِيكَ، فِي أَمْرٍ كَذَا وَ كَذَا بِهِ

جای کذا و کذا حاجت خود را بنویسید، فیما لا طاقةَ لي بِحَمْلِهِ، وَ لَا صَبْرَ لي عَلَيْهِ، وَ إِن كُنْتُ مُسْتَحِقًّا لَهُ وَ لِأَضْغَافِهِ بِسَبِّحِ أَفْغَالِي، وَ تَفْرِيطِي فِي الْوَأَجِبَاتِ الَّتِي لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأَغْنِي يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اللَّهْفِ، وَ قَدَّمَ الْمَسْأَلَةَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي، قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ، وَ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، فَسَبِّكَ بَسِطَتِ النِّعْمَةَ عَلَيَّ.

وَ اسْأَلِ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا عَزِيزًا، وَ فَتْحًا قَرِيبًا، فِيهِ بُلُوغُ الْأَمَالِ، وَ خَيْرُ الْمَبَادِي، وَ خَوَاتِيمُ الْأَعْمَالِ، وَ الْأَمْنُ مِنَ الْمَخَافِ كُلِّهَا فِي كُلِّ خَالٍ، إِنَّهُ جَلَّ تَنَائُؤُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالٌ، وَ هُوَ حَسْبِي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدِءِ وَ الْمَالِ».

روش دیگر این است که آن نوشته را تا کرده و از خاک نظیفی گل بسازید و آن را در میان گل قرار دهید، و در نهر و چشمه آبی یا چاه عمیقی بیندازید، آنگاه بر بالای نهر یا چشمه بروید و یکی از نابیان حضرت بقیة الله (عج)، عثمان بن سعد عَمْرِي، مُحَمَّد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن مُحَمَّد سمري رضی الله عنه را مورد خطاب قرار داده و بگوید:

«يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ سَلَامٌ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّ وَفَاتَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ أَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللَّهِ مَرْرُوقٌ، وَ قَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ، وَ هَذِهِ رُقْعَتِي وَ خَاجَتِي إِلَيَّ مَوْلَانَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَسَلِّمْهَا إِلَيْهِ، فَأَنْتَ الثَّقَةُ الْأَمِينُ.»

سپس عریضه را در نهر یا چاه یا چشمه بیندازد، که ان شاء الله تعالی حاجتتان او برآورده می شود. <sup>(۱)</sup>

البته باید بدانیم که گاهی اوقات انسان حاجاتی را مطالبه می کند که به نفعش نیست و در صورت برآورده شدن به ضررش بوده و منجر به گمراهی یا فساد و نابودی او می شود، از این رو در چنین شرایطی خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام حاجات آن شخص را

برآورده نمی‌کنند.

خداوند متعال در قرآن کریم در تأیید این مطلب می‌فرماید:

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا  
وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

چه بسیار چیزی که شما ناگوار می‌شمارید ولی خیر و صلاح در آن بوده و چه بسیار چیزی را که شما دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است و خداوند به مصالح امور داناست و شما نادانید.

بنابراین اگر حاجات ما برآورده نشد نباید متأثر باشیم، چرا که این برآورده نشدن حاجات یا به علت رعایت نکردن آداب دعا است و یا جزء آن دسته از حاجاتی است که برآورده شدن آنها به نفع ما نمی‌باشد، بنابراین باید همیشه بنده خداوند بوده و هیچ‌گاه از درگاه او ناامید نشویم چرا که ناامیدی از درگاه خداوند از گناهان کبیره می‌باشد و باید بدانیم که هر وقت از خداوند متعال حاجتی را خواستار شدیم، چون دست‌گذاری به سوی پروردگار عالمیان دراز نموده‌ایم و خداوند بزرگترین بخشنده است، از این رو کسی که به درگاه او عرض حاجت نماید هیچ‌گاه دست تهی برنمی‌گردد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در تأکید بر این مطلب می‌فرماید:

هر مسلمانی که خدای تعالی را دعا کند به دعایی که قطع رحم و گناه آوردن در آن نباشد، خداوند به سبب آن یکی از سه چیز را به او دهد: یا دعایش را به زودی مستجاب فرماید، و یا آن را برای آخرتش ذخیره فرماید، و یا مانند آن را از بدی از او دور سازد.<sup>(۲)</sup>

۱ - سوره بقره: آیه ۲۱۶.

۲ - بحار الانوار: ج ۹۳، ص ۲۹۴.

بس که از هجر رُخت غمزده و زار شدم  
 با دل غمزدگان مونس و غمخوار شدم  
 خواهش دیدن تو، یا اجل خویش بُود  
 بس بود اینهمه بر قلب تو آزار شدم  
 صحبت خال لب و چشم خمارت نکنم  
 بس که محروم ز دیدار تو ای یار شدم  
 گرچه سخت است بگویم که کس دیگر را  
 جای تو در عمل خویش خریدار شدم  
 من ندانم ز چه رو باز مرا می‌خوانی  
 من که شرمنده از این خوبی رفتار شدم  
 من چنین گمره و آلوده نبودم مددی  
 که پس از رفتن یارم به خدا خوار شدم  
 هر چه کردم ز گناهان بَرهم خود دیدی  
 از ضعیفی دلم باز گرفتار شدم  
 توبه از سوی تو زیباست براین بی‌کس و یار  
 مددی کن به خدا بی‌کس و غمخوار شدم

و السلام علی من اتبع الهدی



## منابع و مأخذ

- اصول کافی، محمد بن یعقوب مرحوم شیخ کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ.
- اقبال الأعمال، عالم جلیل القدر سید بن طاووس، مؤسسه مطبوعاتی اعلمی - بیروت.
- بحار الانوار، مرحوم علامه مجلسی.
- بشارة الاسلام، السید مصطفی آل سید حیدر الکاظمی، چاپ نجف ۱۳۸۲ هـ. ق.
- تفسیر البرهان، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ هـ.
- تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی.
- دار السلام، شیخ محمود عراقی، منشورات مکتبه اسلامیه، تهران.
- روزگار رهایی، (یوم الخلاص، کامل سلیمان) مترجم حجة الاسلام مهدی پور.
- روضه فی الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ.
- شیفتگان حضرت مهدی (عج)، حجة الاسلام احمد قاضی زاهدی.
- صحیفه مهدیه، تألیف سید مرتضی مجتهدی، ترجمه محمد حسین رحیمیان.
- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی علی بن عبد العزیز مقدس الشافعی السلمی عهدین، چاپ جمعیت بخش کتب مقدسه.
- غیبت نعمانی، مرحوم شیخ اجل ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم نعمانی.
- قرآن مجید.
- کامل الزیارة، تألیف محدث خبیر جعفر بن محمد بن قولویه، نشر النقاہه - قم.
- کمال الدین، شیخ صدوق.
- مصباح المتہجد، تألیف شیخ الطائفه ابو جعفر محمد طوسی.
- مفاتیح الجنان، تألیف مرحوم محدث قمی.
- مکیال المکارم، آية الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی، متوفای ۱۳۴۸ هـ.
- الملاحم و الفتن، سید بن طاووس.
- مہیج الاحزان، علامه آية الله شیخ حسن یزدی حائری، تحقیق و ویرایش، محمد حسین رحیمیان.
- نجم الناقب، مرحوم محدث نوری.
- نور الابصار فی مناقب آل نبی المختار، سید مؤمن شیلنجی.